حجاب؛

حریم پاکی ها

تألیف

موسسه جهانی سبطین (علیهما السلام)

حجاب حریم پاکی ها

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : حجاب حریم پاکی ها/تالیف: موسسه جهانی سبطین علیهما السلام .

مشخصات نشر : قم: موسسه جهانی سبطین ع) 1386.

مشخصات ظاهری : 201ص.

شابک : 33000 ریال :چاپ دوم 978-964-8716-28

یادداشت : چاپ دوم: 1389(فیپا).

موضوع : حجاب

شناسه افزوده : موسسه جهانی سبطین (ع)

رده بندی کنگره : BP230/17/ح3 1386

رده بندی دیویی : 297/636

شماره کتابشناسی ملی : 1581176

ص: 1

اشاره

سخن مؤسسه

«يَا أَيُّهَا الْنَّبِیُّ قُلْ لِأَزْوَاجِکَ وَبَنَاتِکَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِینَ یُدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِن جَلاَبِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنَی أَن یُعْرَفْنَ فَلاَ یُؤْذَیْنَ؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلبابها (= روسری های بلند)خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است». مسأله حجاب، در همه ادیان الهی مورد توجه بوده است و دین مبین اسلام که منطبق بر فطرت بشر می باشد، اهمیت خاصی برای آن قائل شده است که با بررسی آیات نورانی قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام به گوشه ای از این اهمیت پی می بریم.

بدون شک حجاب موجب خشنودی خداوند است؛ زیرا زن، با حجاب خویش جلال خود را حفظ می نماید و به راستی جمال و جلال زن در حجاب اوست.

حجاب وسیله ای برای گسستن بندهای اسارت نفس و رهایی از آن به شمار می رود. حجاب نشانگر حیا و پاکی روح و روان زنان است و استقلال فرهنگی و دینی یک جامعه و نیز ایمان و اعتقاد یک زن به ارزشهای اصیل اسلام به وسیله حجاب به نمایش گذاشته خواهد شد. زن باحجاب، دیگر در تیررس هواهای نفسانی نامحرمان قرار نخواهد گرفت؛ لذا برای همیشه پاک و محبوب باقی می ماند، و چون مرواریدی در

صدف عفاف، ارزشمند و پربها محفوظ خواهد ماند.

اکنون در عصری به سر می بریم که در فرهنگ غرب، عصر برهنگی و آزادی جنسی نام گرفته و غربیان، بی حجابی را جزیی از حقوق آزادی زنان محسوب می نمایند. از این رو سخن از حجاب و آثار سازنده آن برای آنها و

همفکران شان ناخوشایند و بی ارزش است. به راستی کدامین فکر به زنان، شخصیت و ارزش می دهد؟ فکری که زنان را همچون عروسکی بزک شده به جامعه می آورد تا مورد هجوم مردان هرزه و لاابالی قرار گیرد یا ایده و فکری که جمال و زیبایی زن را در حریم ارزشمند حجاب حفظ نموده و از دسترس چشم ها و دست های آلوده محفوظ بدارد.

کتاب «حجاب، حریم پاکی ها» که از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت با قلمی ساده و روان به مباحث مختلفی پیرامون مسأله حجاب و فلسفه و آثار آن خواهد پرداخت و نیز راهکارهایی برای گسترش فرهنگ ارزشمند حجاب و جلوگیری از بدحجابی به خوانندگان ارائه خواهد نمود. امید است این تلاش ناچیز مورد توجه و استفاده اقشار مختلف جامعه و به ویژه بانوان و دختران جوان قرار بگیرد.

در پایان از پژوهشگران گروه فارسی مؤسسه جهانی سبطین علیهم السلام به ویژه آقایان حمزه کریم خانی و سید محمد سقازاده که در گستره تحقیق و تألیف این اثر تلاش نمودند، تشکر و قدردانی می نماید.

مؤسسه جهانی سبطین علیهماالسلام

پیشگفتار

زن از دیدگاه اسلام دارای شخصیتی والا و ارزشمند است که وجود او زینت بخش آفرینش و افق روحش تجلی گاه رحمت و لطافت خلقت می باشد. زن مظهر ظرافت و جمال آفرینش است و اصلاح جامعه در مرحله نخست در گروی تقوای زن و پاکدامنی او می باشد؛ چرا که سلامت اساسی ترین بخش جامعه که خانواده است وابسته به عفت و تقوای اوست.

بر همین اساس باید اقرار کرد که زن یکی از مؤثرترین مربیان بشر است که می تواند با تربیت فرزندانی صالح، امتی را رهایی بخشد و جامعه ای را نجات دهد. از این رو جایگاه بسیار والای این گوهر ارزشمند آفرینش اقتضا می کند که در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش حقیقی او حفظ شود. آری ! یکی از فلسفه های اصلی حجاب و پوشش برای زن در اسلام چیزی جز حفظ ارزشهای والای زن نمی باشد. با تأمل در آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم السلامدر می یابیم که اصل پوشش امری ذاتی و فطری برای انسان به شمار می رود و برهنگی، فتنه ای است که انسان در اثر وسوسه های شیطان به آن دچار می شود و جامعه و خویشتن را به آسیبهای فراوان دچار می کند.

پوشیده بودن زنان در جامعه نه تنها موجب تقویت بنیان خانواده است؛ بلکه سبب حفظ ارزش و شخصیت زن و نیز رشد و تعالی روحی وی می گردد. حجاب برای زنان مانند صدفی است که گوهر وجودشان را از گزند خطرها و آسیب ها مصون می دارد و نه تنها به آنان، بلکه به جامعه آرامش و سلامت می بخشد و آن را از گزند فساد و فحشا حفظ می کند.

مسأله پوشش، در همه ادیان الهی مورد توجه بوده است. دین مبین اسلام نیز که منطبق بر فطرت بشر می باشد، اهمیت ویژه ای برای آن قائل شده است.

در قرآن کریم به زنان مسلمان توصیه های فراوانی شده است که هنگام خروج از منزل یا رویارویی با مردان بیگانه، اندام و زینت های خویش را با پوششی مناسب و کامل از نگاه نامحرمان بپوشانند.(1)

بدون شک در عصر حاضر که کشور ما به شدت مورد هجمه های فرهنگی قرار گرفته است و دشمنان اسلام با استفاده از امکانات و وسایل جدید و مدرن بیش از پیش درصدد رواج فرهنگ ابتذال در بین مردم به ویژه جوانان هستند توجه بیشتر به مسأله حجاب و پوشش زنان و نیز راههای جلوگیری از رواج بدحجابی، بسیار مهم و ضروری به نظر می رسد.

کتاب «حجاب، حریم پاکی ها» که با قلمی ساده و روان به رشته تحریر درآمده است و به خوانندگان محترم تقدیم می شود به بحثهایی مهم و اساسی پیرامون حجاب می پردازد.

از محورهای مهم این کتاب می توان به این موارد اشاره نمود: مفهوم شناسی حجاب، حجاب در ادیان الهی و آیات قرآن و روایات اسلامی، فطری بودن حجاب و پوشش در زنان، فلسفه حجاب، راههای گسترش فرهنگ حجاب، پیامدهای ناگوار بدحجابی و راههای مبارزه با آن، پاره ای از احکام حجاب و پندهایی به جوانان.

امید است این تلاش ناچیز گامی در جهت آشنایی هر چه بیشتر بانوان و به ویژه دختران جوان با ابعاد مختلف مسأله حجاب به شمار آید و این آشنایی زمینه ساز گسترش فرهنگ حجاب در بین آنها باشد، ان شاءاللّه. گروه پژوهش های فارسی

مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام

بهار 1386

1- سوره احزاب :آیات 32و33.

فصل اول: معنا و مفهوم حجاب

حجاب در لغت

حجاب به معنای پوشش و آن چه به وسیله آن، خود را می پوشانند و نیز حایل بین دو چیز آمده است. جمع حجاب به این معنا حجب است .(1) در فرهنگ فارسی، حجاب به معنای نقاب و چادری است که زنان چهره و سر تا پای خود را با آن می پوشانند .(2)

حجاب در اصطلاح

با توجه به معنای لغوی حجاب و کاربرد قرآنی و روایی این واژه، شرع مقدس حجاب را این گونه بیان می کند: «پوشانیدن تمامی اعضای بدن به جز صورت و دست ها تا مچ».(3)

ام سلمه می گوید: پس از نزول آیات حجاب،

1- لسان العرب:ج3،ص50.
2- فرهنگ عمید:ص779.
3- لازم به زکر است که نظر فقها بزرگوار در این باره مختلف میباشد.برخی پوشاندن صورت ودست ها تامچ را در صورتی که بدون زینت هم باشد واجب میدانند.البته پوشاندن صورا و دست ها تا مچ در صورتی که زینت داشته باشد به اتفاق همه فقها واجب است. وجوع کنید به عروهالوثقی :ج2،ص317.

نزد پیامبر (صلی الله علیه واله و سلم) بودیم و میمونه نیز نزد ایشان بود که ابن ام مکتوم وارد شد رسول خدا(صلی الله علیه واله و سلم) فرمود: «حجاب خود را بگیرید...» . (1)

حضرت موسی بن جعفر(علیه السلام) از پدرانش آنها و از امیرمؤمنان (علیه السلام) روایت می کند که: «یک نابینا از حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) اجازه ورود خواست. پس ایشان حجاب خود را گرفت. رسول خدا(صلی الله علیه واله و سلم) به آن حضرت فرمود: برای چه حجاب خود را گرفتی، در حالی که او تو را نمی بیند؟ حضرت زهرا(سلام الله علیها) فرمود: اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم و علاوه بر آن او بوی مرا استشمام می کند. آن گاه رسول خدا (صلی الله علیه واله و سلم) فرمود: گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی» . (2)

حجاب در تاریخ

پوشش و لباس از نیازهای انسان به شمار می آید که از آغاز آفرینش به آن نیاز داشته و کوشیده است تا با هر وسیله ای خود را بپوشاند

فرید وجدی در دایره المعارف قرن بیستم می نویسد: «حجاب زنان سابقه ای طولانی دارد... سخن در مورد حجاب در میان نوشته های قدیمی ترین نویسندگان یونانی به چشم می خورد... زنان سر را می پوشانده اند، ولی صورتشان باز بوده است. وقتی به بازار می رفتند، بر آنان واجب بود صورت شان را نیز بپوشانند.(3)

از متون تاریخی به دست می آید که حجاب مربوط به دین

1- مکارم الاخلاق:ص267
2- نوادر راوندی :ص13-بضمهالمصطفی:ص479
3- دائرهالمعارف القرن العشرین:ص335

خاصی نیست و پیش از ظهور اسلام نیز وجود داشته است. حجاب یا چادر، بخشی از لباس زنان یونان باستان و روم قدیم بوده که برای زینت از آن استفاده می کردند. در ایران پیش از اسلام نیز زنان از چادر استفاده می کردند. یونانیان برای پوشیدن چادر و حجاب، جنبه های سحری یا جادویی آن را مورد نظر قرار می دادند؛ زیرا بر سر گذاشتن چادر بیشتر در مراسم و مجالس دینی رایج بوده و عده ای می پندارند که پوشیدن چادر برای زنان راهبه لازم بوده است. برخی نیز معتقدند چادری که عروس بر سر می دهد. برای پوشانیدنا جمال خود از چشم نامحرمان است... در اروپای قرون وسطا، چادر جزئی از زینت زنان بوده است» (1)

تا پیش از رنسانس بیش تر زنان حجاب داشتند، ولی با آغاز انقلاب صنعتی و جنگ جهانی دوم، جنبش آزادی زنان به نام فمینیسم شکل گرفت که کنار گذاشتن حجاب را تشویق می کرد. غلام حسین مصاحبه درباره تاریخچه حجاب می نویسد: «در دوره فتحعلی شاه قاجار و پس از آن، چادر خارج از منزل به رنگ سیاه یا بنفش بود که آن را روی «چاقچور» به سر می کردند و صورت را با روبنده می پوشانیدند. پس از مسافرت ناصر الدین شاه به فرنگ، تغییراتی در لباس زنان روی داد، ولی چادر در خارج از منزل بین زنان روشن فکر به کلی و در دیگر موارد نیز با توجه به زمان و مکان و طبقه اجتماعی کم و بیش از بین رفت. آدام اولشگر می گوید: زنان ایرانی هرگز در کوچه ها رو گشاده نمی روند، بلکه در حجاب سفیدی مستورند که تا زانو پایین می آید و فقط شکافی در مقابل چشمان خود

1- دائره المعارف،عبدالحسین سعیدیان:ج7،ص216.

باز می گذارند تا بتوانند پیش پای خود را ببینند».(1) حسین مکی نیز درباره کشف حجاب می نویسد: «در تاریخ 1396 / 4 / 2 مردم ایران در اعتراض به کشف حجاب در مسجد گوهرشاد (مشهد) تحصن کردند و عده زیادی به خاک و خون کشیده شدند، ولی رضاخان در 17 دی ماه همان سال به طور رسمی با حاضر کردن بدون حجاب ملکه و دخترانش در دانشسرای مقدماتی تهران، کشف حجاب را به مرحله اجرا گذاشت و چند روز بعد با زور سر نیزه به عملی کردن بی حجابی پرداخت. (2)

1- دائرهالمعارف فارسی ،غلام حسین مصاحب:ص787.
2- تاریخ بیست ساله ایران،حسین ملکی :ص252.

فصل دوم: حجاب در ادیان الهی

حجاب در شریعت اسلام

ص: 15

حجاب و پوشش در تمام ادیان و مذاهب، دارای جایگاه خاصی است، و یکی از دلایل اساسی آن این است که حجاب و عفاف، یک امر فطری است

داستان حضرت آدم و حوا نیز فطری بودن پوشش را اثبات می کند. در تورات (کتاب مقدس یهودیان که برای مسیحیان نیز مقدس است) می خوانیم: «و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر، خوشنما، دلپذیر و دانش فزا رسید پس از میوه اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. آنگاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند؛ پس برگهای انجیر به هم دوخته ، سترها برای خویشتن ساختند...

بعد ادامه می دهد: دو آدم، زن خود را حوا نام نهاد؛ زیرا که او مادر جمیع زندگان است. و خداوند رخت هایی برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید. (1)

ص: 17

1- تورات :سفر پیدایش ،باب 3،آیات 8-6و21-20.

بر طبق این متن، آدم و حوا لباسی داشتند و بعد از خوردن شجره ممنوعه چشمشان باز شد و فهمیدند که عریانند که بلافاصله با برگ درختان خود را پوشاندند و بعداً خداوند لباسی از پوست به ایشان ارزانی داشت.

در قرآن کریم در مورد داستان حضرت آدم و حوا چنین آمده است: فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوءاتهما وطفقا یخصفان علیهما من ورق الجنه؛ آنگاه که آدم و حوا از آن درخت (ممنوعه) چشیدند پوشش خود را از دست داده (عورتشان آشکار گردید و به سرعت با برگ درختان بهشتی خود را پوشاندند. (1)

طبق آیات قرآن کریم، حضرت آدم و حوا قبل از چشیدن درخت ممنوعه دارای لباس بودهاند؛ اما با خوردن از آن درخت ممنوعه (در اثر اغوای شیطان) لباس خود را از دست دادند که بلافاصله به پوشاندن خود اقدام نمودند.

به هر حال، مطابق هر دو نقل، پس از احساس برهنگی بلافاصله خود را با برگ های درختان بهشتی پوشاندند.

أین احساس شرم از برهنگی، حتی بدون حضور ناظر بیگانه، و سرعت، در پوشاندن خود به وسیله برگها (ولو به طور موقت)، از آن جهت که تحت هیچ آموزش یا فرمانی از جانب خداوند یا فرشته وحی و با تذکر هر یک به دیگری صورت نگرفته است، این اقدام

1- سوره اعراف :آیه 22.

حجاب در ادیان الهی بیانگر فطری بودن پوشش در انسان است و ثابت می کند که لباس و پوشش، به تدریج و بر اثر تمدن ها ایجاد نشده است؛ بلکه انسانهای نخستین یا به تعبیر بهتر، نخستین انسان ها، به طور فطری بدان گرایش داشته اند.

بنا به گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملتها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان، معمول بوده است. هر چند حجاب در طول تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچ گاه به طور کامل از بین نرفته است.

اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم، به خوبی حجاب و پوشش زن را در آن می بینیم، دقت در لباس ملی کشورها، ما را از ورق زدن کتابهای تاریخی برای یافتن ملل و اقوامی که زنان آنها دارای حجاب بوده اند، بی نیاز می سازد و به خوبی اثبات می کند که حجاب در میان اکثر ملت های جهان، معمول بوده است و اختصاص به مذهب یا ملت خاصی نداشته است.

تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش زن را واجب و لازم شمرده اند و جامعه بشری را به سوی آن دعوت کرده اند؛ چرا که لزوم پوشش و حجاب به طور طبیعی در فطرت زنان به ودیعت نهاده شده است و احکام و دستورهای ادیان الهی هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریع شده است؛ پس در همه ادیان الهی پوشش و حجاب زن واجب گشته است.

در ادیان زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام، حجاب زنان امری لازم بوده است. کتاب های مقدس مذهبی، دستورها و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان و ادیان الهی، بهترین شاهد و گواه اثبات این مدعاست.

حجاب در آیین زرتشت

اشو زرتشت با توصیه ها و اندرزهای خود، کوشیده است تا پایه های حجابی را که زنان ایرانی به عنوان یک فرهنگ ملی در ظاهر عرف خود رعایت می کنند، در عمق روح آنان مستحکم نماید و از این راه، ضمانت اجرای قانون حجاب را در آینده نیز تأمین نماید و بدین سان، جامعه خویش را در مقابل امکان انحراف های اخلاقی پنهان، بیمه کند. از این کاردستی برای بازسازی

قسمتی از پند و اندرزهایی که اشو زرتشت و به پیروان خود توصیه نموده را نقل می کنیم، تا این اقدام مهم اشو زرتشت» بهتر نمایان گردد و حرکت او در جهت تعالی و آموزش ریشه های «حفظ حجابه و بیان لزوم توأم نمودن حجاب ظاهری با عفت باطن، روشن تر شود.

اشو زرتشت می گوید: «ای نو عروسان و دامادان! روی سخنم با شماست. به اندرزم گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت، در پی زندگانی پا که منشی برآیید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهرورزی بر دیگری پیش دستی جوید تا آن زندگانی مقدس

زناشویی، با خوشی و خرمی همراه باشد.(1)

و نیز می گوید: «پاداش رهروان نیکی، به کسی می رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره گردد. کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس، چیز دیگری نخواهد بوده

در کتاب پوشاک باستانی ایرانیان در ذیل عنوان «پوشاک اقلیت های میهن ماه در مورد حجاب زنان زرتشتی چنین می خوانیم

این پوشاک که بانوان زرتشتی از آن استفاده می کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد؛ چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن آنان، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار آنان، از لحاظ شکل و برش، همان شلوار بانوان کرد آذربایجان غربی است، و کلاهک آنان، همان کلاهک بانوان بندری است».(2)

حجاب در آیین یهود

رواج حجانبه در بین زنان قوم یهود، مطلبی نیست که کسی بتواند آن را مورد انکار یا تردید خود قرار دهد. مورخان، نه تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته اند، بلکه به افراطها و سخت گیری های بی شمار آنان نیز در این زمینه تصریح کرده اند. در

1- ر.ک.آموزش های زرتشت پیامبر ایران ،انجمن زرتشتیان ایران.
2- ر.ک.حجب در ادیان الهی:ص53.

کتاب حجاب در اسلام آمده است: «گرچه پوشش، در بین عرب مرسوم نبود و اسلام آن را به وجود آورد، ولی در ملل غیر عرب، به شدید ترین شکل رواج داشت. در ایران و در بین یهود و مللی که از افکار یهود پیروی می کردند، حجاب، به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می خواست وجود داشت. در بین این ملت ها صورت و کف دست ها هم پوشیده می شد. حتی در بعضی از ملتها سخن از پوشیدن زن و چهره زن نبود، بلکه سخن از پنهان کردن زن بود و این فکر را به صورت یک عادت سخت در آورده بودند. (1)

ویل دورانت، که معمولا سعی می کند موارد برهنگی یا احیانا تزیینات و آرایش های زنان هر قوم را با آب و تاب نقل کند تا آن را

طبیعی جلوه دهد، در این مورد می گوید: «در طول قرون وسطا، یهودیان همچنان زنان خویش را با البسه فاخر می آراستند، لکن به آنها اجازه نمی دادند که با سر عریان به میان مردم بروند. نپوشاندن موی سعر، خلافی بود که مرتکب را مستوجب طلاق می ساخت. از جمله تعالیم شرعی یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش آشکار است، دست دعا به درگاه خدا بردارد». (2)

در کتاب مقدس یهودیان، موارد متعددی یافت می شود که به طور صریح و با ضمنی، حجاب و پوشش زن و مسائل مربوط به آن، مورد تأیید قرار گرفته است. در برخی از آنها لفظ «چادرها و «برقع» به

1- حجاب در اسلام :ابوالقاسم اشتهاری :ص50.
2- تاریخ تمدن :ویل دورانت،ج12،ص62

حجاب در ادیان الهی کار رفته است که بیانگر کیفیت پوشش زنان آن عصر است.

اینک به پاره ای از آن موارد اشاره می گردد:

در «سفر پیدایش» تورات، چنین می خوانیم: و رفقه، چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد. زیرا که از خادم پرسید: «این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟ ». و خادم گفت: آقای من است. پس برقع خود را گرفته، خود را پوشاند. (1)

در «تورات» آمده است: «متاع مرد، برزن روا نباشد و مرد، لباس زن نپوشد؛ زیرا هر که این کند، مکروه یهوه (خدای تو) است . (2)

در «تورات»، از چادر و برقع و روبنده ای که زنان با آن، سر و صورت و اندام خویش را می پوشاندهاند، صریحه نام برده شده است، که نشانگر کیفیت پوشش زنان است. از سال

برای نمونه در کتاب فروت» می خوانیم: «بوعز گفت: زنهار کسی نفهمد که این زن به خرمن آمده است. و گفت: چادری که بر توست بیاور و بگیر. پس آن را بگرفت و او شش کیل جو پیموده بر وی گذارد و به شهر رفت». (3)

ویل دورانت می نویسد: « اگر زنی به نقض قانون پهود می پرداخت، چنان که مثلا بی آن که چیزی بر سر داشت به میان مردم

1- تورات :سفر پیدایش :باب24،فقره64و65.
2- تورات:سفر تثنیه :باب 22،فقره 5.
3- تورات:کتاب روت ،باب 2،فقره 8-10.

می رفت، و یا در شارع عام نخ می رشته، یا بر هر سنخی از مردانه درد دل می کرد، یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریهای او را طلاق دهد (1)

برخی برای تأیید این که منشأ حجاب زنان یهودی، وجوب حجاب در شریعت موسی علیه السلام بوده، به داستان حضرت موسی علیه السلام و دختران شعیب اشاره می کنند که در آن، حضرت موسی علیه السلام به آنان امر کرد تا پشت سر او حرکت کرده و از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند. (2)

حجاب در آیین مسیح

همان طور که اشاره شد، ادیان الهی، به خاطر تناسب شان با فطرت، جهت و شیوه واحدی دارند. در مسیحیت، همانند دین زرتشت و یهود، حجاب زنان امری واجب به شمار می آمده است.

جرجی زیدان»، دانشمند مسیحی در این باره می گوید: «اگر مقصود از حجاب، پوشاندن تن و بدن است، این وضع، قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دین مسیح، معمول بوده است و آثار آن هنوز در خود

1- تاریخ تمدن ویل دورانت، ج 12، ص 30

2- ر-ک: حکمه الحجاب و ادله وجوب النقاب: ص 252

اروپا باقی مانده است.(1)

مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب زنان را تغییر نداده، بلکه در برخی موارد، قدم را فراتر نهاده و با تأکید بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخته است؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج، امری مقدس محسوب می شده و حتی در کتاب و تاریخ تمدن» آمده است که ازدواج در سن بیست سالگی اجباری بود؛ اما از دیدگاه مسیحیت که تجرد، مقدس شمرده شده است، جای هیچ شبهه ای باقی نخواهد ماند که برای از بین رفتن تحریک و تهییجه این مکتب، زنان را به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزیین به صورت شدیدتری فرا خوانده است.

در این ارتباط نگاهی به د انجیل، می اندازیم آنجا که می گوید:

ای زنان! شوهران خود را اطاعت نماییده تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد، چون که سیرت طاهر و خداترس شما را ببینند، و شما را زینت ظاهری نباشد . از بافتن مو و متجلی شدن به طلا و پوشیدن لباس - بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام است که نزد خداگران بهاست؛ زیرا بدین گونه، زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت نمی نمودند و شوهران خود را اطاعت می کردند، مانند ساره که ابراهیم را مطیع بود و او را آقا می خواند و

1- حجاب در ادیان الهی :ص60

شما دخترا او شده اید(1)

همچنین درباره وقار و امین بودن زن می خوانیم: او به همین گونه زنان نیز باید با وقار باشند و نه تیبت گو؛ بلکه هوشیار و در هر امریامین.(2)

در روایات ما نیز چنین آمده است که حضرت عیسی فرمود: «از نگاه کردن به زنان بپرهیزید؛ زیرا شهوت را در قلب می رویاند و همین، برای ایجاد فتنه در شخصی نگاه کننده کافی است. (3)

حواریون و پس از آنها پاپها و کاردینال های بزرگ که دستورهای دینی آنان از طرف کلیسا و مذهب مسیحیت لازم الاجرا شمرده می شد، با شدتی هر چه تمام تر زنان را به پوشش کامل و دوری از آرایش های جسمی فرا می خوانده اند.

دکتر {حکیم الهی} استاد دانشگاه لندن در کتاب ازن و آزادی پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپائیان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید {کلمنته} و {ترتولیان}، (دو مرجع مسیحیت و دو اسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می کند: «زن باید کاملا در حجاب و پوشیده باشد، مگر اینکه در خانه خود باشد؛ زیرا فقط لباسی که او را می پوشاند، می تواند از خیره شدن چشم ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا

1- انجیل:رساله پطرس رسول ،بابسوم ،فقره1-6.
2- انجیل:رساله پولس رسول ،باب سوم ،فقره11.
3- سفینهالبحار :ج2،ص596.

دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید. برای زن مؤمن عیسوی، در نظر خداوند، پسندیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی گردد؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است». (1)

تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و مردم اروپا انتشار یافته است، به وضوح نشان می دهد که حجاب در بین زنان، کاملا رعایت می شده است. «براون و اشنایدر»، در کتاب : پوشاک اقوام مختلف»، برخی از تصاویر مربوط به زنان مسیحی را آورده اند که نشان می دهد همگی آنها دارای لباسی بلند و پوشش سر می باشند. (2)

حجاب در آیین اسلام

اسلام که آخرین و کامل ترین دین الهی است لباس را «هدیه الهی» معرفی نموده و وجوب پوشش زنان را با تعدیل و نظم مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است . از انحرافات و با افراط و تفریطهایی که پیرامون پوشش زنان وجود داشته است اجتناب نموده و در تشریح قانون، حد و مرزی متناسب با غرایز انسانی را در نظر گرفته است.

در حجاب اسلامی، سهل انگاری های مضر و سخت گیری های بی مورد، وجود ندارد. حجاب اسلامی آنگونه که غرب تبلیغ می کند، به معنای حبس زن در خانه یا پرده نشینی نیست؛ بلکه بدین معناست

1- زن وآزادی :ص53.
2- پوشاک اقوام مختلف:ص116.

که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.

با توجه به غریزه قدرتمند جنسی، احکام و دستورهای اسلام، تدابیری است که خداوند برای تعدیل و رام کردن و همچنین ارضای صحیح این غریزه، تشریح فرموده است.

فصل سوم: حجاب در آیات قرآن و روایات اسلامی

حجاب در آیات قرآنی

ص:29

در قرآن کریم، آیاتی چند به طور صریح، در مورد حجاب و کیفیت آن نازل شده است. در سوره نور، طی آیات مفصلی آمده است: «... و به مردان مؤمن بگو که چشم های خود را(از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و نیز دامان خویش را، که برای ایشان پاکیزه تر است. همانا خداوند به آنچه انجام می دهند، آگاه است. و به بانوان با ایمان بگو چشم های خود را(از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت های خود را جز آن مقداری که ظاهر است، ننمایند و زینت های خود را آشکار نسازند، و روسری های خود را بر سینه افکنند وزینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا برادرانشان، پسر برادرانشان، زنان هم کیششان، کنیزانشان، مردان سفیهی که تمایلی به زنان ندارند، و یا کودکانی که غیر ممیّز هستند. و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت های پنهانشان آشکار شود. و همگی به سوی خداوند

باز گردید، ای مؤمنان! باشد که رستگار شوید».(1)

همچنین در سوره احزاب آمده است: «ای پیامبر! به همسران و دختران خویش و بانوان با ایمان بگو روسری های بلند خود رافروافکنند تا به عفاف و حریت شناخته شوند و مورد آزار و تعرض هوسرانان قرار نگیرند و خداوند، آمرزنده و مهربان است».(2)

«ای زنان پیامبر! شما اگر تقوا داشته باشید، همانند دیگران نیستید. بنابراین، هرگز نرم و نازک با مردان، سخن مگویید تا آن که دلش بیمار است، به طمع افتد. بلکه متین و نیکو سخن بگویید و خانه را منزلگاه خویش قرار دهید و هرگز مانند دوره جاهلیت نخستین، (برای نامحرمان)آرایش و خودآرایی نکنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و از خدا و رسولش اطاعت نمایید».(3)

حجاب در روایات اسلامی

پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیه السلام علاوه بر تأکیداتی که بر رعایت حجاب داشته اند، با ارائه دستورالعمل هایی، جامعه اسلامی را به سوی تهذیب و پاکی، رهنمون گشته اند که در این قسمت، برخی از آنها را نقل می کنیم.

1- سوره نور: آیات :30و31.
2- سوره احزاب:آیه 59.
3- سوره احزاب :آیات 32و33.

پرهیز از پوشش بدن نما و نازک

روزی اسماء - که خواهر زن پیامبر بود . با جامهای بدن نما و نازکی به خانه پیامبر آمد. پیامبر، روی خود را از او برگرداند و فرمود:

ای اسماء! زن، وقتی به حد بلوغ رسید، نباید جایی از بدن و اندامش دیده شود، مگر صورت و دست ها».(1)

پرهیز از شبیه شدن به جنس مخالف

پیامبر فرمود: از خداوند، مردانی که شبیه زن می شوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار می دهند، نفرین کرده است.(2)

امام باقر علی نیز، در ضمن حدیثی فرمودند: «جایز نیست که زن خود را شبیه مرد نماید؛ زیرا پیامبر مردانی که خود را شبیه زنان می کردند و همچنین زنانی که خود را شبیه مردها قرار می دهند، نفرین کرده است (3)

عفت نسبت به زنان مردم

پیامبر فرمود: «نسبت به زنان مردم، عفیف باشید تا زنان شما عفیف، بمانند. (4)

دوری از چشم چرانی

از امام صادق به نقل شده که می فرماید: چشم چرانی، تیری

1- سنن ابی داود:ج383.
2- بحارالنوار :ج103،ص242.
3- همان :ص258.
4- وسائل الشیعه:ج14،ص141.

است مسموم از تیرهای شیطان؛ چه بسا، نگاهی که حسرتهای طولانی را در پی دارد.(1)

آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه

رسول گرامی اسلام علیه السلام نهی فرمودند از این که زنی برای غیر همسرش، خود را بیاراید، پس اگر مرتکب چنین عملی شود بر خدا سزاوار است که او را در آتش بسوزاند.(2)

رسول اکرم می فرمودند: «هر زنی که خود را خوشبو سازد إیه گونه ای که نامحرم آن را استشمام کند، سپس از منزل خارج شود، تا هنگام بازگشت به خانه، مورد لعنت {ملائکه} قرار می گیرد».(3)

حضرت علی فرمودند: به همراه فاطمه را به خدمت رسول خدا شرفیات شدیم در حالی که او به شدت گریه می کرد، گفتم: پدر و مادرم فدای تو باد! چه چیز این چنین شما را گریان ساخته است؟

فرمودناله: شبی که مرا به معراج بردند زنانی از امتم را در عذابی شدید و در وضح بدی دیدم که از شدت عذابشان گریستم، سپس احوال آنها را برایم شرح دادند، فاطمه و فرمود: ای محبوب و روشنی چشم من! ما را از عمل آنها با خبر ساز، پس حضرت فرمودند: زنی که با مویش آویخته شده بود، در دنیا مویش را از نامحرمان

1- وسائل الشیعه :ج14،ص138.
2- وسائل الشیعه:ج7،ص138.
3- وسائل الشیعه :ج7،ص154.

نمی پوشاند، زنی که با زبانش آویخته شده بود، همسرش را آزار می داد و آن که گوشت بدن خود را می خورد، بدنش را برای دیگران تزیین می کرد و آن که با قیچی گوشتش چیده می شد، کسی بود که خویشتن را بر مردان نامحرم عرضه می داشت.(1)

دوری از اختلاط و خلوت با نامحرم

امام صادق علیه السلام فرمودند: «رسول گرامی ، اموری را بر زنان لازم شمردند و از آنان پیمان گرفتند. از جمله این که از هم نشینی با مردان نامحرم بپرهیزند. (2)

رسول اکرم فرمودند: «هر کس با زن نامحرمی مصافحه کند با او دست دهد) روز قیامت در غل و زنجیر بسته خواهد شد، سپس به آتش روانه خواهد گشت».(3)

پیامبر فرمودند: «برای زن شایسته نیست که در وسط مسیر، راه برود، بلکه شایسته است که در کنار مسیر، حرکت کند».(4)

پرهیز از توصیف زنان نزد نامحرمان

رسول اکرم علیه السلام فرمودند: «کسی که زنی را برای مردی وصف نماید و آن مرد به واسطه آن وصف، آلوده به گناه شود از دنیا نمی رود مگر این که مورد غضب الهی واقع شود».(5)

ص:35

1- وسائل الشیعه:ج7،ص156.
2- وسائل الشیعه :ج7،ص134.
3- وسائل الشیعه :ج14،ص163.
4- پوشش زن در اسلام :ص19.
5- وسائل الشیعه:ج7،ص133.

اهمیت غیرت مردان و پوشش زنان

 امام علی علیه السلام فرمودند: « پوشیدگی برای زن سودمندتر است و زیبایی او را پایدارتر می سازد».(1)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «مردی که غیرت ندارد انسانی است که قلبش وارونه است. (2)

نزدیک ترین حالت زن به خدا

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از اصحاب خود پرسیدند: «زنان در چه حالتی به خداوند نزدیکترند؟ به خبر این سؤال به حضرت زهرا علیه السلام رسید. ایشان فرمودند: نزدیکترین حالت زن به خدا هنگامی است که درون خانه خود باشد». پیامبر صلی الله علیه وآله با شنیدن این پاسخ از دختر گرامیش فرمودند: فاطمه پاره تن من است».(3)

خشم خدا از خودنمایی زنان

زنی عطر فروش به نام {حولاء} گاهی برای خانواده رسول خدا عطر می آورد. روزی پیامبر خطاب به او فرمودند: «ای حولاء! زینت هایت را برای غیر شوهرت آشکار نکن. برای زن روا نیست، ساقهای دست و پای برهنه اش را نامحرم ببیند. اگر کسی چنین کند لعنت و خشم خدا و فرشتگان بر او خواهد بود و عذاب دردناکی برای خود آماده کرده است... زنانی که به خدا و روز قیامت ایمان

1- عیون الحکم و المواعظ:ص303.
2- وسائل الشیعه :ج14،ص108.
3- فاطمه الزهرا علیه السلام بهجهقلب المصطفی صلی الله علیه وآله:ص273.

داشته باشند، زیبایی و زیستهای خود را برای نامحرمان آشکار نمی کنند که اگر چنین کنند، دین خود را فاسد و خشم خدا را برانگیخته اند. (1)

خیر و صلاح زن

امیر مؤمنان علی علیه السلام در وصایای خود به امام حسین مجتبی علیه السلام فرمودند: {پسرم !همسرانت رادر حجاب داشته باش،زیرا خیر تو وآنها در حجاب کامل آنهاست و نیز با حجاب کامل از خانه بیرون رفتن آنها، بهتر از آن است که نامحرم غیر مورد اعتمادی به منزلت وارد شود. (2)

شیوه پوشش

رسول گرامی اسلام صلی علیه وآله فرمودند: {برای زن سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه اش، لباسش را جمع وفشرده نماید وبه بدنش بچسباند. }(3)

زنان جهنمی

پیامبر اکرم صلی علیه وآله در گفتاری زنان اهل دوزخ را که حتی بوی بهشت به مشام آنها نمیرسد چنین معرفی کرده اند :

{زنانی که بد حجاب اند وبا زوق و برق خود را به مردم نشان

1- مستدرک الوسائل :ج14،ص284.
2- تحف العقول:ص86.
3- فروع کافی:ج5،ص519.

می دهند و هوسهای آنها را به سوی خود جذب می کنند و موهای سرشان همچون کوهانهای شتر است».(1)

مردان بی غیرت

امیر مؤمنان علی علیه السلام خطاب به مردم عراق فرمودند: «به من خبر رسیده که زنان شما در مسیر راهها به مردان تنه می زنند، آیا حیا نمی کنید. لعنت خدا بر کسی که غیرت نمی ورزد» (2)

سزاواران دوزخ

پیامبر اسلام صلی علیه آله نهی کردند از اینکه زن، خود را برای غیر شوهر، آرایش کند. و فرمودند: «اگر زن چنین نماید و خود را برای غیر شوهرش آرایش کند) بر خداوند سزاوار است که او را در آتش دوزخ بسوزاند. (3)

بوی جهنم

پیامبر گرامی اسلام می فرمایند: «هر زنی که عطر استعمال کند و از منزل خارج شود و بر گروهی از افراد نا محرم عبور کند تا بوی عطر وی را استشمام نمایند، چنین زنی زنا کار است». (4)

عفت و حیا

رسول اکرم صلی علیه وآله فرمودند: «دوست داشتنی ترین عفاف

1- مستدرک سفینهالبحار:ج10،ص52.
2- وسائل الشیعه:ج20،ص235.
3- امالی صندوق:ص423-بحار النوار:ج103،ص243.
4- نحج الفصاحه:ص205.

(خویشتن داری) نزد خدا، عفت، شکم و دامن است».(1)

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: « میوه عفاف، محفوظ ماندن است . (2)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «نسبت به زنان مردم عفت ورزید تا نسبت به زنان شما عفت ورزند.(3)

امام علی علیه السلام فرمودند: «عفت انسان به اندازه حیای اوست». (4)

امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند به هیچ چیز بهتر از سمت شکم و دامن عبادت نشده (5)

امام علی علیه السلام فرمودند: {احیا عامل عفت است } . (6)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: «خداوند حیا و پوشیدگی بندگانش را دوست دارد(7)

امام علی علیه السلام فرمودند: احیا انسان را از عمل زشت باز می دارد». (8)

امام باقر علیه السلام فرمودند: «حیا و ایمان با یکدیگر و به هم پیوسته اند، پس اگر یکی از آن دو از میان برود، دیگری نیز به دنبالش از بین

1- میزان الحکمه:ج،ص361.
2- میزان الحکمه:ج6،ص263.
3- همان:359.
4- همان:ج2،ص565.
5- اصول کافی:ج2،ص79.
6- میزان الحکمه:2،ص565.
7- مستدرک الوسائل، ج 8، ص 463 .
8- میزان الحکمه. ج 2، ص 565

خواهد رفت». (1)

رسول اکرم صلی علیه وآله فرمودند: {حیا، تمام دین است}. (2)

رسول گرامی صلی علیه وآله اسلام فرمودند: «کسی که از مردم حیا نداشته باشد از خداوند نیز حیا نخواهد داشت. (3)

امام علی فرمودند: «عاقل ترین انسان ها، با حیاترین آنهاست. (4)

1- میزان الحکمه :ج 2، ص 565 .
2- همان .
3- همان، ص 566.
4- همان، ص 562.

فصل چهارم: حجاب از دیدگاه اندیشمندان وهنرمندان غیر مسلمان

خاتم ساچیکو موراتا

وی اهل هوکائیدوی ژاپن است که بعد از اتمام تحصیلات به دانشکده حقوق دانشگاه چلیا در رشته حقوق قضایی راه یافت و موفق به دریافت مدرک لیسانس شد و بعد از آن، برای تحقیق در زمینه فقه اسلامی به ویژه فقه جعفری به ایران آمد و در دانشگاه الهیات و معارف اسلامی به اخذ دکترای الهیات نایل گردید. ایشان بودایی مذهب و همسرش مسیحی است. وی در مصاحبه ای به سوالات بسیاری پاسخ داد که ما یک سؤال آن را در اینجا می آوریم:

خبرنگار: به نظر شما حجاب یعنی چه؟ شما محجوبه بودن خانمها را ترجیح می دهید یا مکشوفه بودن را؟

خانم {ساچیکو موراتاه} می گوید: «حتما محجوبه بودن را ترجیح می دهم و حد معقول پوشش را می پسندم؛ زیرا لطف زن به محجوبه بودن اوست. اصولا طبع هر انسانی طالب کشف تنوع هاست. وقتی زنان به شکل امروزی مکشوفه باشند، چیزی برای جلب توجه مرد باقی نمی گذارند. هر چیز با اهمیتی وقتی چندین بار رویاروی قرار

گیرد، اهمیت خود را از دست می دهد و این موضوع در تحکیم روابط زناشویی نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. در مغرب زمین که زنها قیود را گسسته اند و انواع لباسهای کوتاه و زننده می پوشند، روابط زناشویی آنان از کمترین استحکامی برخوردار نیست (1) .

خانم گاندی

خانم «گاندی» که از چهره های معروف هند به شمار می رود می گوید: «ای زنان! اگر آرایش کردن شما تنها به منظور جلب شهوت مرد است، از این کار خودداری کنید و زیر بار چنین خفت و خواری نرویده. (2)

آلفرد هیچکاک

{هیچکاک } فیلمساز مشهور فرانسوی می گوید: «من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پر هیجان باشد. بدین معنی که ماهیت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود، مرد را به نیروی تخیل و تصور زیادتری را دارد. باید زنان پیوسته بر همین شیوه رفتار کنند. بعنی کمتر ماهیت خود را در معرض نمایش قرار دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت بدهد.

زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روبندی که به کار می بردند خود به خود جذاب می نمودند و همین مسأله، جاذبه نیرومندی بدانها می داد. اما به تدریج با تلاشی که زنان این

1- فلسفه حجابه، اسدالله محمدی نیا، ص 88.
2- همان،ص 90.

کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می دهند؛ حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود، از میان می رود و همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می شود».(1).

برتراند راسل

{برتراند راسله که از فلاسفه مشهور غرب در قرن معاصر به شمار می رود می گوید: «از لحاظ هنر، مایه تأسف است که به آسانی به زنان بتوان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد، بدون آنکه غیر ممکن گردد. }(2) .

ویل دورانت

{ویل دورانت}فیلسوف و نویسنده مشهور معاصر می نویسد: « آنچه بجوییم و نیابیم عزیز و گرانبها میگردد. زیبایی به قدرت میل بستگی دارد و میل با اقناع و ارضا، ضعیف و با منع و جلوگیری قوی می گردد.

مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیاست و بی آنکه بداند، حس میکند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبرمی دهند. (3)

.

چارلی چاپلین

چارلی چاپلین» که یکی از کمدین های مشهور جهان است در

1- فلسفه حجاب: سمی 55 و 56.
2- همان.
3- همان.

نامه ای به دخترش می نویسد: «برهنگی بیماری عصر ماست، من پیرم و شاید حرفهای خنده آور بزنم، اما به گمان من تن عریان تو باید مال کسی باشد که روح عریانش را دوست داری». (1) .

جودیت میلر

{جودیت میلر} خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز طی مقاله ای با عنوان «زنان در آغوش اسلام امنیتی تازه می یابنده با اشاره به گرایش روز افزون زنان مسلمان به حجاب می نویسد: «چه چیزی این بازگشت را میسر ساخته است؟ بازگشنی که به معنای واقعی در آزادی های شخصی و سیاسی صورت گرفته است؟ پاسخ آن در ارمغانهایی است که اصول گرایان اسلامی به روح و روان جامعه مدرن خاور میانه و به زن و مرد آن تقدیم کرده اند.

پوشش (حجانب)برای زنان این امکان را فراهم ساخته که در شهرهای شلوغ بتواند به راحتی فعالیت کند و از مزاحمت مردان جوان و نوجوانی که در جستجوی کار از اطراف و اکناف کشور به پایتخت سرازیر شده اند در امان بماند. این لباس یک پیام غیر قابل تردید به اطرافیان می فرستد. حجاب می گوید: این زن نجیب است. با او کار نداشته باشید. و به وی اجازه می دهد. بدون اینکه مورد آزار جنسی قرار گیرد در اتوبوسهای شلوغ شهر سوار شود».(2)

1- آخرین تصویر چارلی ص 79.
2- روزنامه رسالت:1373/4/2

رئیس انستیتو تعلیم و تربیت آلمان

حضور مجزای دختران و پسران در کلاسهای درس بخصوص در دوره ابتدایی می تواند در یادگیری دختران تأثیر به سزایی داشته باشد. در پی تحقیقات انستیتو پژوهشی پلانک آلمان میل و رغبت دختران برای یادگیری علوم ریاضی در کلاسهای مختلط رضایت بخش نیست.(1) .

گزارشی از رادیو فرانسه

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران و به نقل از رادیو فرانسه:

در ویرجینیای آمریکا طرحی در سال سوم راهنمایی برای جدا کردن دختران از پسران در کلاس، در دست آزمایش است. چون آموزگاران پی برده اند که دختران به خصوص در ریاضیات و علوم بدون حضور پسران راحت تر آموزش می بینند.

به گفته آموزگاران، دختران در کلاسهای مختلط برای آنکه مورد تمسخر و انتقاد پسرها قرار نگیرند کمتر در بحثها شرکت می کنند. در حالی که در غیاب پسرها بهتر و راحت تر به سؤالات جواب می دهند. ظاهر نتایج اولیه این آزمایشها رضایت بخش بوده است.

به گفته آموزگاران به خصوص دختران خجالتی در کلاسهای دخترانه راحت تر هستند، اما انجمنهای متعددی از جمله انجمن ملی زنان آمریکا با این طرح به مبارزه برخاسته است و آن را جدابی و تبعیض جنسی آشکار می داند.(2)

1- فلسفه حجابه: ص 94
2- روزنامه جمهوری اسلامی: 1374/2/17

فصل پنجم: عفاف وحیا

اشاره

گرچه نگاه به مسأله حجاب، نگاه به عاملی مهم و مؤثر در رشد معنوی و اخلاقی جامعه است، اما آنچه در قدم اول ضروری تر به نظر می رسد، سالم سازی بنیان های اخلاقی جامعه است

عفاف به عنوان پیش زمینه ای اساسی در اصلاح این بنیانها، فراتر از حجاب قابل دقت و بررسی است. همچنین حیا، که در یک ارتباط متقابل با عفاف، گاه معلول و گاه علت است. می توان گفت که از سویی این دو خصیصه نفسانی از عوامل اساسی در گسترش فرهنگ حجاب می باشند و حجاب واقعی جز در پرتو این دو میسر نخواهد بود و از سویی دیگر سالم سازی اخلاقی یک جامعه، محدود به حجاب نیست، بلکه مجموعه ای از چگونگی رفتارها و بایدها و نبایدهای فردی و اجتماعی است که با ارتقای سطح عفاف و حیای جامعه، نسبتی مستقیم دارد. لذا بی جهت نیست اگر قبل از ورود به مباحث مختلف حجاب، مختصری پیرامون عفاف و حیا سخن بگوییم:

ص:51

معنای عفاف

عفت، یعنی صیانت نفس از چیزهایی که حرام است یا انجام آن شایسته نیست، حضرت علی علیه السلام درباره حقیقت عفت می فرماید:

{الصبر علی الشهوه عفه؛ عفت، مقاومت در برابر شهوتهاست}(1) و در روایت دیگری می فرماید: «العفاف زهاده؛ عفاف، بی رغبتی نسبت به خواسته های نفسانی است».(2) شهید مطهری، در تعریف عفاف می گوید: «عفت حالتی نفسانی است، به معنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، و تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن».(3)

و اما عفیف به کسی گفته می شود که در برابر خواسته های نفسانی، از جمله کششهای جنسی، مقاومت نموده، خود را حفظ کند.

تفاوت عفاف و حجاب

ما پیوسته درباره حجاب، مطالب مختلفی شنیده ایم ولی مسأله اصلی و بنیادین، عفت است؛ عفت فراتر از حجاب است.

حجاب، همان پوشش ویژه و عفت، یک خصلت، بینش و منش است. .

1- میزان الحکمه: ج 6، ص 2659
2- همان: ص 2656
3- تعلیم و تربیت، استاد مطهری: ص 150

حجاب پوشش بیرونی است، ولی عفت، هم پوشش بیرونی و هم پوشش درونی است.

حجاب می تواند ریایی، تحمیلی، ظاهری یا غیر اختیاری باشد؛ ولی عفت، یک خصلت و ارزش اختیاری است. عفت نمودهای گوناگونی دارد؛ از جمله: عفت در نگاه، عفت در سخن، عفت در شهوت، و... ممکن است کسی حجاب مناسب داشته باشد ولی عفت در نگاه سخن گفتن و یا امور جنسی نداشته باشد که این خود نمونه حجاب بدون عفت است، بنابراین برای سالم سازی جامعه باید به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد.

قرآن و عفاف

قرآن، از این ارزش انسانی و اسلامی با واژه هایی چون عفاف، احصان وحصور، یاد کرده است و یکی از ویژگیهای مؤمنان راستین را پاکدامنی و عفاف میداند: {والذین هم لفروجهم حافظون؛ آنان مؤمنین کسانی هستند که خویشتن را از بی عفتی حفظ می کنند. }(1)

در اهمیت عفاف، همین بس که خداوند در قرآن، در سوره نور به بیان لزوم عفاف می پردازد و شیوه های رسیدن به آن و مبارزه با آلودگیهای جنسی را بیان می فرماید. قرآن حتی در بیان مهیج ترین ماجراهای تاریخی همچون داستان حضرت یوسف ، جانب عفاف را رعایت کرده است.

1- سوره مؤمنون: آیه 5.

عفاف از دیدگاه روایات

پیامبر گرامی اسلام صلی علیه وآله که مظهر عفافند، تلاش بسیاری برای حاکمیت عفاف و پاکدامنی نموده تا جامعه ای بسازد که در آن، عفاف و پاکی، ارزش و بی عفتی، ضد ارزش به شمار آید. پیامبر در جریان بیعت با زنان مکه از آنان پیمان گرفت که پاسدار پاکدامنی وعفاف باشند.(1) و فرمودند: {لایقمدنّ مع الرّجال فی الخلاء}؛ زنان با مردان نامحرم نباید در خلوت بنشینند». (2)

به پیامبر صلی علیه وآله خبر رسید که در مدینه دو نفر با نامهای {هبت}و {ماتع} که از افراد هرزه هستند، نزد مردان نشسته، از اوصاف زنان و لباسهای آنان حرف می زنند و با سخنان شهوت انگیز خود، هوسهای آلوده را تحریک کرده، به حریم عفاف تجاوز می کنند. پیامبر به آنها را احضار کرد و از مدینه به محلی به نام {القوایاه} تبعید نمود.(3)

به چند حدیث نورانی از حضرت علی علیه السلام اشاره می نماییم:

حضرت علی علیه السلام درباره عفاف می فرمایند: {وافضل العباده العفاف؛ بهترین عبادت، عفاف است.}(4)

{العفه رأس کل خیر؛ عفت ریشه و اساس تمام خوبیهاست}(5)
{ماالمجاهد الشهید فی سبیل الله بأعظم أجراً ممن قدر فعف

1- سوره ممتحنه آیه 12
2- جواهر الکلام: ج 32، ص 343.
3- بحار الأنوار: ج 22،ص88.
4- سفینه البحار: ج 2، 207
5- میزان الحکیمیه ج 6، ص 395

لكاد العضیف ان یکون ملکا من الملائکه؛ مجاهد شهید در راه خدا، اجرش بیشتر از کسی نیست که قدرت بر گناه دارد اما خویشتنداری می کند، چنین شخصی نزدیک است فرشته ای از فرشتگان خدا باشد (1)

عمومیت عفاف

با دید سطحی به نظر می رسد که عفاف تنها به بانوان اختصاص دارد، اما با بررسی آیات و روایات در می یابیم که لزوم عفاف، شامل مردان نیز می شود. خداوند در قرآن خطاب به مردان مؤمن می فرماید: «قل للمؤمنین یقضوا من أبصارهم ویحفظوا فروجهم؛ به مؤمنان بگو چشمهای خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و دامان خود را حفظ کنند (2)

و به زنان با ایمان هم می فرماید: {وقل للمؤمنات یغضضن من أبصارهن ویحفظن فروجهن؛ به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند». (3)

ویژگیهای زنان عفیف

شاید در مقام ادعا همه انسانها خود را مؤمن، خوش اخلاق، متعهد و عفیف و... بدانند اما آنچه که می تواند شاهد صدق گفتار و

1- نهج البلاغه: حکمت474.
2- سوره نور: آیه 30
3- سوره نور آیه 31

ادعای انسان باشد، رفتار و عملکرد اوست. عفت را همه زنان دوست دارند؛ اما کسی این ارزش و مقام عالی انسانی را داراست که ویژگیهای زیر را داشته باشمد:

1-سنگینی و وقار: زنان عفیف از هر کار سبک و نامناسبی که موجب جلب توجه دیگران شود، پرهیز می کنند. طرز راه رفتن، لباس پوشیدن و رفتارشان به گونه ای نیست که نامحرمان را به سوی خود جذب نمایند.

2- عفت در سخن: کم سخن می گویند، ساده و آرام و بی وسوسه حرف می زنند و از سخنان غیرضروری خصوصاً با نامحرمان دوری می کنند.

3- پرهیز از خودنمایی: از مظاهر خودنمایی همچون نشان دادن زینتهای خود، بیرون گذاشتن قسمتی از موی سر یا آرایش چهره برای نامحرمان پرهیز می نمایند. خداوند در قرآن می فرماید: «زنان عفیف، زینت خود را در برابر نامحرمان آشکار نمی سازند».(1)

4- پوشش مناسب: زنان عفیف از انتخاب لباس های نازک و چسبان و رنگهای تند و زننده که موجب جذب نامحرمان به سوی آنها می شود، اجتناب می ورزند.

5-کنترل رفت و آمدها: زنان عفیف از رفتن به مراکز و مکانهای آلوده و نامناسب، چون مجالس گناه، لهو و لعب و... خودداری میکنند.

ص:56

1- سور نور: آیه 31.

حیا

از زمینه ها و در عین حال از ثمرات عفاف، احساس محیا و شرم از انجام کارهای زشت است. امیرمؤمنان علیه السلام حیا را سبب عفت می نامند: {سبب العفه الحیاء }(1) و در جای دیگر حیا را میوه و ثمره عفت معرفی می کند: «الحیاء ثمره العفه».(2)

هر قدر این احساس شرم از زشتی ها در انسان بیشتر باشد، عفت او نیز بیشتر خواهد بود: با عفت ترین شما باحیاترین شماست {آعنکم احیاکم }.(3)

حیا چیست؟

حیا شرمی است برخاسته از ادراک خوبی ها و بدیهای اختیاری، به این جهت است که انسان، دسته ای از کارها را خوب و دسته دیگر را بد می داند. علامه مجلسی درباره حقیقت حیا می گوید: {ملکه ای است که موجب خودداری از کارهای زشت می گردد }. (4)

حیا، عامل بازدارنده ای است که موجب پایبندی انسان به قوانین و دستورات دین می شود: «کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد((5)

حیا عامل حفظ دختران و پسران از تن دادن به انحرافها و

1- غرر الحکم: حدیث 5527.
2- همان: حدیث 4612.
3- همان: حدیث 2837
4- مرآهالعقول: ج 8،ص 187
5- قال الصادق علیه السلام لا: لا ایمان لمن لا حیاء له"، بحار الانوار: ج 78، ص 111.

آسیب های اجتماعی است.

دکتر «فلاسن»، استاد دانشگاه روچستبر می گوید: «خجالت کشیدن و حیا علامت سلامتی است و در میان همه افراد بشر، حتی آنهایی که برهنه زندگی می کنند نیز رایج است».(1)

حیای مثبت و منفی

گفتنی است که از نظر اسلام، مطلق حیا پسندیده نیست. از نظر رسول خدا صلی علیه وآله حیا بر دو گونه است. حیایی که برخاسته از حکم عقل است و حیایی که نشانه حماقت و نادانی است. (2)

حیایی که انسان را از کارهای زشت باز می دارد، حیای خوبی است و نشانه عقل و ایمان است و آنچه در فضیلت حیا در اسلام وارده شده است، درباره همین نوع از حیا است، از مصادیق این حیا می توان حیای از خداوند، حیای از خویشتن، حیای از دیگران را نام برد.

حیایی که انسان را از کارهای نیک باز می دارد، ناپسند و منفی است و اسلام آن را در انسان نشانه نادانی و ناتوانی می داند.

رابطه حجاب و عفاف

انگیزه حقیقی گرایش زن به حجاب احساس فطری یا غریزی

1- کودک: محمد نقی فلسفی، ج 2، ص 217
2- والحیاء حیاءان: حیاء عقل و حیاء حمن، میزان الحکمه: ج 2، ص 566.

شرم و حیا می باشد. شرم و حیا در زن نسبت به بیگانگان مانند غیرت در مرد است. به عبارت دیگر درک و شعور فطری و الهام غریزی زن به حفظ خود از دستبرد نااهلان، برای بالا بردن ارزش وجود خویش است.

شرم و حیا و عشق و اشتیاق به عفاف و پاکدامنی، تدبیر مکانیسمی است نهفته در خلقت و فطرت زن، که او را وادار می سازد که گاهی به صورت ناخودآگاه، خود را از چشم نامحرم بپوشاند. به همین لحاظ وقتی احساس حجب و حیا را از دست می دهد، در محیط ناامن اجتماع هم کشف حجاب می کند و به عکس وقتی احساس شرم و حیا در او زنده است در محیطی که امنیت کامل هم وجود دارد، باز هم متمایل به پوشاندن خویش است. (1)

عفاف آمیخته در آفرینش زن

عفت و پاکدامنی با آفرینش زن به هم آمیخته است. او از روز نخست عفت گرا و پاکدامن بوده است، نگاههای معصومانه و نفرت او از گناه، در آغاز جوانی و تظاهر به عفت و پاکدامنی در برخوردهاء نشانه آن است که عفت در خلقت، زن جایگاه والا و بلندی دارد که هم خود زنان خواهان آنند و هم دیگران، زن را با این ویژگی می خواهند.

1- مقدمه ای بر روان شناسی زن با نگرش علمی و اسلامی، مجتبی هاشمی کاوندی: ص221

اسلام آفرینش زن و صلاح و خیر جامعه را در نظر گرفته و حجاب را لازم شمرده تا با عفت درونی او هماهنگ گردد، و بنیان خانواده ها مستحکم شود.

بنابراین، الزام پوشش فقط و فقط برای حفظ عفت زن است نه زنجیر اسارتی بر دست و پای او، و نه سدی در برابر تکامل فکری و علمی و هنری او، بلکه وسیله ای برای تعالی روح و ایفای مسئولیتهای فردی و اجتماعیش است، چه بسا زنان پاکدامن سخنوری که تاریخ،، خصوصیات و رشادت های آنان را ضبط کرده است.

اسلام پوشش از بیگانه را ملاک برتری زن معرفی کرده است. پیامبر صلی علیه وآله می فرمایند: {بهترین زنان شما، زنان عفیف غیر عمقیمی هستند که تنها برای شوهرانشان خود را می آرایند و در مقابل بیگانه کاملاً پوشیده اند }.(1)

در حدیث دیگری آن حضرت می فرمایند: «آیا بدترین زنان را به شما معرفی نکنم؟ بدترین زنان شما زنانی هستند که در برابر بیگانه آراسته اند ولی نزد شوهر پوشیده اند و آراستگی لازم را ندارند». (2)

حیا و عفاف و ستر و پوشش، تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانبها کردن خود و حفظ موقعیت خویش در برابر مرد به کار برده است.

1- فروع کافی: ج ، ص 325
2- فروع کافی: ص 324

زن برای مرد همچون جایزه ای است که باید آن را برباید. وقتی که زن مقام و موقعیت خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف مرد را در برابر خود دانست، همانطور که متوسل به زیور و خودآرایی و تجمل شد که از آن راه، قلب مرد را تصاحب کند، متوسل به دور نگه داشتن خود از دسترس مرد نیز شد، دانست که نباید خود را رایگان کند، بلکه باید آتش عشق و طلب را تیزتر نماید و در نتیجه موقعیت و مقام خود را بالا برد.

مولوی، عارف، دقیق اندیش می گوید مثل مرد و زن، مثل آب است و آتش، مرد مثل آب و زن مثل آتش، اگر حائل از میان آب و آتش برداشته شود، آب بر آتش غلبه می کند و آنرا خاموش می سازد، اما اگر حائل و حاجبی میان آن دو برقرار گردد، مثل این که آبی را در دیگی قرار دهند و آتش در زیر آن دیگ روشن کنند، آن وقت است که آتش، آب را تحت تأثیر خود قرار می دهد. اندک اندک او را گرم می کند و احیانا جوشش و غلیان در او به وجود می آورد، تا آنجا که سراسر وجود او را به بخار تبدیل می سازد. ((1))

مرد، برخلاف آنچه ابتدا تصور می رود، در عمق روح خویش از ابتذال زن، از تسلیم و رایگانی او متنفر است. مرد همیشه عزت، استغنا و بی اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است. از داستان لیلی و مجنون، خسرو و شیرین می توان فهمید که زن بر اثر دور نگهداشتن

1- مجموعه آثار استاد مطهری: ج 19، ص 400

خود از دسترس مرد تا چه اندازه مقام خود را بالا می برد. قطعاً اگر زن این حقیقت را درک کند در تمایل او به پوشش بدن خود و مخفی کردن خود به صورت یک راز تأثیر فراوانی داشته است.

بدون شکه پوشش و حجاب به حفظ عفت و پاکدامنی زن کمک خواهد کرد؛ زیرا بی عفتی، ریشه تمام فسادها و تباهی هاست و باعث متلاشی شدن کانونهای گرم خانواده و در نتیجه سرگردان شدن فرزندان و گرایش آنها به ناهنجاریها و مفاسد اخلاقی است.

امام زمان علیه السلام در دعای خود می فرمایند: {اللهم ارزقنا توفیق الطاعه وبعد المعصیه ... و علی النساء بالحیاء و العفه...؛ خدایا توفیق اطاعت و دوری از معصیت را روزی ما گردان... و به زنان، حیا و پاکدامنی عنایت فرما }. (1)

پدران و مادران موظفند فرزندان خویش را با سجایای اخلاقی انسانی تربیت کنند و از دوران کودکی صفات عالیه انسانی را در ضمیر آنان پرورش دهند.

امام صادق بعلیه السلام می فرماید: {کونوا دعاه الناس باعمالکم ولا تکونوا دعاه بالسنتکم ؛ مردم را با عمل خود به نیکیها دعوت کنید نه با زبان خوده }. (2)

هر قدر پدران و مادران بهتر و راسخ تر، نقش الگویی را عهده دار باشند، تأثیر جذب و رشد اخلاقی فرزندان آنان بهتر و وسیع تر

1- مصباح کفهمی: ص 280
2- ترتب الأستاد: ص 077

صورت خواهد پذیرفت. لذا والدین باید تلاش کنند در امور دینی و اخلاقی و پرورش حیا و عفت برای فرزندان خود الگو باشند.

برهنگی و بی حجابی، دام شیطانی است.

ما در دنیای سراسر ظلم و بی عدالتی که زنان بیش از هر قشر دیگر در معرض ظلم و اهانت قرار دارند این افتخار را داریم که از دیدگاه مکتب ماء زن اصلی ترین ستون جامعه است و به همین جهت، شکل گیری شخصیت زنان بسیار قابل توجه است.

در دین مبین اسلام سفارش شده است که باید در تربیت و پرورش زنان کوشید؛ زیرا زنان محور اصلی جامعه می باشند، مرکز پیشرفت و ترقی اند، زن سازنده شخصیت انسانهاست و زن منتقل کننده ارزشها به جامعه است.

بنابراین اگر زنان با حقیقت اسلام آشنا شوند و به شخصیت حقیقی خود دست یابند، نه تنها قدرتهای پوشالی جهان هرگز نخواهند توانست آنان را در قالبهای خشک مادی، اسیر نموده و ماهیت انسانیشان را دگرگون کنند، بلکه دامان و افکارشان پدید آورنده هدایت گرانی خواهد شد که با قدرت اسلام برای نجات بشریت تلاش خواهد نمود.

یکی از عواملی که موجب می شود برخی از زنان ما تحت تأثیر هجوم فرهنگ منحط غرب قرار بگیرند، همان ضعف ایمان و عدم آگاهی و شناخت آنان از اسلام و تعالیم رهایی بخش آن است.

ص:63

از نظر قرآن برهنگی و بی حجابی، دام بزرگ شیطان است. {یا بنی آدم لا یفتتنکم الشیطان کما أخرج ابونکم من الجنه ینزع عنها لباسهمالیر یهما انه یراکم هو وقبیله من حیث لا ترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاءللذین لا یومنون؛ای فرزندان آدم! مبادا شیطان شما را فریب دهد چنان چه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، جامه عزت از تن آنان برکند و قبایح آنان را در نظرشان پدید آورد. همانا آن شیطان و گروه وابسته به او، شما را از جایی و بگونه ای می بینند که شما، آنها را نمی بینید. ما شیاطین را اولیا و همکاران کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند». (1)

یکی از مهمترین دامهای شیطان و اولیای اوه کشف حجاب و پوشش است که خداوند برای انسانها قرار داده است؛ زیرا لباس و حجاب، وسیله ای برای آراستن انسان به زینت عفت و حیا، تستوا و پاکدامنی، وقار و شخصیت است و شیطان می کوشد تا با وسوسه و وارونه جلوه دادن حقایق، حجاب و پوشش را زشت و کشف حجاب و برهنه ساختن اندام را زیبا و جذاب جلوه دهد و با گرفتن حیا و تقوایشان، بر آنان مسلط شود. .

بعضی از کوته فکران خیال می کنند که اگر فرهنگ برهنگی رواج پیدا کند کم کم به صورت عادی در می آید و دیگر، افراد تحریک نمی شوند!

1- سوره اعراف: آیه 27

از نظر جنسی شاید چنین باشد ولی عطش روحتی با افزایش مناظر تحریک آمیز نه تنها کاهش نمی یابد؛ بلکه پیوسته افزایش خواهد یافت. اگر چنین حرفی صحیح بود دیگر در غرب و اروپا از تجاوزات و خشونتهای جنسی خبری نبود.

دوری از خودنمایی

و لا تبرجن تبرج الجاهليه الأولی...، مانند عصر جاهلیت قبل از اسلام، خودنمایی و خودآرایی نکنید».(1)

با توجه به آفرینش ویژه زن و آمیختگی زیبایی ظاهری، با احساسات و عواطف باطنی و تمایل به خودنمایی که در وجود زن، بطور محسوس و قوی به چشم می خورد، بدیهی است چه مفاسد و آثاری ببار خواهد آورد. درست مثل این است که انبار پاروتی را در کنار جرقه های آتش قرار دهند. از این رو جهت جلوگیری از پیشامدهای نامطلوب، راهکارهای مختلفی در دین ارائه شده که از آن جمله، امر به حجاب و توصیه زنان به اجتناب از خودنمایی و حرکات تحریک آمیز است.

پیامبر اسلام صلی علیه وآله نهی فرموده که زن، برای مرد نامحرم زینت کند. اگر چنین کرد، حق است که خدا او را به آتش بسوزاند.(2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: هر زنی که برای غیر شوهر خود بوی

1- سوره احزاب: به 33.
2- وسائل الشیعه ج 7، ص 154.

خوش استعمال کند، نماز او قبول نمی شود تا از آن بوی خوش غسل کند، آنگونه که از جنابت غسل می نماید».(1)

قرآن صادق ترین بیانگر تاریخ امتهای گذشته است که به صراحت هلاکت بسیاری از امتها را به خاطر روی آوردن به فساد و سرپیچی نمودن از فرامین الهی مطرح می کند. خداوند در سوره عنکبوت به هلاکته برخی از اقوام گذشته اشاره می کند و می فرماید: فکلا أخذنا بذنبه فمنهم من ارسلنا علیه حاصبا ومنهم من اخذته الصیحه ومنهم من خسفنا به الارض ومنهم عن اغرقناوما کان الله لیظلمهم ولکن کانوا انفسهم یظلمون؛ ما هر طایفه ای را به کیفر گناهش مؤاخذه کردیم که بعضی را بر سرشان سنگ بلا فرو باریدیم و برخی را به صیحه عذاب آسمانی و برخی را به زلزله زمین و گروهی را به غرق دریا به هلاکت رسانیدم. خدا به آنان هیچ ستم نکرد لیکن آنها خود، در حق خویش ستم کردند. (2)

در آیه دیگر می فرماید: {ای پیغمبر! به همسران و دخترانت و به زنان مؤمن بگو که جلبابهای {روسریهای} خویش را بر خود فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند، بهتر است و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.(3)

با توجه به آیات بیان شده به این نتیجه می رسیم که خودنمایی

1- مکارم الاخلاق: ص 215
2- سوره عنکبوت: آیه 40
3- سوره احزاب: آیه 59

زنان چگونه آتش هوا و هوس را در دلهای مردان روشن می نماید و آرامش روح و روان را به نا آرامی و بیماری مبدل می سازد و با گذشت زمان دود این آتش چشمان زنان را هم اشک آلود خواهد نمود.

نقش اخلاق در حفظ عفت

اولین حقی که هم زن و هم مرد باید رعایت کنند، خوش اخلاقی است، زیرا آنچه که کانون خانواده به شدت به آن نیازمند است؛ نرمی، ملایمت، سازگاری، گذشت، ایثار، فداکاری، صفا و صمیمیت است و محبت و عشق و علاقه از همین روحیات به وجود می آید.

همان طور که بدن انسان برای سلامت و تندرستی به خون نیازمند است تا همه اعضا به تحرک و فعالیت در آیند. در کانون خانوادگی هم آنچه که به افراد خانواده توان و قدرت کار و کوشش می دهد، خوش اخلاقی است.

اساساً اگر در هر محیطی، اخلاق حاکم نباشد، زندگی در آنجا از لذت و صفا برخوردار نخواهد بود.

رسول خدا صلی علیه وآله می فرمایند:{من به همسران خود از همه مهربان تر هستم هر که بخواهد به من نزدیک تر باشد باید با خانواده خود مهربان باشد}. (1)

مرد می بایست به همسر خود، به خصوص در حضور دیگران

1- سفینه البحار: ماده {رفق}

احترام بگذارد و این احترام باید توام با صمیمیت و مهربانی باشد. زن نیازمند دریافت محبت و احترام از شوهر است. مخصوصا در حضور دوستان و آشنایان این امر باعث می شود که زن از داشتن شوهر، احساس افتخار و سربلندی کند و این احساس، شوق او را به زندگی زناشویی و آمادگی وی را برای گذشت و بردباری در برابر محرومیت ها و سختی های احتمالی بیشتر می کند.

البته طبق فطرت الهی، خداوند مودت و محبت را از ابتدا بین زن و شوهر قرار داده است. اما معمولا انسانها با اشتباهاتشان، به این محبت ضربه می زنند. اگر منفی بافیها، بدبینی ها، زخم زبانها در زندگی راه پیدا کند، محبت خدادادی رخت بر می بندد.

از این رو در اسلام به مردان سفارش شده است که به زنان خود اظهار دوستی و محبت کنید چنانکه رسول خدا صلی علیه وآله می فرمایند: سخن مرد به همسرش که تو را دوست دارم، هیچگاه از قلب أو زدوده نخواهد شد. (1)

مرد باید در ایجاد یک محیط آرام، صمیمی ، اطمینان بخش در خانواده خود بکوشد. تا همسر و فرزندانش تحت تأثیر محبت ظاهری و لفظی افراد خارج از محیط خانواده قرار نگیرند. بداخلاقی و عدم تفاهم شوهر و همسر در خانواده، باعث دلزدگی خواهد شد.

ان الخاسرین الذین خسروا أنفسهم وأهلیهم یوم القیامه ألا ذلک هو

1- ورسائل الشیعه: ج 14 ص10

الخسران المبین؛ همانا ورشکسته ترین افراد، کسانی هستند که خود و خانواده خود را {در اثر سوء تربیت یا کوتاهی در تعلیم و تربیت} در روز قیامت به زیان انداختند، هان! این همان خسران و زیان آشکار است (1)

پس باید دانست که چگونه کانون خانواده را گرم و با معنویت نگه داشت و از بی روح شدن و به سردی گراییدن آن، پیشگیری کرد تا فرزندانمان با عقده های روانی و افسردگی، که از لوازم حتمی اینگونه کانونهای خانوادگی است پا به اجتماع نگذارند که بدون تردید این آغاز بزهکاری و دل مردگی اجتماع است.

به طور کلی برای آنکه کانون خانواده از هم پاشیده نشود باید ارضای غرائز جنسی را از محیط سالم خانواده و از چارچوب ازدواج خارج ننمائیم؛ زیرا هم خانواده را تباه می کند و هم محیط کار انسان را به فساد و تباهی می کشاند. اگر زندگی متزلزلی باشد، کاخها و خانه های مجلل هم بی روح و پوچ است. و اگر زندگی استوار و مستحکم باشد، خانه گلین هم پر از روح و نشاط است.

جلوه گری زن در محیط خانه و برای شوهر از ارزشهای والاست و در مقابل جلوه گریهای او در محیط خارج و برای مردان بیگانه از ضد ارزشهای شوم است؛ زیرا این جلوه گری ها با بی بند و باری و هرزگی زن در خارج از خانه و در محیط کار و اجتماع همراه است و

1- سوره زمر: آیه 15.

بدون شک در بعد مادری، او را ناموفق می سازد و در نتیجه فرزندانی ناصالح و ناسالم به جامعه ارائه خواهد داد.

حفظ عفاف اجتماعی

حفظ عفاف اجتماعی هم، به عفاف زنان بستگی دارد. آنهایی که می خواهند برای نیل به مقاصله شیطانی خود، بی بند و باری و هرزگی را در جامعه رواج دهند، زنان را ملعبه و بازیچه خود می کنند.

کافی است برای به فساد کشیدن یک جمعیت، تعدادی از زنان هرزه و فاسد در بین آنها راه پیدا کنند. آنچنان زشتی ها و مفاسد اخلاقی را بین مردم رواج می دهند که بعد از مدت کوتاهی این مفاسد برای مردم عادی به نظر می رسد.

ممکن است بعضی از بی حجابها، بی بند و بار نباشند؛ ولی بی حجابی، مقدمه بی بند و باری است و خود، زمینه ساز مفاسد جنسی است.

بدون شک زنان برای اینکه در بعد اجتماعی، حد اعلای موفقیت را به دست آورند و محیط مقدس کارشان به هرزگیهای شهوانی آلوده نشود، باید حجاب اسلامی خود را حفظ نمایند.

وقتی کار و شهوت به هم در آمیخت، هم بازده کار کم می شود و هم ثبات و اطمینان و اعتماد از محیط خانواده رخت بر می بندد..

آری! فرهنگ منحط غرب با جوسازیها و تبلیغات پوچ، جلو چشمهای بینا، گرد و غبار هوا و هوس می افشانند تا آنها را از تماشای حقیقت باز دارند.

حجاب و جذابیت

اصولاً ارتباط کمتر و دوری از شیء مطلوب به جذابیت آن را بیشتر می کند. از این رو پوشش زن، جذابیت او را در نظر جنس مخالف بیشتر کرده و تلاش و پیگیری اش را برای وصال فزونی

خواهد بخشید. شکوفایی ذوقهای ادبی، نگارش داستانهایی نظیر لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین و ... همه در سایه حجاب زن و مهجوری مرد، تحقق یافته است. بنابراین اگر زنان خواهان تحکیم موقعیت و افزایش شخصیت و محبوبیت خویش اند باید آن را در پناه حجاب بدست آورند. از

بدون تردید یکی از علل بالا رفتن سن ازدواج در جوانان که آنها را از تن دادن به تشکیل خانواده و احساس مسوولیت دور می نماید، همان گسترش بد حجابی و بی بند و باری می باشد. اگر چه این زنان با جلوه گری و هرزه گی و خودنمایی، نظر مردان را به سوی خود جلب می کنند و یاد خدا را از دل مردان بیرون می نمایند و منظره های شهوت انگیز و محرک را در ذهن و دل آنها جای می دهند؛ اما غافل از این هستند که مردان به همان اندازه و شاید بیشتر، بدبینی نسبت به جنس زن پیدا می کنند و در مورد انتخاب همسر وسواس زیادی نشان می دهند و میگویند از کجا بشناسیم یا اطمینان پیدا کنیم که همسر آینده ما ختوب و صالح باشد.

ص:71

هر انسانی در برابر خود و جامعه انسانی خود متعهد و مسؤول می باشد. چنانچه قرآن می فرماید: «إن السمع والبصر والفؤاد کل أولئک کان عنه مسوولا؛ گوش و چشم و دل، همگی در برابر کارهایی که انجام داده اند مسؤولند، از آنها سوال می شود. (1)

آری! هر سخنی که می گوییم، ثبت و ضبط می شود و هر گامی که بر می داریم در حساب ما نوشته می شود و مسؤول تمام اعمال و قضاوتها و اعتقادات خود هستیم.

این مسؤولیت عام است؛ یعنی هم شامل زنها می شود و هم مردها. زنها و مردها در برابر اعمالی که انجام می دهند چه در خانواده و چه در اجتماع، مسؤول هستند و در برابر کوچکترین تخلف و عدم مسؤولیت باید در پیشگاه الهی در قیامت حساب پس بدهند. در آنجا حتی اعضا و جوارح انسان علیه او گواهی می دهند. {حتی إذا ما جاووها شهد علیهم سمعهم وأبصارهم وجلودهم بما کانوا یعلمون؛ چون همه بر دوزخ رسند، آن هنگام گوش و چشمها و پوست بدنها بر جرم و گناه آنها گواهی میدهند».((2)

دین اسلام در مسائل اجتماعی همواره برنامه هایی را ارائه می دهد که منش و شیوه زندگی اجتماعی درست را تأمین می کند و به ارائه روشهایی مبادرت می ورزد که موجب تحکیم روابط اجتماعی و آرامش روانی انسان در زندگی فردی، اجتماعی می گردد.

1- سوره اسراء آیه 31

2- سوره فصلت: آیه 20.

آیا چادر مشکی، سبب افسردگی روحی است؟

برخی می گویند: اولاً چادر گران است و مانتو از نظر اقتصادی با صرفه تر می باشد و ثانیاً: رنگ مشکی باعث به وجود آمدن انواع ناراحتی های روحی و روانی و سببه افسردگی می گردد، پس بهتر است چادر مشکی به چادر صورتی و زرد و قرمز تبدیل گردد.

در رد این نظریه بیان مطالب زیر مفید است

اولاً: وقتی یک زن چادری را که در طول یک یا دو سال یک چادر بیشتر لازم ندارد با خانمی که بدون چادر هر هفته با یک لباس و یک نوع رنگ به همراه انواع آرایش بیرون می آید در نظر میگیریم به مراتب از نظر اقتصادی چادر با صرفه تر خواهد بود. بلکه آن خانمهایی که همواره به چادر اشکال می کنند. گاهی مانتویشان چندین برابر قیمت یک چادر است.

ثانیاً: مگر زن مسلمان می خواهید همیشه چادر سرش نماید تا رنگ مشکی اثر منفی از جهت روانی داشته باشد، بلکه چادر را برای اوقات کمی که در بیرون از منزل هست استفاده می کند و در درون خانه و مکانی که نامحرم نیست می تواند از لباسهای خوش رنگ و مناسب استفاده کنند که اسلام هم روی این موضوع تاکید نموده است.

ثالثاً: اگر این حرف شما صحت داشته باشد باید همه خانمهای بدحجاب و زنانی که از انواع لباسها و اقسام رنگهای شاد در خیابان استفاده می کنند و نظر مردان، به ویژه جوانان لاابالی را به خود جلب می کنند، از نظر روانی و روحی سالم ترین زنان باشند و از نظر

اجتماعی و اخلاقی و مشکلات خانوادگی مانند طلاق، متارکه و... کمترین ناراحتی را نداشته باشند. در حالی که آمار چیز دیگری را نشان می دهد و اصلاً بر مبنای شما جوامع غربی باید شاداب ترین و سالم ترین مردم را از نظر روحی و اخلاقی داشته باشند. در حالی که همه می دانند و خود غربیها هم بارها اعتراف کرده اند که کشورهای غربی بالاترین آمار را از نظر مشکل اخلاقی و روحی در بین جامعه خود دارند.

رابعاً: اگر چه بعضی از رنگها بر بعض دیگر، از جهات مختلف برتری دارند. ولی تمام رنگها اعم از سفید و آبی و قرمز و سیاه نشانه عظمت و قدرت خدای تواناست.

بر همین اساس قرآن کریم رنگ سیاه بعضی از کوهها را جزء آیات و نشانه قدرت حق تعالی می داند. اگر رنگ سیاه به گمان شما این قدر از نظر روانی برای بشر خطرناک بود خداوند حکیم قسمتی از طبیعت و بعضی از انسانها و چیزهای دیگر را سیاه نمی آفرید و اگر حرف شما صحت داشت بایستی خداوند حکیم رنگ سیاه را از عالم هستی می زدود. پس وجود آن، نشانه زیبایی نظام آفرینش اعم از کوه، انسان و اشیاء دیگر است.

از همه مهمتر وقتی انسانی اطلاع از دین و رابطه مناسبی با آن و معنویت نداشت، دچار جهل و تحت تأثیر تبلیغات دشمنان اسلام قرار می گیرد و الا با این همه آثار و فواید حجاب، بالاخص چادر اینقدر اشکال و سر و صدا ندارد. و باید بدانیم ریشه تمام این مسائل دو چیز

است: یکی عدم معنویت و نداشتن آگاهی از دین در بعضی از مسلمانان و دیگر آنکه دشمن می داند تا وقتی که این حجاب و چادر بر سر زنان و غیرت در بین مردان وجود دارد نمی تواند به اهدافش

برسد.

رنگ چادر مشکی از نظر روانشناسی

(1)

در روانشناسی رنگ ها می خوانیم که {سیاه نمایانگر مرز مطلق است؛ لذا آن کسی که سیاه می پوشد، می خواهد نشان دهد که مرزی را ایجاد کرده است. اما این که این مرز برای چیست، در موقعیتهای مختلف ممکن است متفاوت باشد. گاه لباس سیاه را در ماتم و عزا می پوشند، برای آنکه نشان دهند بین آنها و عزیزشان فاصله افتاده و مرز زندگی آنها را از هم جدا کرده است و یا نشان دهند که در حریم خانه و خانواده آنها حادثه ای رخ داده است که انجام برخی از کارهای معمولی که سایر خانواده ها انجام می دهند برای آنان میسر نیست.

اما گاهی هم سیاه می پوشند نه برای عزا و ماتم، بلکه برای مشخص کردن مرزها و حریم های اجتماعی، و حجاب یک خانم مسلمان یا چادر سیاه از این دسته است.

وقتی که خانمی چادر مشکی به سر می کند و با وقار و متانت تمام، قدم به عرصه اجتماع می گذارد، با این نحوه پوشش می خواهد نشان دهد که هر کسی حق ندارد به این حریم پاک، مقدس و

1- ر. ک. روان شناسی رنگ ها: ماکس لوشر: ترجمه ویدا ابی زاده

خصوصی وارد شود. این حریم، حریم حرمت، حیا و احترام است. نه جای هرزگی، آلودگی و هوس بازی. در واقع او با حجاب مشکی و چادر سیاه بین خود و مردان نامحرم مرزی عاقلانه ایجاد می کند، او با این سیاهی ظاهری اما ریشه دار در درون خود، می خواهد نگاه تیز و برنده هرزگی را بشکند و نگذارد در حریم عفاف، پاکی و نجابت او نامحرمی وارد شود و حرمته او را از بین ببرد.

لذا چادر مشکی به منزله حرمت و احترام است. مرز ادب، کرامت، حیا و عفت است. مرز آداب است و نشان می دهد که در این محدوده باید حریم را نگه داشت و به صاحب حرم با دیده احترام و ادب نگریست.

از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه سیاهی را می بیند، دیگر چندان رغبتی به نگاه کردن پیدا نمی کند و خود به خود نظر را بر می گرداند. نگاه به رنگ های روشن، چشم را باز و رغبت مشاهده و تمرکز بر دیدن را چند برابر می کند. به عبارت دیگر از دیدگاه روان شناسی رنگ ها با نگاه به رنگهای تیره به ویژه رنگ سیاه که بی رنگی مطلق است تقریباً تمام رغبت ها را از بین می برد. بنابراین باید به روان شناسی و جامع نگری زن ایرانی آفرین گفت که برای حفظ حرمت، عفت و پاکدامنی خود و همچنین پاسداری از مرزهای زندگی فردی و اجتماعی خویش و برای سالم سازی محیط اجتماعی خود، بهترین حجاب یعنی چادر و مناسب ترین رنگ یعنی مشکی را انتخاب کرده است.

ص:76

زنان و دختران نجیب ایرانی برای حفظ حرمت و احترام خود و برای سالم سازی محیط اجتماعی خویش و برای دور نگه داشتن خود و جامعه از آلودگی ها، وقتی که از خانه بیرون می آیند چادر مشکی بر سر می کنند و پس از انجام کارهای روزمره و ضروری خود با قلبی آرام و فکری آزاد و سالم وقتی که به خانه بر می گردند چادر مشکی را از سر بر می دارند و در محدوده خانه با پوشیدن بهترین لباس ها و با جذاب ترین رنگ ها، طراوت، زیبایی، گرمی و شادابی خود را برای همسر و همدم و مونس خویش به نمایش می گذارد و به محیط خانه صمیمیت، صفا و آرامش می بخشند و به شریک زندگی خود با کمال سرافرازی و صداقت اعلام می دارند که امانت وجودم را در صیانت صدف محکم چادر مشکی بدون دستبرد نگاه های آلوده به خانه برگردانده ام.علم روان شناسی می گوید: «سیاه به معنی «نه» بوده و نقطه مقابل، «بله» یعنی سفید است. با این نگاه باید گفت: آن کس که در مقابل نامحرم سیاه می پوشد در واقع می خواهد به او «نه» بگوید. و آن کس که رنگ سفید، رنگارنگ و جذاب می پوشد راه نگاه ها را به سوی خود باز می گذارد و در واقع خواسته یا ناخواسته خود را در معرض نگاه های هرزه و آلوده قرار می دهد و وسیله آلودگی انحراف و جامعه را فراهم می کند.

ماکس لوشر متخصص در روان شناسی رنگ ها معتقد است: {سفید به صفحه خالی می ماند که داستان را باید روی آن نوشت، ولی

ص:77

سیاه نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد. } بنابراین زنی که در برابر نامحرم و در بیرون از خانه لباس سفید و رنگارنگ می پوشند، از ایمنی کمتری برخوردار است ولی زنی که چادر سیاه می پوشد، حداکثر ایمنی را برای خود ایجاد کرده است و نشان می دهد که اینجا نقطه پایان نگاه های نامحرمان است و در فراسوی این پوشش جایی برای نفوذ نگاه ها و نبت های ناپاک نیست. در جای دیگری در بحث روانشناسی رنگ ها می خوانیم که :{سیاه نشانگر ترک علاقه یا انصراف نهایی بوده و از تاثیری قوی بر هر رنگی که در همان گروه در کنار آن قرار گرفته باشد، برخوردار است و خصلت آن رنگ را مورد تأکید و اهمیت قرار می دهد. }

از این رو کسی که چادر مشکی می پوشد، می خواهد با رنگ سیاه چادر دائما جلوه و نمای خود را نفی کند و خود را از نگاه های دیگران دور نگه دارد. رنگ مشکی چادر او نشانگر ترک علاقه یا انصراف نهایی است. یعنی چادر مشکی به نگاه های نامحرم می گوید: هیچ جایگاهی برای نگاه شما در من وجود ندارد و من کاملا از شما روی گردانم و به دیگران می گوید که نگاه شما به سوی من جز ضرر برای خودتان و من نتیجه دیگری ندارد.

وقتی رنگ مشکی در کنار رنگ دیگری قرار می گیرد، تأثیر آن رنگ را تقویت کرده، خصلت آن رنگ را مورد تأکید و اهمیت قرار می دهد. به عنوان مثال اگر لباسی سیاهی در کنار یک پنجره رنگین آویزان باشد، هر بیننده ای که به آن سو بنگرد نگاه او به طرف پنجره

جلب خواهد شد و به لباس توجهی نخواهد کرد. این امر به خاطر آن است که رنگ سیاه لباس، خاصیت خود را نفی کرده و در عوض خاصیت رنگ پنجره را تقویت نموده است.

به همین علت وقتی خانمی چادر مشکی به سر می کند و در خیابان راه می رود، ناظری که از دور به او و اشیای فراوان رنگی اطراف مثل اتومبیل ها، مغازه ها و غیره نگاه می کند، بی اختیار اشپا و پوشش رنگی نظر او را به خود جلب کرده و در بسیاری اوقات شخص بیننده اصلا به آن رنگ مشکی توجهی نکرده و رد می شود. آری! بانوانی که می خواهند به بهترین شکل عفت و پاکدامنی خود را حفظ کنند و تیرهای زهرآلود نگاه غیر خودی را دفع کنند، حجاب برتر یعنی چادر را می گزینند. بنابراین بهترین حجاب زنان در بیرون از خانه و در محیط اجتماع و به طور کلی در برابر نامحرمان، چادر مشکی است که علم روان شناسی نیز آن را تأیید می کند.

فصل ششم: فلسفه حجاب

اشاره

دین مبین اسلام همواره بر تحصیل معرفت، تأکید نموده است؛ چرا که ریشه همه خوبی ها و فضایل و زیبایی های اعتقادی و اخلاقی، شناخت و معرفت و ریشه همه زشتی ها و گناهان، نادانی و عدم شناخت و معرفت صحیح به اصول اعتقادی و احکام سازنده دین اسلام است. بر همین اساس، قرآن کریم به پیروان خویش می آموزد که عمل و رفتار و گفتارتان باید همواره بر منطق صحیح و واقع گرایانه وحی و عقل متکی باشد و از هر گونه سطحی نگری و تقلیدهای نسنجیده به دور باشد.

شناخت حق و باطل و پی بردن به حقانیت یا بطلان همواره لازم و ضروری است به ویژه در مورد پدیده های عصر حاضر همچون بدحجابی، مدگرایی و خودآرایی که با ترفندهای شیطانی توسط دشمنان اسلام برای تاریکی ساختن فضای جامعه و کم رنگ نمودن ارزشهای اسلام به شدت دنبال می شود. از این رو در این قسمت بر آن هستیم تا با بیان مطالبی پیرامون فلسفه حجاب در اسلام، افراد جامعه به ویژه بانوان مسلمان را هر چه بیشتر با این مسأله ارزشمند، آشنا

سازیم تا معرفت و شناخت آنان نسبت به این موضوع بیش از پیش افزایش یابد و از بازیچه قرار گرفتن در دست استعمارگران و سودجویان محفوظ مانند.

رفتاری عاقلانه و منطقی

الف: بر اساس حکم عقل، هر گوهر ارزشمند و دوست داشتنی باید از دستبرد بیگانه محفوظ بماند وگرنه از دست می رود و با آسیب می بیند؛ از این رو زن هم که در ظاهر جنس لطیف و در باطن حقیقت شگرفی است، دارای محبوبیت و ارزش والایی است و باید در صدف عفاف و پوشش اسلامی قرار بگیرد، تا عظمت و ارزش و محبوبیت او حفظ و از تماس بیگانه و نگاه او در امان باشد

به بیان دیگر عقل در می یابد که هر انسانی طبیعت تحت تأثیر لطافت ها و زیبایی ها قرار گرفته و مجذوب آنها می شود و از آن جا که زن از لطافت و زیبایی خاصی برخوردار است، باعث ایجاد هوس و تحریک مردان گردیده و منزلت و شخصیت او مورد غفلت واقع می گردد و این موضوع زمینه را برای جذب غیر مشروع به زن فراهم می آورد و زیانها و فاجعه های جبران ناپذیری به وجود می آید؛ به همین دلیل باید در پرتو حجاب و پوشش عفیفانه از انحرافات جنسی در جامعه جلوگیری شود که این بهترین خدمت به زن و حفظ منزلت، شرافت و حرمت اوست.

ب: از نگاه عقل، آزادی های جسمی در جامعه باید به اندازهای

باشد که به آزادی های روحی و معنوی آسیب نرساند؛ زیرا که لازمه آزادی بی قید و شرط، اسارت عقل و زندان روح و از میان رفتن استعدادها و توانایی های والای انسانی زن و دیگر افراد جامعه است، که عمل درست و حقی نخواهد بود و از آنجا که پوشش کامل و عفاف زمینه رشد استعدادهای فطری و آرامش روحی و روانی و تکامل زن و افراد جامعه را فراهم می کند حق و فضیلت است.

بنابراین، مصلحت استعداد های عالی و روح ملکوتی زن و افراد جامعه می طلبد که آزادی جسمی و رفتاری و پوشاکی، تحت کنترل قرار گرفته و در جهت مصالح عالی فرد و به سوی کمالات حفظ شده، در نتیجه نشاط و آرامش و اعتلای شخصیت تحقق یابد.

کمال بخشی به زن

به طور کلی از ملاکهای حقانیت و فضیلت هر عمل، تأثیر آن در تکامل و سعادت انسان است؛ همان گونه که میزان ارزش و فضیلت هر امر حتی به اندازه نقش آن در تأمین نیازها و تکامل انسان و نزدیکی به خداوند می باشد؛ چنان که از ویژگی های قوانین و دستورهای حکیمانه اسلام، حیات بخشی و کمال آفرینی و تأثیر آن در تأمین نیک فرجامی انسان است، قرآن مجید می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، دعوت خداوند و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می خوانند که مایه حیات و رشد

شما می باشد. (1) بدون شک خودنمایی، بی بند و باری و پیروی از مدهای رایج، نه در حیات طبیعی و نیازهای واقعی جسمی ضرورت دارد و نه پاسخگوی نیازهای روحی و روانی و تکامل بخش زندگی معنوی می باشد، بلکه به هر دو بعد حیات مادی و معنوی آسیب می رساند و سلامت جسمی و روحی افراد را به مخاطره می اندازد.

به راستی کدام زنی توانسته با پوشش ها و رفتارهای ناهنجار، حرکت تکاملی و رشد معنوی داشته و به خداوند تقرب یافته باشد.

بنابراین، حجاب به عنوان یک رفتار ارزشمند و اخلاقی برای بانوان بسیار حیات بخش و تکامل ساز است و مسیر رشد و تعالی را برای آنان هموار می سازد.

ارضای خواسته فطری

به طور کلی شخصیت ذاتی انسان کمال جو و حقیقت طلب است و زمینه محبت و عشق به خدا و پاکی و انسانیت و بیزاری از کفر، فسق و عصیان در عمق جان او به امانت گذاشته شده است؛ زیرا که دین اسلام، دین فطرت می باشد و به همان اموری هدایت می کند که فطرت انسانها به سوی آن هدایت می نمایند؛ و هیچ قانون و حکم مخالفی، ساختار روح و جسم آدمی را در بر نمی گیرد.

1- سوره انفال: آیه 24.

نتیجه آن که انسان می تواند عقاید، اخلاق، اعمال و اشیاء، به ویژه پدیده ها و مدل های نو را با محک فطرت و ادراک باطنی خویش بسنجد و از حقانیت یا بطلان و فضیلت یا رذیلت آنها آگاهی یابد. البته در پاره ای از موارد و مصادیق، وحی و دین راهنمای اصلی به شمار می رود.

پوشش و حجاب عفیفانه، ندا و دعوتی است که زن آن را در عمق جان خود می شنود و کششی است که از درون خود به سمت آن گرایش پیدا می کند و از بی حجابی، بدحجابی و خودنمایی انزجار و تنفر دارد و از آن جا که منشأ امور فطری، آفرینش انسان است لذا در همه افراد به طور یکسان وجود دارند هر چند عواملی مانند تربیت خوب یا بد، تبلیغات سازنده یا مخرب، محیط فاسد و ناسالم در شکوفایی و رشد یا ضعف و کاهش و حتی به خاموشی گراییدن نور فطرت در باطن مؤثر هستند.

یک نشانه بر فطری بودن حجاب آن است که کتاب های تاریخی و آثار تمدن های مختلف گواهی می دهد که فرهنگ حجاب همواره در میان زنان مرسوم بوده و اختصاص به مذهب یا دین خاصی ندارد.

استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله در این باره می گوید:

{و به طور کلی بحثی است درباره ریشه اخلاق جنسی، از قبیل حیا، عفاف و از آن جمله استه تمایل به ستر و پوشش زن از مرد و در این جا نظریاتی ابراز شده که دقیق ترین آنها این است که حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گران

بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است (1)

به طور کلی مرز حفظ و ماندگاری یک قانون و آیین، موافق بودن آن با فطرت و طبیعت و نیازهای بشری است. بر این اساس فرهنگی ابتذال و بد حجابی و بی حجابی بر خلاف فطرت زن است و اگر چه به خاطر برخی عوامل خارجی و غفلت ها و ناآگاهی ها در کوتاه مدت رواج یابد؛ لیکن پایدار نخواهد بود.

حرمت بخشیدن به زن

زن مسلمان، تجسم حرمت و عفت در جامعه است، حفظ پوشش به نوعی احترام گذاردن به زن و محفوظ نگاه داشتن وی از نگاههای شهوانی و حیوانی است. چنانچه زن، حدود را رعایت ننماید؛ هر بیمار دلی به او طمع نموده و با نگاه آلوده اش حریم زن را می شکند. آن شخصیتی که باید سالم بماند و نسل سالم تربیت کند، تحت تأثیر دیدهای آلوده به گناه به طرف شهوات سوق داده شده و در نتیجه هویت واقعی اش را فراموش کرده در چنگال بیماردلان و هوسبازان، گرفتار می آید و از منش انسانیش سقوط کرده و به غرقاب حیوانیت می رود.

کلام گهربار حضرت زهرا علیه السلام با نشانگر لزوم حفظ جایگاه والای زن است که فرمود: «خیر النساء لایرین الرجال ولا یراه الرجال؛ بهترین

1- مسأله حجاب: استاد شهید مطهری، ص 62.

زنان، زنانی هستند که مردی را نبینند و مردی هم آنها را نبیند». (1)

در قرآن، آنگاه که حدود پوشش را مطرح می سازد به این حکمت اشاره می نماید: «ذلک أدنی أن یثرن قلا بود؛ این پوشش نزدیک تر است که زنان، به حیا و عفاف شناخته شوند و مورد اذیت نااهلان واقع نشوند. (2)

مبارزه با نفس

میل به خودنمایی و جلوه گری به مصالحی در سرشت زن، وابسته است که باید در مسیر درست و هدفی والا به کار گرفته شود. بی گمان این گرایش در وجود زن اگر همچون سایر میل ها به درستی به کار گرفته شود، ثمرات مطلوبی خواهد داشت و در جهت کمال أو

کار آمد خواهد بود و در مسیر فراهم آوردن محیطی مناسب همراه با زندگیش، سودمند خواهد شد؛ چرا که هیچ گرایش درونی بدون دلیل در وجود انسان به ودیعت نهاده نشده است. اما اگر این گرایش، مرزی نداشته باشد و خودنمایی و جلوه گری همواره و در همه جا نمود داشته باشد، قطعا فساد آفرین خواهد بود و در ایجاد زمینه های ناهنجاری در جامعه تأثیر خواهد گذاشت، پوشش را می توان مهمترین عامل تعدیل این میل دانست. اشاره لطیفی به این مطلب در کلام امیرالمؤمنین علی الا اسها: «زکاه الجمال العفاف؛ زکات زیبایی،

ص:89

1- مکارم الاخلاقی: ص 232
2- سوره احزاب: آیه 59

عفاف است. (1)

زیبایی برای زن، سرمایه است، اما باید به جا مصرف شود و زکات جمال زن، حفظ عفاف و پوشش است. مانند سازی جمال زن به سرمایه، نشانگر آن است که از یک سوی سودمند و کارآمد است و از سوی دیگر کنترل شدنی و تعدیل بافتنی می باشد و اشاره است به اینکه در صورت مرزشکنی، فتنه انگیز و فساد آفرین خواهد بود.

جواز کشف حجاب در مقابل محارم از جمله شوهر، این غریزه را جهت می دهد که خود آرایی زن مختص به شوهر است و منع آن در برابر نامحرم، این غریزه را کنترل می سازد و از مرزشکنی جلوگیری می کند، این غریزه می تواند گامی در جهت مبارزه با سایر خواهشهای نفسانی باشد. وقتی زن در جهت کنترل این خواهش، اقدام نمود آمادگی غلبه بر دیگر خواهشها را تحصیل کرده و در جهت رشد و تعالی خود حرکت می نماید.

-

حضور سازنده در اجتماع

بدون تردید، اندام زن به ویژه اگر به آرایه ها و پیرایه هایی، آراسته گردد هیجان انگیز و هوس آفرین است. از سوی دیگر زن، بخش عظیمی از نیروی انسانی یک جامعه را تشکیل می دهد و در ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی می تواند نقش آفرینی

1- میزان الحکمه: ج 6، ص 2657

قابل توجهی داشته باشد..

اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت حضوری، سازنده در اجتماع برای او رقم می زند و با دستورهای حکیمانه و رهگشایی که در چگونگی منش و روش او ارائه داده، از یک سو این نیروی عظیم را از تباه شدن و در گوشه ای بی هدف و بی اثر ماندن نجات داده، و از سوی دیگر جلوی فساد گستری و ناهنجاریهای ناشی از اختلاط مرد و زن را گرفته است. همه آحاد جامعه در مقابل سلامت نفسانی جامعه مسئولند و مسئولیت مهمتر در این باره بر دوش خانمهاست. دقت در آنچه گفتیم بی پایه و اساس بودن تفکر هوس رانهایی را که حجاب را حصار تلقی کرده و برای موهای خود، زن را برای شکستن به اصطلاح حصار دعوت میکنند، روشن می شود و به خوبی دانسته می شود که حجاب عملا عامل مهمی است در جهت آزادی زن نه اسارت او، مهم این است که تلقی ما از آزادی دقیقه روشن باشد.

ایجاد امنیت

جامعه موظف است امنیت را در ابعاد مختلف، برای افراد فراهم سازد، بخش عمده ای از این مهم به عهده زن است که با حفظ پوشش به این امر جامه عمل بپوشاند. اگر این حریم دریده شود ضمانتی برای سلامتی شخص وجود ندارد، زن چون از حصار منیع حجاب درآمد، در معرض دیدهای آلوده و قلبهای فاسد و منحرف قرار

می گیرد و آرامش خود را از دست داده و نهایتا در تلاطم امواج بلا گرفتار می شود.

در سایه رعایت عفاف، زن با شهامت هر چه تمام تر به وظیفه خود مشغول شده و خطری از ناحیه اجتماع متوجه وی نمی شود. به این صورت با قاطعیت تمام معتقد هستیم که پوشش، امنیت زن را درجامعه فراهم می سازد و در حریم پوشش است که می توان با خیالی آسوده به جامعه آمد و به فعالیت پرداخت و در سنگر حجاب، حضور عینی خود را در ابعاد مختلف اجتماع، تحقق بخشید

ص:92

فصل هفتم: بررسی ایراد ها واشکال ها بر حجاب

حجاب و اصل آزادی

از جمله ایرادهایی که بر حجاب گرفته اند. این است که حجاب موجب سلب حق آزادی، که یک حق طبیعی بشری است می گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن به شمار می رود

می گویند: احترام به حیثیت و شرفه انسانی، یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر است. هر انسانی شریف و آزاد است، مرد باشد یا زن، سفید باشد یا سیاه، تابع هر کشور یا مذهبی باشد. مجبور ساختن زن به اینکه حجاب داشته باشه بی اعتنایی به حق آزادی او و اهانت به حیثیت انسانی اوست و به عبارت دیگر، عزت و کرامت انسانی و حق آزادی زن، و هم چنین حکم موافق عقل و شرع ایجاب می کنند که این امر از بین برود و هیچ کس بدون علت نباید اسیر و زندانی گردد، و ظلم به هیچ شکل و به هیچ بهانه نباید واقع شود.

پاسخ: حجاب در اسلام وظیفه ای است بر عهده زن که دز معاشرت و برخورد با مرد باید کیفیت خاصی را در پوشش مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده است، نه چیزی

ص:95

است که با حیثیت و کرامت او مناقات داشته باشد و با تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب شود.

اگر رعایت پاره ای از احکام دینی، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت، روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین ببرند، چنین مطلبی را نمی توان زندانی کردن یا بردگی نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل آزادی فرد دانست.

در کشورهای متمدن جهان در حال حاضر چنین محدودیتهایی برای مرد وجود دارد. اگر مردی برهنه یا در لباس خواب از خانه خارج شود پلیس ممانعت کرده، به عنوان اینکه این عمل بر خلاف حیثیت اجتماع است او را جلب می کند. هنگامی که مصالح اخلاقی و اجتماعی، افراد اجتماع را ملزم کند که در معاشرت اسلوب خاصی را رعایت کنند؛ مثلا با لباس کامل بیرون بیایند، چنین چیزی به بردگی نام دارد و نه زندان، و نه ضد آزادی و حیثیت انسانی است و نه ظلم و ضد عقل به شمار می رود. "

بر عکس پوشیده بودن زن، در همان حدودی که اسلام تسعبین کرده است، موجب کرامت و احترام بیشتر اوست؛ زیرا او را از تعرض افراد جلف و فاقد اخلاق، مصون می دارد.

احکام دین اسلام که تأمین کننده شرافت زن است اقتضا می کند که هنگامی که از خانه بیرون می رود متین و با وقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملا مرد را به سوی خود دعوت نکند، زبان دار لباس نپوشد، زبان دار راه نرود، زبان دار و معنی دار به سخن خود آهنگ

ص:96

ندهد.

آیا حیثیت زن ایجاب می کند که این چنین باشد؟ آیا اگر ساده و آرام بیاید و برود، حواس پرت کن نباشد و نگاههای شهوت آلود مردان را به سوی خود جلب نکند، برخلاف مصالح اجتماع یا برخلاف اصل آزادی فرد است؟

آری! اگر کسی بگوید زن را باید در خانه حبس و در را به رویش بست و به هیچ وجه اجازه بیرون رفتن از خانه به او نداد، البته این با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی و حقوق خدادادی زن منافات دارد. چنین چیزی در حجاب های غیر اسلام بوده ولی در اسلام نبوده

ونیست (1)

حجاب و افزایش التهابها

ایراد دیگری که بر حجاب گرفته اند این است که ایجاد حریم میان زن و مرد بر اشتیاقها و التهاب ها می افزاید و طبق اصل «الانسان حریص علی ما منع منه»، حرص و ولع نسبت به اعمال جنسی را در زن و مرد بیشتر می کند، به علاوه، سرکوب کردن غرایز موجب انواع اختلالهای روانی و بیماریهای روحی می گردد.

در روانشناسی جدید و مخصوصا در مکتب روانکاوی فروید روی محرومیت ها و ناکامی ها بسیار تکیه شده است. فروید چنین اعتقادی دارد که ناکامی ها معلول قیود اجتماعی است و پیشنهاد می کند تا ممکن است باید غریزه را آزاد گذاشت تا نا کامی و عوارض ناشی از آن پیش نیاید.

1- ر. که. مسأله حجاب، مرتضی مطهری: ص 84 - 88.

برتراند راسل در جنوب این سؤال که: آیا شما عقیده دارید انتشار موضوع های منافی عفت علاقه مردم را به آنها زیاد نمی کند؟ جواب می دهد:

علاقه مردم نسبت بدانها نقصان می یابد. فرض کنید چاپ و انتشار کارت پستالهای منافی عفت مجاز و آزاد گردد. اگر چنین چیزی بشود این اوراق برای یک مدت یکسال یا دو سال مورد استقبال واقع شده سپس مردم از آن خسته می شوند و دیگر کسی حتی به آنها نگاه هم نخواهد کرد.

پاسخ: درست است که ناکامی، به خصوص ناکامی جنسی، عوارض وخیم و ناگواری دارد و مبارزه با اقتضای غرایز در حدودی که مورد نیاز طبیعت است غلط است، ولی برداشتن قیود اجتماعی مشکل را حل نمی کند بلکه بر آن می افزاید.

اینکه راسل می گوید: اگر پخش عکسهای منافی عفت مجاز بشود پس از مدتی مردم خسته خواهند شد و نگاه نخواهند کرده درباره یک عکس به خصوص و یک نوع بی عفتی صادق است. ولی در مورد مطلق بی عفتی ها صادق نیست؛ یعنی از یک نوع خاص پی عفتی خستگی پیدا می شود. بدین معنی که آتش و عطش روحی زبانه می کشد و نوعی دیگر را تقاضا می کند و این تقاضا هرگز تمام شدنی نیست

واسل در کتاب «زناشویی و اخلاقه اعتراف می کند که عطش روحی در مسائل جنسی غیر از حرارت جسمی است. آنچه با ارضاء تسکین می یابد حرارت جسمی است که عطش روحی

حاجت های طبیعی بر دو قسم است: یک نوع حاجت های

محدود و سطحی است؛ مثل خوردن و خوابیدن. در این نوع از حاجتها همین که ظرفیت غریزه اشباع و حاجت جسمانی مرتفع گردد، رغبته انسان هم از بین می رود و حتی ممکن است به تنفر و انزجار مبدل گردد. ولی یک نوع دیگر از نیازهای طبیعی، عمیق و هیجان پذیر است مانند پول پرستی و جاه طلبی

غریزه جنسی دارای دو جنبه است، از نظر حرارت جسمی از نوع اول است ولی از نظر تمایل روحی دو جنسی به یکدیگر چنین نیست.

به طور مثال: هر جامعه ای از لحاظ خوراک مقدار معینی تقاضا دارد، و تا میزان معینی اشباع می شود. اما درباره ارضای حس مال پوستی و پول پرستی حدی را نمی شناسد و در این ارتباط اشیاعی وجود ندارد.

علم دوستی هم همین حالت را دارد. در حدیثی از پیغمبر اکرم آمده است: «منهومان لایشبعان طالب علم و طالب مال؛ دو طایفه هرگز سیر نمی شوند: یکی جوینده علم و دیگر طالب ثروت»،

(1) هر چه بیشتر به آنها داده شود اشتهایشان زیادتر می گردد.

جاه طلبی بشر هم از همین قبیل است، ظرفیت بشر از نظر جاه طلبی پایان ناپذیر است، هر فردی هر مقام اجتماعی و هر پست عالی را که به دست آورد باز هم طالب مقام بالاتر است.

غریزه جنسی دو جنبه دارد: جنبه جسمانی و جنبه روحی، از جنبه جسمی محدود است ولی از نظر تنوع طلبی و عطش روحی ای

1- تهذیب الأحکام، ج 6، ص 328

که در این ناحیه ممکن است به وجود آید شکل دیگری دارد. این نوع از عطش که هوس نامیده می شود ارضاء شدنی نیست.

به طور کلی در طبیعت انسانی از نظر خواسته های روحی، محدودیت در کار نیست، روح انسان طالب بی نهایت آفریده شده است. وقتی هم که خواسته های روحی در مسیر مادیات قرار گرفت به هیچ حدی متوقف نمی شود.

اشتباه کرده اند که طغبان نفس اماره و احساسات شهوانی را تنها معلول محرومیتها و عقده های ناشی از محرومیتها دانسته اند. همانطور که محرومیتها سبب طغیان و شعله ور شدن شهوات می گردد، پیروی و اطاعت و تسلیم مطلق نیز سبب طغیان و شعله ور شدن آتش شهوات می شود، امثال فروید از یک طرف نمافل مانده اند.

اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته اند تنها راه آرام کردن غرایز، ارضاء و اشباع بی حد و حصر آنها است. اینها فقط متوجه محدودیتها و ممنوعیتها و عواقب سوء آنها شده اند و مدعی هستند که قید و ممنوعیت، غریزه را عاصی و منحرف و سرکش و ناآرام می سازد، طرحشان این است که برای ایجاد آرامش این غریزه، باید به آن آزادی مطلق داد. آن هم بدین معنی که به زن اجازه هر جلوه گری و به مرد اجازه هر تماسی داده شود.

اینها چون یک طرف قضیه را خوانده اند توجه نکرده اند که همانطور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می کند، رها کردن و تسلیم محض در برابر تحریکات و تهیجات نیز آنها را دیوانه می سازد.

اساساً برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضای غریزه

در حد حاجت طبیعی، و دیگر جلوگیری از تهییج و تحریک آن.

انسان از لحاظ حوائج طبیعی مانند چاه نفت است که تراکم و تجمع گازهای داخلی آن، خطر انفجار را به وجود می آورد، در این صورت باید از آن را خارج کرد و به آتش داد ولی این آتش را هرگز با طعمه زیاد نمی توان سیر کرد.

اینکه اجتماع با وسائل مختلف سمعی و بصری زمینه هیجان غریزه را فراهم آورد و آنگاه بخواهد با ارضاء، غریزه دیوانه شده را آرام کند میسر نخواهد شد. هرگز بدین وسیله نمی توان آرامش و رضایت ایجاد کرد، بلکه بر اضطراب و تلاطم و نارضایی غریزه با هزاران عوارض روانی و جنایات ناشی از آن افزوده می شود.

تحریک و تهییج بی حساب غریزه جنسی عوارض وختیم دیگری نظیر بلوغ های زودرس و پیری و فرسودگی نیز به همراه دارد.

اما اینکه می گویید: والانسان حریص علی ما منع منه مطلب صحیح است، ولی نیاز به توضیح دارد. انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود، به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کند و آنگاه او را ممنوع سازند، اما اگر امری اصلا عرضه نشود یا کمتر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت به آن کمتر خواهد بود.

فروید که طرفدار سرسخت آزادی غریره جنسی بود، خود متوجه شد که خطا رفته است، لذا پیشنهاد کرد که باید آن را به مسیر دیگری منحرف کرد و به مسائل علمی و هنری، نظیر نقاشی و غیره منعطف ساخت.

در گذشته افراد بی خبر، میگفتند: انحراف جنسی، یعنی هم

ص:101

جنس بازی، فقط در میان شرقی ها رایج است و علتش دسترسی نداشتن به زن بر أثر قیود زیاد و حجاب است، اما طولی نکشید که معلوم شد رواج این عمل زشت در میان اروپاییها به مراتب بیشتر از شرقی ها است..

ما انگار نمی کنیم که دسترسی نداشتن به زن موجب انحراف می شود و باید شرایط ازدواج قانونی را سهل کرد، ولی بدون شک آن مقدار که خودنمایی زن در اجتماع و معاشرتهای آزاد، سبب انحراف جنسی می شود به مراتب بیشتر از آن است که محرومیت و عدم دسترسی سبب می گردد.

علاوه بر آنچه تا کنون گفته شده، پوشش در اسلام برای زن به معنی محرومیت زن و مرد از ارضای غریزه جنسی نیست که موجب عطش بیشتر و انفجار گردد، اسلام برای ارضای غریزه جنسی، موضوع ازدواج را ارائه داده است که با اقدام به موقع و در نظر گرفتن شرایط سهل و آسانی که در اسلام دارد، دیگر عقده جنسی پدید نمی آید تا عکس العمل بد داشته باشید..

بر عکس عدم پوشش در زن مایه تباهی و فساد می گردد چنانکه می بینیم در کشورهایی که حجاب وجود ندارد، فساد و آلودگی هایی که از این رهگذر سرچشمه گرفته بسیار وحشت بار و خانمان سوز است، و به مراتب نسبت به کشورهایی که حریم میان زن و مرد را رعایت می کنند، زیادتر است.(1)

1- مسأله حجاب: مرتضی مطهری، ص 106-96

فصل هشتم: آثار سازنده حجاب

اشاره

ص:103

باید توجه داشت که تمامی احکام دین اسلام اعم از واجبات ومحرمات همه دارای حکمتهای نافعی برای زندگی بشر است؛ به عنوان مثال اگر در دین اسلام نماز واجب شده، به خاطر این است که انسان طغیانگر و سرکش نگردد و همیشه خود را نیازمند ذات حق تعالی بداند و در روز، پنج بار در برابرش کرنش نماید. از این رو باید بگوییم: حجاب نیز که یکی از احکام مربوط به بانوان است، حکمتها و آثار مفید و سازنده ای برای فرد و جامعه به دنبال خواهد داشت. در این فصل بر آن هستیم که به طور کوتاه و مختصر به بررسی آثار سازنده این مسأله بپردازیم.

استحکام خانواده

یکی از عوامل مهم استحکام خانواده، رعایت حجاب است. اگر حجاب در جامعه رعایت شد و روابط جنسی به محیط خانواده و در چارچوب ازدواج محدود گردید. جوانان به ازدواج تمایل بیشتری

پیدا می کنند. و خانواده های تشکیل شده ثبات بیشتری دارد.

در حالی که اگر خودنمایی، آرایش، تحریک و بد حجابی در یک جامعه رواج پیدا کرد و روابط جنسی در غیر محیط خانواده میسر گشت، اولا: هیچگاه جوانان مسؤولیته ازدواج را نخواهند پذیرفت، و به ازدواج تن در نمی دهند؛ چرا که بطور خیلی ارزان و بدون قبول مسؤولیت تشکیل خانواده، از راههای حرام ارضای غریزه می کنند.

ثانیاً: در یک چنین جامعه بدحجابی، خانواده های تشکیل شده نیز دائما در خطر تزلزل و از هم پاشیدگی قرار دارند زیرا خودنمایی و حضور تحریک آمیز زنان و دختران در صحنه های اجتماعی، نظر هر مرد متاهل یا مجردی را به خود جلب می کند.

اگر بیننده این صحنه های تحریک آمیز متأهل باشد. با توجه به غریزه تنوع طلبی و زیاده خواهی که دارد بخشی از توجه خود را متوجه آنان می کند و در نتیجه به همان اندازه، علاقه و گرایش به همسرش را که همواره با او زندگی می کند، کاهش می دهد. وقتی چشمهای مردی در محیطهای مختلف اجتماعی از دیدن زنان و دختران آرایش کرده و بدحجاب، با پوششهای نامناسب کامیاب و بهره مند شود، طبعاً علاقه او نسبت به همسرش کم می شود؛ چرا که بخش عمده ای از علاقه مرد به همسرش از ناحیه نیازهای جنسی تأمین می شود که این نیاز را زنان خودنما و بدحجاب در سطح جامعه

بطور نامشروع برآورده می سازند.

این کاهش علاقه بسیاری از پیوندهای زناشویی را با سستی و سردی همراه می کند و مسائل اخلاقی مختلفی را محقق می سازد، به گونه ای که در نوع نگرش مرد به همسرش تأثیر منفی می گذارد.

تحقیقات روانشناسان نشان می دهد بسیاری از کج خلقی های بهانه گیری ها، بی میلی در همراهی با همسر و... از پیامدهای جلب توجه مردان به زنان بی حجاب یا بد حجاب جامعه است و در بعضی موارد کار به جایی می کشد که مرد همسر شرعی و قانونی خود را مزاحم و مانع کامیابی ها و لذت جویی های خود در جامعه می انگارد، و به همین خاطر از او متنفر می شود و در مواردی هم کار به منازعه و طلاق می انجامد. آمار قطعی و مستند نشان میدهد که با افزایش برهنگی و بی حجابی در جامعه، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی به طور مداوم بالا رفته است. حجاب وسیله ای برای جلوگیری از این قبیل ناهنجاریها و نابسامانی هایی است که اساس و بنیاد خانواده را تهدید می کند.

سلامت جسمی و روانی

الف-سلامت جسمی

حجاب، زمینه های فساد را از بین می برد و از این طریق نقش

خود را در سلامت جسمی افراد جامعه ایفا می کند.

اگر در جوامع بشری، حجاب و پوشش بانوان رعایت شود به طور قطع بر روابط جنسی زن و مرد ضوابط و قوانینی حاکم خواهد شد و جوامع با این همه ناهنجاری و چالش روبرو نخواهد شد.

دهها میلیون بیماران مقاربتی و اختصاصی میلیاردها دلار بودجه برای معالجه آنها و میلیونها کودک بی سرپرست تنها گوشه ای از این چالشها را نشان می دهد که همه و همه در اثر روابط نامشروع به وجود می آید و این روابط نیز عمدتا نشأت گرفته از برهنگی و بدحجابی زنان است.

بنابراین از نگاهی عمیق، باید حجاب را ضامن سلامتی افراد جامعه در مقابل بیماریهای مقاربتی، ایدز، سفلیس و... دانست.

ب- سلامت روانی

در کشورهایی که قانون حجاب رعایت نمی گردد افزایش روز افزون بیماریهای روانی به خوبی مشهود است.

آمار وحشتناک خودکشی ها در غرب نیز نشان دهنده میزان اختلالات روانی موجود در غرب می باشد. بنابراین به نمایش گذاشتن اندام با زیبایی های خویش در جامعه توسط زنان بی قید و بند نه تنها علامت یک بیماری روانی محسوب می گردد، بلکه بیماری زا بوده و ناراحتی های روانی را در دیگران ایجاد می کند.

ص:108

بدحجابی ، عشوه گری و طنازی زنان سبب تحریک جوانان که منجر به کوفتگی اعصاب و ایجاد هیجانات بیمارگونه عصبی خواهد شد و چه بسا این هیجانات سرچشمه امراض روانی در جوانان شود روانشناسان معتقدند. بسیاری از اختلالات فکری و روحی و روانی زاییده تحریکات مداوم عصبی است، و این تحریکات و هیجانات عصبی منشأ بسیاری از بیماریهای جسمی و روانی می شود.(1) از این رو باید گفت اگر می خواهیم مردم جامعه در کمال سلامت و صحت زندگی کنند و بیماری های روحی و روانی در بین آنها به حداقل برسد چاره ای نداریم جز اینکه با تمام امکانات به ترویج فرهنگ والای حجاب در جامعه همت بگماریم.

امنیت و آرامش زن

تمایلات و خواسته های نفس آدمی بی انتهاست، که مهمترین آنها به امور جنسی، مال و مقام مربوط می شود، بدون شک یکی از بزرگ ترین تمایلات و خواسته های مردان، تمایل به جنس زن است.

ارائه زیبایی ها، بدحجابی ها و طنازیهای زنان، به شهوت و میل جنسی مردان دامن می زند و آنان را به یک کانون خطر جدی مبدل می سازد، که این امر به سلب امنیت و آرامش زن منجر خواهد شد..

ص:109

1- حجاب دختران فاطمه قاضی، ص 44

به گونه ای که زنان در هیچ محیطی از جامعه از امنیت و آرامش برخوردار نیستند. نه در محل کار، نه در دانشگاه و نه در خانه و نه در کوچه و خیابان.

روزنامه اخبار جهان این سلب امنیتی را که در اثر بدحجابی و با بی حجابی در محیط کار زنان در آمریکا بوجود آمده اینگونه بیان می کند: در سالهای 1979 تا 1980 در آمریکا، حدود 18 میلیون نفر از زنان کارمند به هنگام کاره مورد اذیت و آزارهای جنسی قرار گرفته اند. بیش از 50 درصد زنان در رده های بالای شغلی و 30 درصد از کارکنان امور اداری و دفتری در انگلستان و 77 درصد در آمریکا با مزاحمت مدیران و همکارانشان روبرو هستند، این آمار تکان دهنده بیانگر این حقیقت است که هر چقدر بی حجابی و بدحجابی زنان بیشتر گردد، امنیت و آرامش آنان در جامعه کمتر و بی ارزش تر می شود.

آنچه می تواند از این ناامنی پیشگیری کند پوشیدگی و حجاب زن از چشمهای نامحرمان است. در سایه حجاب، زن و دختر مسلمان می تواند خود را از تیر نگاههای زهرآلود و سخنان آزار دهنده و برخوردهای افراد پست و شرور مصون و محفوظ بدارد. هر چه پوشش و حجاب زن کامل تر و جامع تر باشد در صد امنیت و حفاظت آن بیشتر خواهد بود.

ص:110

از این رو می بینیم که دین مبین اسلام به منظور پاسداری از امنیت و کرامت واقعی زنان، حجاب را مقرر داشته تا شؤون اجتماعی آنان محفوظ بماند و از قربانی شدن فضایل و کرامات شان در پای ظواهر دنیوی جلوگیری شود. در آیه 59 سوره احزاب نیز یکی از اصلی ترین علل حجاب برقراری و حفظ امنیت زنان بیان گردیده است.

افزایش احترام و شخصیت زن

به طور کلی اشیایی که در همه جا یافت می شود و دسترسی به آن به آسانی امکان پذیر است از ارزش کمتری برخوردارند. از طرفی بشر همواره اشیاء گرانبها و با ارزش خود را از دسترس دیگران دور نگه داشته و به شیوهای خاص از آن مراقبت می کند.

مثلا برای طلا و پولها و اسناد معتبر خود صندوقهای بسیار محکمی را درست کرده تا اشیاء نفیس خود را در آن نگه دارد و از دزدان و سارقان حفظ کند.

دین اسلام نیز که زن را همچون گوهر گرانبهای هستی و دارای شخصیت کامل انسانی می داند حجاب را بهترین وسیله برای حفظ ثبات و شخصیت زن معرفی کرده.

اسلام نه تنها زن را یک انسان محترم و با شخصیت می داند، بلکه

ص:111

اکرام و احترام او را ملاک کرامت انسانی معرفی می کند چنانکه پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «زنان را گرامی نمی دارند مگر انسانهای کریم، و به زنان اهانت نمی کنند مگر انسانهای پست و بی ارزش». (1)

بنابراین اگر زن حجاب نداشته باشد، هرگونه توجهی که به او بشود جنبه شهوانی دارد. و در نتیجه، ارزشهای واقعی او هم فراموش می گردد و تبدیل به یک کالای بی ارزش می شود که با از بین رفتن زیبائیها و طراوت جوانی منقضی و مطرود جامعه خواهد شد.

به همین سبب می بینیم در محیطی مثل غرب بیشترین سهم ستم متعلق به خانم هاست، زیرا تا زمانی که جمال، زیبایی و طراوت جوانی را داراست بدون هیچ ضابطه ای با او ارتباط جنسی برقرار می کنند و زمانیکه جمال و زیبایی او از دست رفت او را تنهای تنها وا می گذارند و مانند کالایی که تاریخ مصرفش گذشته مطرود می شود، این مطرود شدن و منقضی شدن که معلول بی حجابی و بی بند و باری و استفاده فیزیکی و کالایی از زن است، زیانبارترین مصیبت را برای خود زن فراهم می کند. (2)

حجاب این فرصت را به زنان می دهد که در کمال احترام و عزت نفس و برخورداری از شخصیت اجتماعی توانمندیها و استعدادهای خود را مطرح کنند و ارائه نمایند، چرا که اگر حجاب وجودنداشته

ص:112

1- نهج الفصاحه: ص 318
2- حجاب در اندیشه و عمل: ص 23

باشد زنان جسم و فیزیکی خود را به عنوان توانمندی و راهی برای کسب درآمد و جلب نظر دیگران مطرح می کنند و این مسئله باعث می شود که جنس زن نتواند بعنوان یک شخصیت محترم و ارزشمند در جامعه مطرح گردد و این همان تفاوت نگاه جنسی و نگاه دینی به زن است.

تفاوت دیدگاه ها ناشی از اختلافات در جهان بینی است. آن کس که حجاب را ملاک ارزش و سعادت می پندارد. آن را پاسبان دروغین نمی داند و در مقابل، اگر کسی سعادت را در لذت جسمی بداند، هر گونه مانع این لذت را خرافه به شمار می آورد و آن را از سر راه بر می دارد. با این وجود، حتی در میان مردمی که سعادت را در لذت جسم می دانند، حفظ گوهر عفت و حیای زن قابل توجه بوده است و تا جایی که توان داشتند، از آن پاسداری می کردند. ویل دورانت می نویسد: «در بریتانیای جدید، پدران و مادران ثروتمند در طول بحران پنج ساله جوانی، دختران خود را در کلبه هایی زندانی می کنند و پیرزنانی پاک دامن را به زندان بانی آنان می گمارند. دختران حق خارج شدن از این کلبه ها را ندارند و تنها نزدیکان می توانند آنها را ببینند. (1)

وی در جای دیگر می نویسد: «باید چنین فرض کرد که

1- تاریخ تمدن: ویل دورانت، ج 1، ص 720

حساسیت جنسی هندوان، آنان را به هرزگی غیر عادی می کشاند. ازدواج در خردسالی، سدی در برابر مناسبات پیش از زناشویی به شمار می رفت. احکام شدید دینی که در تلفیق وفاداری همسر به کار می رفت، موجب می شد تا زنا بسیار دشوارتر و کمتر از اروپا یا آمریکا صورت گیرد... .

مانوه(1) به مردان هشدار می دهد: که سرنوشت زن همیشه به گمراهی مرد گرایش دارد. پس مرد نباید با نزدیک ترین زن فامیل خود در جای خلوتی تنها بنشیند. (2)

1- مانو از رهبران هندو است
2- تاریخ تمدن: ج 2، ص 561.

فصل نهم: عوامل تکمیل کننده حجاب

اشاره

ص:115

پرهیز از پوشش های شفاف و نازک

بدون شک غرض اصلی از لباس، پوشش بدن است و در متون دینی پوشش بدن بانوان به دلیل ویژگی های فیزیکی و ظاهری آنها بیشتر از پوشش مردان مورد تاکید قرار گرفته است. تردیدی نیست یکی از عواملی که به پوشش بیشتر بانوان آسیب وارد می کند، استفاده از لباس های شفاف و نازک است؛ زیرا این گونه لباسها، سطح بدن را آشکار و نمایان می گرداند و سبب جلب توجه مردان و تحریک جنسی آنان خواهد شد.

در روایتی آمده است که اسما دختر ابوبکر بر رسول خدا وارد شد، در حالی که لباس نازکی بر تن داشت پس پیامبر از او روی گرداند و فرمود: ای أسماا زن وقتی به سن بلوغ رسید، شایسته نیست بدن او دیده شود، مگر صورت و دو کف دست(1)

در برخی از روایات اسلامی پیرامون این موضوع تعبیر «نساء

1- صحیح مسلم: ج 14، ص 109.

کاسیات عاریات»(1)آمده است که گویای این مطلب می باشد فردی که لباس نازک و شفاف پوشیده است، گرچه در ظاهر لباس پوشیده، ولی در واقع برهنه است؛ زیرا سطح بدن وی از زیر لباس نازک و شفاف آشکار است و تحریک آمیزی این گونه لباس نسبت به غریزه جنسی و افزایش احتمال آسیب زایی آن و ابتلا به مفاسد و انحرافات جنسی نیز امری روشن است.

البته آشکار است که تاکید بر عدم استفاده بانوان از لباس های شفاف و نازک، به معنای این نیست که مردان می توانند هر گونه لباس نازک و شفاف را بپوشند، بلکه به معنای این است که احتمال آسیب زایی این گونه لباس ها در مورد بانوان بیشتر است. .

به هر حال استفاده از این گونه لباس ها در مورد مرد و زن و به خصوص زن بسیار مذموم و ناشایست است و قطعا به حجاب و پوشش صحیح آنان ضربه خواهد زد.

در حدیثی آمده است: «هر فردی که لباس نازک داشته باشد ، دین داری او نیز ضعیف می گردد. پس لباس نباید نازک و شفاف باشد.(2)

پرهیز از لباس های تنگ

غرض اصلی از لباس، پوشش بدن است و چون اندام بانوان به طور طبیعی قسمت های برجسته ای دارد، پوشش آنان باید به گونه ای

1- المفصل فی أحکام المرأه والبیت المسلم فی الشریعه الإسلامیه: ج 3، ص 224
2- مستدرک الوسائل: ج 3، ص 0211

باشد که قسمت های برجسته بدن را بپوشاند تا باعث تحریک جنسی نگردد. طبیعی است که استفاده بانوان از لباس تنگ و چسبان در بیرون منزل نه تنها قسمت های برجسته بدن آنان را نمی پوشاند، که آنها را برجسته تر نیز نشان می دهد، روشن است یکی از آثار منفی این گونه لباس ها، تحریک غریزه جنسی است.

افزون بر تحریک جنسی، امروزه زیان آور بودن استفاده از لباس تنگ از نظر جسمی در علم پزشکی نیز ثابت شده است. برای مثال یکی از ضررهای جسمی لباس های تنگ، این است که این گونه لباس ها عمل تنفس بدن را با مشکل مواجه می کند و نمی گذارد هوای آزاده به سطح پوست بدن برسد.(1)

البته روشن است که در مورد عوارض جسمی، تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. بنابراین باید به منظور در امان ماندن از آسیب های مذکور، مردان هم از لباس های تنگ استفاده نکنند.

عدم استفاده از پوشش های اختصاصی

یکی از دستورات موکل دین مبین اسلام این است که مرد و زن نباید از پوشش های اختصاصی یکدیگر استفاده کنند. در روایت آمده است که رسول خدا پیوسته مردان را از شباهت جستن به زنان و نیز زنان را از شباهت جستن به مردان در لباس نهی می کردند. (2)

1- آئین بهزیستی اسلام: ج4 ص 69
2- وسائل الشیعه ج 5، ص 25.

بدون شک هر یک از زن و مرد به تناسب وظایفشان، ویژگی هاء روحیات و هویت ویژه ای دارند، که در مباحث روان شناسی زن و مرد به آن پرداخته می شود. روشن است که هر یک از آنها در صورتی می توانند به وظایف فردی اجتماعی خود به نحو احسن عمل کنند که هویت جنسی زنانه و مردانه خویش را حفظ نماید، ولی بدون تردید پوشیدن لباس های مختص مردان توسط زنان و پوشیدن لباس های مختص زنان توسط مردان باعث می شود که هر یک از آن دو روحبات و هویت ویژه خود را به تدریج از دست بدهند، به گونه ای که زن دارای احساسات مردانه و مرد نیز بالعکس دارای اخلاق و عواطف زنانه گردد.

معلوم است که این تغییر نقش های فطری و غریزی، نظم حاکم بر نظام آفرینش زن و مرد را دچار اختلال می کند. به همین دلیل زنان و مردان از پوشیدن لباس های مختص یکدیگر منع شده اند.

پوشیدگی زینتها از نامحرم

دین مبین اسلام همواره به گرایش های فطری انسانها پاسخ مثبت داده و آنها را در مسیری تصحیح هدایت نموده است.

یکی از گرایش های فطری انسان ها به ویژه بانوان، گرایش به زینت و خودآرایی است. قرآن مجید و روایات معصومان علیه السلام همواره بر علاقه فطری بانوان به زینت آلات و خودآرایی صحه گذاشته است.در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام آمده است: «سزاوار نیست زنی

خود را بدون زیور کند. پس دست کم گردنبندی به گردن آویزده شایسته نیست دست زن بدون خضاب باشد ولو این که حنایی را مس کند، اگر چه آن زن پیر باشد». (1)

بدون شک استفاده از زیور آلات باید در محدوده خاص خود باشد. نمایش زینت برای افراد نامحرم، پی آمدهای عمیقی مانند تحریک جنسی و افزایش مفاسد اخلاقی را به وجود خواهد آورد. از این رو در آموزه های دینی درباره استفاده زنان از زینت آلات حدو مرزهایی قرار داده شده است که از آن جمله قرآن مجید می فرماید:

{ولا یبدین زینتهن إلا ما ظهر منها ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن ولا یبدین زینتهن}، و زنان زینت خود را جز آن چه قهرا ظاهر می شود، آشکار نسازند و باید سینه و گردن خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند (2)

یکی از حکمت های این دستور قرآنی این است که چون زنان غالبا مظهر جمال و زیبایی و مردان نیز مظهر شیفتگی و دلدادگی هستند از این رو آشکار کردن زینتها توسط بانوان، زمینه تحریک شهوت جنسی را ایجاد می کند و این تحریک، زمینه ساز بسیاری از گناهان در جامعه به شمار می رود

در آیه ای دیگر آمده است: «ولا یضربن بأرجله جلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن؛ آن گونه پای بر زمین نزنید که خلخال و زیور پنهان

1- بوسائل الشیعه ج 20، ص 167
2- سوره نور آیه 31

پاهایشان معلوم شود».[1]

از این آیه شریفه یک قاعده کلی در مورد حجاب و پوشش استفاده می شود و آن این که پوشش و شیوه رفتار بانوان در سطح جامعه، باید به گونه ای باشد که باعث شهوت انگیزی و تحریک غریزه جنسی نگردد.

ص:122

1- همان

فصل دهم: بدحجابی وپیامدهای آن

اشاره

ص:123

علل گسترش بدحجابی

اشاره

علل و عوامل گسترش بدحجابی گاه از ناحیه افراد جامعه است که به دلیل عدم آگاهی از آثار حجاب، یا عدم اعتقاد به حجاب، گرایش به بدحجابی پیدا می کنند و گاه عواملی که در فرهنگ جامعه تأثیر گذاشته و به تعبیری دیگر فرهنگ سازی میکنند، فرهنگ عمومی را به سوی بدحجابی و کاهش حیا در روابط زن و مرد می کشانند. اینک هر دو عامل را مورد بررسی قرار می دهیم.

الف - افراد و آحاد جامعه

1- نا آشنایی با آثار سازنده حجاب

بسیاری از مردم حجاب و رعایت حریم میان زنان و مردان را تنها یک وظیفه ضروری دینی میدانند؛ اما از آثار بسیار عمیق آن در سلامت اخلاقی افراد، سلامت محیط عمومی جامعه و ایجاد امنیت روحی و روانی به خصوص برای زنان، استحکام پیوندهای خانوادگی و علاقه مندی مردان و زنان به کانون خانواده و اطلاعی ندارند. از این رو تبیین آثار ارزشمند حجاب می تواند بسیاری از افراد را با جایگاه واقعی حجاب در سعادت فرد و جامعه آشنا سازد که در این خصوص سنگین ترین وظیفه بر دوش صدا و سیماست.

ص:125

2- ضعف اعتقادی به حجاب

برخی هرچند تا حدودی آثار حجاب را می شناسند؛ اما به دلیل سستی در اعتقاد، آنچه را که می دانند بدان عمل نکرده و ملتزم نیستند. چنانکه در موارد بسیاری انسان از خوب یا بدی اموری آگاه است، اما اعتقاد و علاقه قلبی در او وجود ندارد و بر اساس دانسته هایش عمل نمی کند. در مورد حجاب هم گاه شخص، با آنکه خوبیهای حجاب را میداند و آثار بدحجابی را می شناسد اما رعایت حجاب را موافق خواسته ها و تمایلات زودگذر نفسانی خود نمی بیند و از این رو حاضر نیست با رعایت حجاب از تمتعات و لذتهای زودگذر دنیا چشم بپوشد. به همین علت در عمل، حجاب را رعایت نمی کند.

3- ضعف انگیزه ها و گرایش های دینی

از آنجا که حفظ حجاب و حریم میان زنان و مردان یکی از دستورات مهم دین است، به هر میزان که انگیزه های الهی در این افراد قوی تر باشد حجاب را بیشتر مورد توجه قرار داده و بدان پای بند می شوند. سستی عقاید و گرایشات اسلامی در افراد، سبب می شود که برخی چندان توجه و مراقبتی در امر حجاب به عمل نیاورده و بی اعتنا باشند.

4-بی اطلاعی از روابط میان زن و مرد

ریشه و عامل بسیاری از نابسامانیها در روابط زنان و مردان نامحرم برداشتهای نادرست از این مساله است. به عنوان مثال در آموزه های دینی توصیه شده است که زنان و مردان نامحرم به حداقل ارتباط و گفتگو با یکدیگر اکتفا کنند، از خنده، شوخی و روابط صمیمانه با یکدیگر اجتناب

ورزیده، وقار و سنگینی خود را حفظ کنند، دیده های خود را از یکدیگر فرو گیرنده در مکان خلوت با یکدیگر نباشند، زنان زینتهای خود را در برابر مردان نامحرم آشکار نسازند، مردان نیز از لباسهایی که موجب تهییج و تحریک است اجتناب ورزند. اما برخی از افراد به دلیل آنکه این دستورات را از توصیه های دینی نمی دانند یا از آنها آگاه نیستند التزامی به آنها ندارند.

5-خود باختگی در برابر فرهنگ بیگانه

کسانی که هویت دینی و ملی آنان فاقد استحکام لازم است، همواره از فرهنگ غیر خودی رنگ می گیرند و هر آنچه دستاورد بیگانگان به خصوص غربی ها باشد در نظر آنان زیبا و ارزشمند جلوه می کند. از این رو در پوشش و حجاب و فرهنگ روابط زن و مرد فاقد حریمهای دینی و ملی رایج در جامعه اند و در رفتار و پوشش از آخرین دستاوردهای غرب به سرعت پیروی می کنند

6- تأخیر در ازدواج

از عواملی که در بسیاری از موارد تأثیر به سزایی در روابط ناسالم میان زنان و مردان داشته و زمینه ساز خودآرایی ها و جلوه گری ها می شود عدم اشباع غریزه جنسی در جوانان است. جوان امروز از یک سو، در جای جای جامعه با جنس مخالف در ارتباط است و از سوی دیگر مشکلاتا تحصیلی، شغلی، اقتصادی و از همه مهمتر فرهنگ عمومی، اجازه ازدواج به موقع را نمی دهد. این وضعیت در بسیاری از موارد نتیجه ای جز ناهنجاری در رفتار و پوشش نخواهد داشت.

ب-عوامل فرهنگ ساز جامعه

۱- سیاستهای کلان فرهنگی، اجتماعی

بی گمان از اساسی ترین و بنیادی ترین عوامل در تمامی ابعاد فرهنگی عمومی جامعه، نوع سیاستهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که دست اندرکاران اداره یک جامعه اعمال می کنند. تأثیر این سیاستها به گونه ای است که گاه در مدت کوتاهی بسیاری از خلقیات و آداب و رسوم جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد. مثلا به دلیل سیاستهای دنیا طلبانه و تبلیغ روز افزون زرق و برق و تجملات، مردمی که ساده زیستی را ارزش می دانند، سرگرم جلوه های دنیا شده و در زیاده خواهی بر یکدیگر سبقت می گیرند و به همین گونه است روند تحولات اجتماعی در زمینه حجاب و روابط زن و مرد. از این رو سزاوار است سیاستهای کشور در زمینه های مختلف مورد دقت و کنکاش قرار گرفته و آثار مختلف آن ارزیابی شود.

۲- نهادها و شخصیتهای مؤثر در فرهنگ جامعه

به نظر می رسد عدم برنامه ریزی مشخص و مدون و عدم هماهنگی میان نهادهای فرهنگی، نه تنها حجاب و عفان عمومی را افزایش نداده است، بلکه موجب سیر نزولی این مسأله شده است. با آنکه همایش ها و سمینارهای متعدد در موضوعات مختلف برگزار می شود اما در طی سالهای اخیر کمترین همایش و گردهمایی علمی و فرهنگی را در زمینه گسترش حجاب و سالم سازی روابط اجتماعی زنان و مردان شاهد بوده ایم. علاوه بر این عدم برخورد قاطع و سازنده با پدیده بد حجابی از جمله مسائلی است که به طور جدی باید مورد دقت و بررسی قرار گیرد.

ص:128

۳- تهاجم فرهنگی غرب

غرب با استفاده از تمامی ابزارهای انتقال فرهنگ، می کوشد تا کشورهای اسلامی به ویژه جمهوری اسلامی را تحت پوشش فرهنگ خویش قرار داده و ملتهای مسلمان را استحاله فرهنگی نماید. در رأس این تلاش، ترویج روابط آزاد زن و مرد و حذف حجاب در بین مسلمانان قرار

دارد.

ارسال انواع فیلم، عکس، نوارهای صوتی و نشریات مبتذل و خلاف عفت، گسترش شبکه های ماهوارهای ارسال اطلاعات رایانه ای از سکس و فحشا به سراسر جهان، ترویج گروههای منحرفی - همچون رپ، هوی متال - ارائه مستمر مدلهای مختلف پوششهای غربی و ... همگی در راستای سیاست تهاجم فرهنگی غرب قرار دارند.

4-رسانه های جمعیی

از عوامل بسیار مهم در بهبود وضعیت فرهنگی جامعه به ویژه حجاب و حیای عمومی، رسانه های جمعی همچون سینما، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، کتابها و ... می باشند و از میان این رسانه ها سهم رادیو و تلویزیون و سینما از جهت کم، بسیار بیشتر است. امروزه بخش وسیعی از افراد جامعه به خصوص کودکان، نوجوانان و جوانان، همه روزه ساعاتی از وقت خود را به تماشای تلویزیون و یا گوش دادن به رادیو اختصاص می دهند.

متأسفانه بسیاری از شخصیتهای مثبت و اصلی فیلمهای سینمایی کشور چهره های بدحجاب و نامناسب اند و با توجه به جمعیت کثیر

ص:129

بینندگان فیلمهای سینمایی، این فیلمها نقش بسیار ویرانگری در ترویج بدحجابی خواهد داشت

رادیو و به خصوص تلویزیون نیز هر چند حاوی برنامه هایی هستند که گاه به ترویج و تقویت حجاب و حفظ حریمهای شرعی می پردازند؛ اما برخی از برنامه ها خواسته یا ناخواسته سیب تضعیف حجاب و عفاف در جامعه می گردند. به عنوان مثال در برخی از برنامه های رادیویی، زنان و مردان به ویژه جوانان با خنده ها و شوخی های فراوان، روابط میان دختران و پسران نامحرم را عادی جلوه می دهند، و نیز در بعضی دیگر از برنامه های رادیویی و تلویزیونی با آنکه به راحتی امکان استفاده از افراد هم جنس وجود دارد زنان و مردان جوان در کنار یکدیگر قرار می گیرند.

فیلمها و سریالها که خود داستانی دیگر دارند. متأسفانه حجم وسیع فیلمهای خارجی و نمایش چهره های بدون حجاب و گاه پر از آرایش زنان و نمایش اندامهای عریان مردان، تأثیر نامناسب خود را بر فرهنگ عمومی جامعه گذاشته است.

5 - شیوه های نادرست در برخورد با بدحجابی

درست است که مردم می بایست از بی حجابی و بدحجابی تنفر داشته و بی تفاوت نباشند؛ اما این به معنی برخورد بی ضابطه و خارج از چارچوب قوانین نظام اسلامی نیست. باید در برابر پدیده بدحجابی واکنش حساب شده و منطقی در پیش گرفته و بر اساس چارچوبهای مدون قانونی عمل نمود. لازم است، بکوشیم تا همگان را با برخورد نیکو و بیان مستدل به حجاب و پوشش اسلامی علاقه مند سازیم، البته در برابر

کسانی که با عناد و کینه، سعی در گسترش ابتذال و بدحجابی دارند می بایست تحت اشراف نهادهای قانونی ایستادگی کرد.

نقش بدحجابی در تخریب افکار و اندیشه ها

اشاره

برای به دست آوردن علم و دانش و پرورش استعدادهای فطری، که لازمه رسیدن به کمالات و فضائل والای انسانی است، به تمرکز فکر، آرامش خاطر، شوق و اشتیاق نیاز است؛ مواجهه جوانان و نوجوانان با صحنه های هوس انگیز بانوان بدحجاب، یکی از عوامل بسیار مهم کاهش یا زوال این امور می باشد که آسیب ها و مشکلات بزرگی را برای آنان و خانواده هایشان و در نتیجه برای جامعه ایجاد می کند که به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

الف) سرکوب شدن استعدادهای علمی

غریزه جنسی که نیرومند ترین غریزه آدمی است، با جلوه گری های زنانه شعله ور گشته، تمرکز و آرامش آنها را از بین می برد و قوه تخیل و توهم، به جای عقل به فعالیت پرداخته و مناظر شهوت انگیز زنان را در ذهن خود تصویر می کنند؛ در نتیجه توانایی ها و قابلیت های فکری آنان هدر رفته و توان ذهنی و عقلی آنها کاسته می شود و چه بسا منجر به سلب شوق علمی آنها می گردد که پایین آمدن سطح کیفیت تحصیل از جمله نتایج آن است.

بنابراین، خودآرایی و بدحجابی مانع رشد و تکامل استعدادهای جوانان و حتی خود زنانی می شود که عفاف و حجاب را رعایت نمی کنند واشتیاق آنان را در تحصیل علوم و پیشرفت ها و خلاقیت های فکری و نیز

ص:131

خودشناسی و کسب معارف اسلامی و دینی برای وصول به کمالات و مقام والای انسانیت، زایل می گرداند و میزان تعهدی و دین داری آنان را تا مرتبه ناچیز فرو می کاهد؛ همانگونه که امیرمؤمنان علی نیز می فرماید: «لا تجتمع الشهوه والحکمه؛ تبعیت از شهوت نفسانی با علم و حکمت جمع نمی شوند» (1) «الجاهل عبد شهوته؛ نادان بنده شهوت خویش است». (2)

ب)افزایش انحراف های جنسی

تصور و تخیل منظره های هوس انگیز زنانه، که ریشه در خودنمایی عده ای از زنان کم عقت دارد، در صورت استمرار، پرده بر عقل عاقبت اندیش انداخته و خاطرات شیطانی در صحنه نفس راه پیدا می کند و عنان اختیار را از کف ربوده و جوانان را از یاد مبدأ و معاد و عظمت خویشتن غافل نموده و به گناه و شهوات نامشروع و در نتیجه عواقب دردناک می کشاند که زنان بی پروا نیز قربانی این مهلکه خواهند بود و حتی بیشترین آسیب متوجه آنها می شود؛ چنان که حضرت علی فرموده است: «من کثر فکره فی المعاصی دعته الیها؟ هر کس درباره گناهان زیاد بیندیشد به سوی آنها کشیده می شود.(3)

بدیهی است زنان بدحجاب و بی بند و بار، جامعه را به سوی انحرافات جنسی سوق می دهند.

ج) انحراف استعدادها

جامعه ای که به وسیله بدحجابی ملتهب شده، استعداد والای انسانی،

1- غرر الحکم، ج 2، ص348
2- همان، ج 1، ص 28.
3- همان: ص 199

نه تنها از شناخت حقیقت و رسیدن به کمالات علمی محروم میگردد بلکه در مسیر جست و جوی امور ضد اخلاقی و انحرافی؛ هم چون استعمال مواد مخدر، تماشای تصاویر و فیلم های مستهجن و شنیدن صداها و آهنگهای مبتذل و... که ارمغان غرب و غرب زدگان و منحرفان است، به کار می افتد و نتیجه ای جز ایجاد غفلت و سوء اخلاق و محرومیت از انسانیت نخواهد داشت.

د) گرایش به تقلیدهای کورکورانه

هنگامی که آدمی در اثر پیروی از هوا و هوس ناشی از بدحجابی و.. از تحصیل علم و معرفت محروم می گردد، ناگزیر استقلال فکری خود را از دست داده و دست به دامان تقلیدهای غیر معقول و پندارهای بی اساس دراز میکند و در حقیقت ذهن او را حس و چشم و گوش، تغذیه و اداره می کند نه براهین عقلی و شرعی.

تقلید و چشم و هم چشمی که نشانه خودباختگی، عامل عقب افتادگی و از علائم شخصیت بیمار است، باعث میگردد که فرد مقلد گرفتار وسوسه ها و دسیسه ها و سیاست بازی های شیاطین و ابزار دست دیگران قرار گرفته و در زندگی بر اساس خودخواهی ها و خودکامگی های خود و دیگران، رفتار کند؛ همچنان که خود آرایی و بد حجابی نیز از جلوه های بارز و رفتارهای تقلیدی کورکورانه است.

اگر زنان مسلمان به ویژه جوانان، پیرامون اندیشه والای اسلام درباره شخصیت زن و مسائل مربوط به آن مخصوصا حجاب و فلسفه و فواید آن تحقیق می کردند و با نظرات تربیتی اسلام آشنا می شدند و یا دست کم در

برابر مدعیان آزادی بی بندوباری و مبلغان بی حجابی و خودنمایی، خواستار دلیل درست و منطقی می شدند، آنگونه که قرآن دستور داده است، (1) هیچگاه مرزهای فکری و روحی را به روی دسیسه های بیگانگان باز نکرده و سخنان شیطانی آنها و پیروی از هوس را بر حکم مستدل و حکیمانه خداوند، مبنی بر وجوب پوشش کامل و حجاب عفیفانه زن مسلمان، ترجیح نمی دادند و با رفتارهای خلاف عفت و حیاء در جامعه فساد نکرده و به دین و انسانیت خود و دیگران ضربه نمی زدند و از این طریق از دشمنان واقعی خود و اسلام جانب داری نمی کردند و به توصیه های قرآن و سنت، مبنی بر پرهیز از دوستی های قلبی با عملی با کسانی که دین الهی را به استهزا و بازی گرفتند جامه عمل می پوشاندند.

به راستی کسانی که در جست و جوی حقیقت هستند کافی است در این سخن معبود خویش، اندکی تأمل و تفکر کنند که می فرماید: «تنها خداوند به حق و حقیقت و سعادت هدایت می کند، آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای هدایت شایسته تر است یا آن کسی که خود، هدایت نمی یابد - و هم چنین رهنمون به حق نمیکند . مگر آن که هدایتش کنند؟» (2)بانوان مسلمان باید بدانند که چه بسیار زنان بی حجاب و بد حجاب در دنیا فساد به بار آوردند، اما عاقبت مردند و در عالم برزخ و قبر دچار مکافات اعمال ناشایست خود شدند و در دادگاه قیامت تیز باید

1- سوره بقره آیه 111
2- سوره یونس: آیه 10

جوابگوی هتک حرمت و زیر پا نهادن حکم حجاب اسلامی و گمراه ساختن دیگران در منجلاب فساد و انحراف باشند. آنان در دنیا، سرمایه وجودی خود را باختند و به ناچار در سرای آخرت از زیانکاران خواهنده بود، دیگران نیز مرگ به سراغشان خواهد آمد و به سوی خدایی که دانای نهان و آشکار است باز می گردند و به آنچه عمل می کردند آگاه می شوند.

ه) تزلزل مقام زن

عشق و علاقه راستین میان زن و شوهر و تحقق مقام محبوبیت برای زن در گرو انسانیت و فضایل اخلاقی حاصل از آگاهی دینی و ایمان به خداست، اما وقتی بدحجابی در جامعه گسترش یافت و چشم ها از مناظر , شهوت انگیز و جنسی پر شده پایه های عشق و محبت که همان فضایل

اخلاقی است، متزلزل کشته و مقام معشوق و محبوب بودن آن از بین می رود و توجه زن و مرد به یکدیگر صرفا در دایره امور شهوانی محدود خواهد شد و این بزرگترین آسیب به شخصیت و روحیه زن در نظام خانواده است.

ضمن اینکه چنین زن و مردی از اساسی ترین نیاز زندگی مشترک، که همان درک و شناخت هم دیگر و نیازهای اصیل همسر است، محروم میباشند؛ زیرا کسی که ارزش و عظمت خود را نشناخته باشد، نمی تواند دیگران از جمله همسر خویش را بشناسد. بدیهی است خویشتن شناسی و همسر شناسی زیربنای محبت و عشق در نظام خانواده است، که جز در سایه دین و ایمان تحقق نمی یابد.

نکته بسیار مهم و در خور توجه آن است که این آسیب ها و خطرهای

مزبور نه تنها جامعه را تهدید می کند، بلکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم گریبان خود این بانوان و زنان دیگر را می گیرد و زندگی را در کام آنها تلخ می سازد، چرا که پدر، برادر، همسر و فرزندان آنها نیز در چنین جامعه ای زندگی می کنند و روزی در این بلاها و دامهای تنیده شده گرفتار می شوند.

بنابراین چنین زنانی باید مشکلات و ناملایمات زیادی را به جان خویش بخرند؛ چرا که خود زمینه بی ارزشی و کالا شدن خویش را فراهم نموده اند و در این صورت هیچ تضمینی برای استمرار زندگی زناشویی آنها وجود ندارد. در جامعه بی بند و بار و بدحجاب، هر لحظه ممکن است یک مرد، زن دیگری را ببیند و بپسندد و با او که کالای تازه و جدیدی به نظر می رسد بنای زندگی و دوستی را بگذارد.

به طور کلی می توان گفت: بد حجابی در جامعه دو مشکل بزرگ و اساسی را دامن می زند اول اینکه: سبب از هم گسیختگی کانون خانواده ها و عدم التزام زن و شوهر به پیوند زناشویی می گردد و دوم آنکه: سبب هرزگی مردان و زنان و تشکیل نشدن کانونهای گرم خانواده و شانه خالی کردن جوانان از امر مقدس ازدواج می شود.

نقش بد حجابی در تخریب ابعاد شخصیتی زن

توانایی ها، مکانیسم و ابزارهای زن برای نفوذ در قلب همسر بی شمارند، البته مشروط بر آنکه از این امور - که به حق بر اساس حکمت و تدبیر الهی در نهاد زن به ودیعت نهاده شده به درستی و در جهت اهداف عالی انسانی استفاده شود.

اما در صورتی که در اثر کم توجهی یا بی مبالاتی زن، این توانایی هاو

ساز کارها در معرض تهدید قرار گیرد و با کمرنگ شود، نتایجی که به دست می آید نه تنها به سود زن نخواهد بود، بلکه او را به سمت انحطاط و شکست خواهد کشاند که در این جا به توضیح و تحلیل این امر مهم پرداخته می شود.

بدحجابی، آسارت مدرن

آزاداندیشی و روشن بینی، در پرتو تقوا و عقل سلیم به دست می آید؛ بر این اساس زنی که اسیر لا قیدی یا بدحجابی می شود و با بی اعتنایی با دهن کجی به دستورات حجاب و پوشش، ارزش های وجودی خود را در جاذبه های ظاهری خلاصه نموده و از ارزش های انسانی خود غافل می شود و پرده های هوا و هوس جلوی دیدگان حق ین و آینده نگر او را گرفته و مانع آزاداندیشی او می گردد. معیارهایش در انتخاب همسر معمولا مادی و ظاهری است و نسبت به ملاک های اصیل و ارزشی غافل بوده و یا توجه لازم و کافی به آنها ندارد، لذا در گزینش و انتخاب یک مرد، به عنوان شریک زندگی خود به خطا رفته و در نتیجه در زندگی شکست می خورد.

افزون بر این، چنین زنانی از شخصیت فکری و اخلاقی سالم برخوردار نیستند، تا عاشق و دل داده واقعی داشته باشند، اینان یا از نظر عقل و اندیشه درباره حجاب و پوشش اسلامی فکر و عقیده نادرستی دارند و فریب شبهات و تبلیغات زهرآگین ضد حجاب اسلامی را خورده اند؛ و بدون اینکه دریابند در بند مدها و مدلهای غربی و آموزه های غلط غیر اسلامی کرفتار می شوند و با تأمل بیشتر می فهمیم که زنان بدحجاب ناخواسته و رایگان مؤثرترین مبلغان فرهنگ ابتذال و

ص:137

بی بند و باری در جامعه می باشند.

بر این اساس چنین زنهایی از به دست آوردن عاشق واقعی، به عنوان همسر دلسوز و وفادار محرومند؛ چرا که عاشق راستین کسی است که عشق او بر پایه زیبایی باطنی زن، به ویژه حیا، عفت، وقار و پوشش اسلامی و دینی باشد، هر چند زیبایی ظاهر هم مورد توجه قرار بگیرد؛ همان گونه که در اسلام نیز به آن توجه شده است.

جوان با تقوا و عفیف حتی کسانی که در ایمان و عفاف ضعیف بوده و از جاده مستقیم به بیراهه رفته اند، بر اساس فطرت الهی و الهام درونی خویش از امور منافی عفت و حیا متنفرند و خواستار ازدواج با دختران پاک دامن می باشند. ویل دورانت مورخ و فیلسوف غرب - می گوید: ازنان بی شرم و حیا، جز در موارد زودگذر، برای مردان جذاب نیستند. مردان جوان به دنبال چشمان پر از حیا می باشند و بدون آنکه بدانند حس می کنند که این خودداری ظریفانه - عفت و حیا - از یک لطف و رقت عالی خبر

می دهد.(1)

بدحجابی و تخریب عواطف انسانی

قلب کاتون عواطف، احساسات و انفالات أست؛ عاطفه از قلبی بر می خیزد و بر قلب دیگر می نشیند و آن را تحت تأثیر قرار می دهد. میزان محبت و عاطفه هر فردی به اندازه سلامت روانی، عاطفی و طهارت روحی و قلبی او بستگی دارد؛ همانگونه که میزان انفعال و تأثیرپذیری

1- للذات فلسفه ص 168

افراد در برابر عواطف و محبت های خالصانه و اندرزها و موعظه های دیگران نیز این چنین است.

دل هر چه از صفات ناپسند و زنگار گناه دور و پاک باشد لطافت، طراوت و نرمی آن بیشتر خواهد بود؛ بیشتر تحت تأثیر اندرزها و گفتارهای حق و مهر و محبت ها و امور عاطفی قرار می گیرد؛ به همین دلیل قلب مردان الهی منبع محبت زیاد و عواطف سرشار است؛ از یک سو به همسران خود محبت و علاقه فراوان دارند و در نتیجه در هدایت و کمک و یاری به آنها از هیچ کوششی دریغ نمی کنند و از سوی دیگر در برابر امور عاطفی آنان سخت تحت تأثیر قرار میگیرند.

جلوه گری و بدحجابی زنان در جامعه که نشانه کم کردن هدف والای حیات است به مردان را هم از هدف آفرینش و زندگی غافل نموده و در مادیات، شهوات و اخلاق و صفات فاسد و آلوده غرق می کند، که باعث بیماری و تاریکی قلب و سخت و خشن شدن دل می شود و روشن است که انسان بیمار دل در برابر عواطف زنان، کمتر تحت تأثیر قرار می گیرد و چه بسا هیچ عاطفه ای را بر نمی تابد و چه بسا آن را به مثابه فریب و حیله تلقی نموده و بر آن واکنش منفی نشان میدهد.

آن چه برای انسان ناآگاه و شهوت طلب اهمیت دارد، خودخواهی و هوس اوست؛ خودمحوری و حرکت در چهارچوب خواسته های شهوانی و حیوانی، مجال جست و جو درباره شخصیت انسانی همسر را به او نمی دهد، تا سپاسگزار و پاسخگوی عواطف و مهرورزی همسر خویش باشد. او خود را می بیند و بس، مگر آن که در نهان خانه دلش هنوز ردپایی

از مهر و محبت مانده باشد

بر همین اساس است که مردان کم غیرت که ناموسشان را به اعم از همسر و دختر در برابر نامحرمان و چشمان معصوم نوجوانان و جوانان به نمایش می گذارند، و از این امر احساس رضایت و سربلندی می کنند که مثلا دختر و همسرشان زیبا و جذاب است و هیچ نگرانی و ناراحتی در این امر ندارند که ممکن است این وضع همسر و دختران آنها، جوانان زیادی را به فساد و نابودی بکشاند و در ورطه ملاکت قرار دهد چرا که فاقد احساسات و عواطف دینی و انسانی می باشند.

از سوی دیگر استفاده بهتر از توانایی ها و استعداد های زن، به ویژه از چشمه جوشان عواطف و محبت های او در صورت وجود زمینه مساعد و عوامل محرک ممکن و شدنی است. مهمترین گام در این راستا، حفظ سلامت روانی و عاطفی زن می باشد که در سایه عنایت به شخصیت انسانی و حفظ حرمت او، برخوردهای شایسته توأم با محبت و صداقت و برآوردن نیازها و خواسته های معقول وی تحقق می یابد.

روشن است جامعه ای که مردان آن با دیدن صحنه های تحریک آمیز زنان، به سمت لذت های شهوانی و مادیات و خودخواهی کشانده شوند و روح ملکوتی خود را فراموش نمایند و نسبت به شخصیت انسانی خود محبت نداشته باشند، نمی توانند حافظ و نگهبان حرمت و سلامت روانی و عاطفی همسران خویش باشند و در نتیجه، این چشمه های جوشان محبت به مرور از میان رفته و زنان در بعد عاطفی و محبت خلع سلاح می شوند؛ به همین جهت است که در دنیای غرب، تور محبت و عاطفه کم فروغ دیا

خاموش گشته است.

به علاوه زنان آسیب زا نیز در اثر فراموشی هویت ارزشمند خویش و ارتکاب گناهان بزرگی که ناشی از هتک حریم پوشش اسلامی و بروز فجایع و انحرافات است، طهارت روحی و سلامت و بهداشت روانی و عاطفی خود را از دست می دهند. یکی از نشانه های آن، بی تفاوتی آنان در برابر واژگون شدن ارزش ها، از هم پاشیدن خانواده های انحرافات و اعتیاد جوانان و نوجوانان و سایر پی آمدهای بی حجابی و بدحجابی و به طور کلی استوار ساختن لذایذ کاذب خود بر آلام دیگران است. چه این که بی توجهی آنان به دستورهای الهی درباره ضرورت حجاب عفیفانه و شؤون اخلاقی در برابر نامحرمان و بی اعتنایی به اندرزها و پندهای خیرخواهانه، نشانه بی تفاوتی به ارزشها و گوهر آسمانی نفس می باشد.

خلاصه آن که ایمان و عفاف، باعث گسترش عاطفه و محبت و دگر دوستی می گردد و بی ایمانی ، بی بندوباری و شهوت طلبی موجب خمودی، سستی عاطفه و خودخواهی است؛ زیرا مبانی دینی و احکام اسلامی که ضامن پرورش عواطف انسانی و انسان دوستی بالاخص درباره همسر و فرزندان است در اثر لا تبدی، بدحجابی، دوستی ها و روابط غیر مشروع دختران و پسران و امثال اینها به فراموشی سپرده می شود که نتیجه ای جز سست شدن ایمان، عاطفه، نوع دوستی و خیرخواهی در جامعه و خانواده ندارد.

افزون بر اینها، نشان دادن جاذبه های زنانه - به جای زیبایی های معنوی - در برابر دیدگان مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان، موجب رواج

ص:141

روابط به ظاهر دوستانه مردان و زنان جوان شده و مردان با این شیوه کاذب، نیازهای عاطفی خویش را تأمین می کنند و از محبت و عاطفه همسران - فعلی یا آینده به خود احساس بی نیازی می کنند و بدین ترتیب زنان لاقید و بدحجاب، قوت تأثیر ابزار عاطفه را در تحکیم شخصیت و افزایش محبوبیت خویش از جهات گوناگون نزد همسران از دست می دهند.

بدحجابی یا خلع زیبایی ها و ارزشهای زن

زنانی که حریم ارزشمند خود را پاس ندارند و با خودآرایی و نشان دادن زیور و جاذبه های خود در برابر نامحرمان حاضر شوند، طبیعتا مردان عادی به دنبال آنها خواهند بود، در نتیجه خودآرایی و زیباسازی زن در خانه را تحت الشعاع خود قرار داده و جاذبه آن را در نظر شوهرش از بین می برد، به خصوص این که با گذشت زمان و هم نشینی زن و شوهر در کنار یکدیگر، جذابیت تزئین و آرایش زن در نزد مرد طبیعت کاهش پیدا می کند.

بنابراین زنانی که با فروش رایگان زیبایی ها و جاذبه های خدادادی نظر مردان نامحرم جامعه را به خود جلب می سازند، در واقع مشغول خلع سلاح خود و هم نوعان خویش می باشند، که نتیجه آن تخریب یا تضعیف حرمت آنان است، مگر زنان عفیف و محجبه که از نعمت شوهر عفیف و با تقوا برخوردار باشند.

در مقابل، جامعه ای که از زینت معفاف و حیا و پوشش کامل زنان و

ص:142

غیرت مردان برخوردار باشد و نمایش جاذبه های زنان محدود به خانه و همسر باشد، از یک سو ارزش و منزلت و موقعیت زنان در نظر مردان فوق العاده بالا می رود و از سوی دیگر قدرت، میل و حرص مردان به جاذبه ها و زیبایی های زنان عفیف خود افزایش می یابد. مردان از آنجا که در خارج خانه به زنان دسترسی ندارند، طبیعت به همسران خویش و جاذبه های آنان جذب می شوند که همین امر سبب گران بها شدن آنها، تداوم داشتن محبوبیت آنان و استحکام خانواده خواهد بود و به قول ویل دورانت:

آنچه بجوییم و نیابیم عزیز و گرانبها می گردد، زیبایی یک شیم - چنان که خواهیم دید . بستگی به قدرت میل به آن شیء دارد، میلی که با ارضا و اقناع ضعیف می شود، با منع و جلوگیری قوی می گردد».(1)

بی بندوباری، مانع زیبایی

توجه به این قانون کلی و طبیعی لازم است که هر عمل و حرکتی برخلاف طبیعت و فطرت و ساختار وجودی انسان باشد ضربه ای است بر جسم و روح انسان؛ یعنی در نظام هستی، هر چیزی دارای قوانین خاص خود است، از بزرگترین پدیده های جهان تا کوچک ترین آنها و حتی موجودات مجرد و غیر مادی از قوانین خاصی برخوردارند. روح ملکوتی انسان نیز دارای ویژگی ها و قوانین و اساس نامه ای است که هیچ کس اطلاع کامل به آنها ندارد، جز خالق انسان و پیشوایان دین علیه السلام که متصل به علم بی نهایت اویند.

1- لذات فلسفه:ص130.

لذا تنها مکتبی که همه تعلیمات و دستورهایش مطابق با قوانین و اساس نامه روح انسان می باشد، مکتب الهی اسلام است؛ به همین جهت عمل به آنها باعث شکوفایی استعدادهای اصیل و توانایی های بالقوه آدمی است و مخالفت با آنها مبارزه با ساختار وجودی خود و ضوابط مربوط به روح آدمی است که نتیجه ای جز ضربه های سنگین و چه بسا غیر قابل جبران بر شخصیت خویش ندارد و با توجه به قانون «الجسم والروح یتعاکسان»؛ که جسم و روح در همدیگر تأثیر می گذارند، هر عمل خوب یا بد نه تنها در روح انسان تأثیر دارد، بلکه در جسم هم از طریق روح - اثر می گذارد. در نتیجه جسم سالم در پرتو روح سالم است و بالعکس. بهداشت روح و جسم مستلزم توجه کامل به قوانین خویشتن است.

بر این اساس اولاً: بی پروایی و خودنمایی زن، که از بزرگ ترین گناهان کبیره است، آسیب و جنایتی است بزرگ بر روح و فطرت الهی خود زن و در نتیجه تأثیر آن بر بدن و صورت او و از دست رفتن تدریجی جمال و زیبایی آن، چرا که فطرت زن طالب عفت و حیا، و قانون روح أو خداپرستی و اطاعت از فرمان های اوست نه شهوت پرستی و اطاعت از هوی و هوس؛ چنان که رعایت عفاف و حجاب باعث استحکام و افزایش زیبایی زن می شود، چون رعایت عفت و حجاب حرکتی است در مجرای قوانین روح و به تبع آن، قوانین جسم؛ لذا حضرت علی فرمودند: «زکاه الجمال العناف؛ زکات زیبایی عفت است»(1)

زکات در لغت به معنای رشد و نمو است. بنابراین مضمون حدیث

ص:144

1- غرر الحکم، ج 1، ص384.

این است که رعایت عفت و حجاب باعث رشد و بالندگی استعدادهای روح و افزایش زیبایی چهره و اندام است. علاوه بر این که روح زیبا، سازنده بدن زیباست

ثانیاً: غالب زنان بدحجاب در اثر پیدایش عیب و نقص در بدن و صورت خود، دچار ناراحتی شدید و عقده حقارت می گردند و گاه تبدیل به یک بحران بزرگی در زندگی شان می شود که اثر منفی آن در کاهش زیبایی آنها نقش اساسی دارد.

ثالثا: بدحجابی از جلوه های روشن فقدان یا ضعف عفت است و زیبایی چهره بدون تقوا و عفت جاذبه ای نخواهد داشت، مگر برای شهوت پرستان.

رابعاً: جامعه ای که زنان در آن، جمال و زیبایی های خود را در معرض تماشای عموم قرار می دهند، چشمان ناپاک مردانی که از تقوا برخوردار نیستند، به طرف آنها متوجه و خیره شده و نسبت به جمال همسران خویش بی توجه خواهند شد و یا لااقل جاذبه آنان تقلیل می یابد. روشن است که همسران زنان خودنما نیز از این قاعده مستثنا نیستند.

نتیجه این که: زنان مزبور از چند جهت از سلاح جاذبه زیبایی ظاهری - ولو به تدریج و مرور زمان - خلع شده و محبوبیت خویش را نزد همسرانشان از دست می دهند و یا به شدت تقلیل می یابد.

جامعه پذیری

جامعه پذیری جریانی است که از طریق آن ارزشها، هنجارها و به طور کلی فرهنگ جامعه در ساختار شخصیت افراد، درونی شده و فرد به گونه ای خود انگیخته ایده ها و رفتارهای خود را در چارچوب قالبها و اشکال مصوب اجتماعی عینیت می بخشد. حجاب و مطلوبیت آن نیز باید همچون دیگر الگوهای مورد نظر فرهنگ دینی از طریق این فرایند به افراد القا شود و آنها را در التزام به رعایت آن در سنین مقتضی تحریق نمایند و وجدان جمعی را در خصوص تشویق افراد مطیع و تنبیه افراد خاطی، حساس سازند. مجموع دو جریان تعلیمی و کنترلی فوق می تواند جریان یافتن یک ارزش فرهنگی و نیز بقای آن را از طریق عمل به آن تضمین کند. عوامل و کارگزاران متعددی رسالته هدایت این جریان را دارند که به مهمترین آنها اشاره میشود:

خانواده خانواده نخستین و مهمترین حلقه از زنجیره فرایند جامعه پذیری است که بنیائی ترین نقش را در جریان تربیت و شکل دهی به شخصیت فرزندان بر عهده دارد. والدین به عنوان نمایندگان

جامعه وظیفه دارند فرزندان خود را مطابق ارزشهای مصوبه و بر طبق الگوهای مقبول اجتماعی تربیت کرده و جهت ایفای نقشهای مهم در جامعه بپرورانند. آثار تربیتی این محیط به قدری عمیق و راسخ است که برخی رسوبات آن تا پایان عمر در ردیف عناصر اصلی شخصیت فرد همچنان فعال و پویا باقی می ماند و سایر عناصر دریافتی را تحت الشعاع قرار داده و در همسویی با خود جرح و تعدیل می نماید. در خصوص الگوی حنجناب، و التزام عملی به رعایت آن نیز مسؤولیت مهمی متوجه خانواده و خصوصا مادر است. مادر در این حیله نیز همچون سایر عرصه های تربیتی وظیفه و رسالت سنگینی به دوش دارد و به عنوان اولین و اصلی ترین آموزگار کودک، در پی ریزی این تقید حرف اول را می زند. انتظار به حق جامعه از این نهاد این است که در این خصوص نیز در راستای ایجاد همسویی کامل با ارزشهای حاکم بر نظام اجتماعی اقدام نمایند و فرزندان خویش را بر اساس تقید به این الگوی اصیل دینی پرورش دهند.

بدیهی است این نقش و تأثیر آن هنگامی به طور کامل محقق خواهد شد که سایر نهادهای اجتماعی نیز در این خصوص با خانواده همگام شوند و این فرایند تربیتی را تا تثبیت کامل استمرار بخشنده و سیستم های نظارتی جامعه نیز موظفند در ابقای این الگو و رفع عوامل مزاحم آن خصوصا عوامل فرهنگی و تبلیغات بدی که در جهت تخریب یا تضعیف نقش و اهمیت آن جریان می یابد با تمام توان مقابله کنند و تنها در پرتو این هماهنگی است که فرد و جامعه می توانند از ثمرات نیکوی این تکلیف حیات بخش برخوردار شوند.

مدرسه: دومین حلقه از حلقه های فرایند جامعه پذیری مدرسه است. مدرسه اولین محیطی است که فرد در آن روابط سازمان یافته را تجربه می کند و از این منظر با پیچیدگی های نظام اجتماعی تا

حدودی آشنا می شود. محیط مدرسه نیز به خاطر وجود ارتباطات عاطفی چهره به چهره میان اعضای همسال و موقعیت مناسب سنی جهت الگوگیری تأثیر عمیقی در شکل دهی به شخصیت افراد از خود به جای می گذارد. اگر چه مدت حضور کودک در مدرسه به مراتب کمتر از مدت حضور او در خانه است اما اثرات تربیتی این محیط پسی گسترده تر از محیط خانواده است؛ زیرا جریان جامعه پذیری در خانواده عمدت یکسویه و در محیط مدرسه تا حد زیادی دو سویه و تقابلی است. بدیهی است دستیابی به آثار مثبت هر دو محیط تنها هنگامی میسر خواهد بود که هماهنگی کاملی میان این دو نهاد برقرار باشد و هر یک در تکمیل فرایند طی شده توسط دیگری گام بردارد و کار خود را به عنوان مقطعی از یک جریان مستمر تلقی کند.

وسایل ارتباط جمعی

رادیو، تلویزیون و مطبوعات نیز امروزه نقش بسیار مهمی در تربیت اجتماعی و جامعه پذیری افراد ایفا می کنند. بعد از مدرسه یا به طور کلی محیط های آموزشی و شغلی افراد که به اجبار ساعاتی از وقت آنها را به خود اختصاص می دهد، بقیه اوقات فراغت افراد از طریق رسانه های جمعی خصوصأ رادیو و تلویزیون پوشش داده می شود.

سیاست یک دست سازی فرهنگی و جریان دهی خرده

ص:151

فرهنگ های فعالی یک جامعه، به بسترهای خاص و زمینه سازی برای شکل گیری حاکمیت یک واحد استاندارد تحت عنوان فرهنگ ملی عمدتا از مجرای همین رسانه اعمال می شود و در تأثیر گذاری عمیق آن از تأثیرات مثبت یا منفی کمترین تردیدی وجود ندارد.

وجود هماهنگی و محوریت اهداف مشترکه میان حلقه های گوناگون فرایند جامعه پذیری اعم از خانواده، مدرسه، محیط اجتماعی و رسانه های جمعی می تواند جامعه را در جهت گیری به سوی یک فرهنگ واحد مطلوب و تثبیت ارزشها و الگوهای مورد نظر آن رهنمون گردد، البته در این میان باز هم تأثیرات بنیادی، منحصربه رسانه های جمعی است. زیرا دست اندرکاران امور فرهنگی تربیتی در همه کانونهای فرهنگی جامعه در معرض آموزشهای این رسانه اند و کار آنها تنها هنگامی می تواند مثمر ثمر باشد که در جهت مقابل این رسانه ها عمل نکند.

در خصوص حجاب نیز به عنوان الگوی مطلوب پوشش زنان و به عنوان یکی از تجلیات عینی فرهنگ اسلامی، هماهنگی میان نهادهای دست اندرکار امور فرهنگی و تربیتی، شرط لازم جهت دست یابی به این مهم است. وجود تلقی های گوناگون و تفسیرهای ناهمگون از یک ارزش، همواره مانع بزرگی در راه تثبیت و ایجاد التزام عملی به رعایت آن می باشد.

کارگزاران فرهنگی جامعه موظفند با استخراج الگوهای مطلوب یک فرهنگ از جمله حجاب و تنظیم آن در چارچوب برنامه های منسجم جهت اجرا در بخش های مختلف نظام اجتماعی، القاء

آگاهی های لازم به افراد جامعه، فعال کردن سیستم های رسمی و غیر رسمی، نظارت اجتماعی و تشویق افراد به التزام عملی و در مقابل، تنبیه متخلفین و به طور کلی ایجاد تسهیلات لازم جهت درونریزی آنها در ساختار روانی افراد و جنبه فرهنگی جامعه و در نتیجه حساس کردن وجدان جمعی در رعایت و پاسداری از آنها، گامهای جدی تری بردارند و الگوی اصیلی همچون حجاب را به خاطر نقش محوری آن در سعادت فرد و جامعه به عنوان ثانوی طبیعت افراد در شخصیت آنان تعبیه نمایند.

سیستم نظارتی امر به معروف و نهی از منکر

آداب و سنن و قوانین مصوب علاوه بر رعایت و تناسب آنها با شاکله فرهنگی یک جامعه و کارآیی عملی آنها در پیشبرد اهداف مورد نظر و ایجاد نظم اجتماعی، در مرحله اجرا به یک سیستم نظارتی ویژه با همگانی محتاج اند. روشن است که آداب و سنن و قوانین اجتماعی هر قدر مطلوبه و به فراخور حال و نیاز و با رعایت جمیع جوانب مورد نظر، طرح و تدوین شده باشد و به صورت مدون یا غیر مدون در راستای الگودهی و نظم بخشی به عرصه های گوناگون رفتاری طراحی شده یا همواره برای پوشش دهی به حیطه های جدید مورد نظر ایجاد گردد، در صورتی اهداف مطلوب از آنها عینیت می یابد که از طریق سیستم های نظارتی فعال اجتماعی، ضمانت اجرای کافی برای ظهور آنها در عمل فراهم آید.

سیستم های نظارتی در یک تقسیم کلی به دو بخش رسمی که

حافظ قوانین خاص مصوب از سوی دولت و غیر رسمی که حافظ آداب، سنن و عادات غیر مدون اجتماعی است تقسیم می شود. فعالیت جهت دار نظام اجتماعی در هر دو جریان یعنی پوشش دهی الگویی به همه عرصه های گوناگون رفتاری و نیز ایجاد سیستم های کنترل و نظارتی می تواند تعادل اجتماعی را تضمین و تغییرات قهری با اختیاری نظام اجتماعی را هدایت کند.

در خصوص حجاب نیز علاوه بر فعالیت جدی و هماهنگ نهادهای دست اندر کار فرایند جامعه پذیری، درونریزی دقیق الگوی مورد نظر همراه با اقناع سازی کافی نسبت به حکمت ها و مصالح مترتب بر آن، برخورداری از یک سیستم نظارت اجتماعی به منظور ارتقای التزام عملی و از میان بردن زمینه های تخلف ضروری است. این سیستم در بخش ها و مراکز دولتی به صورت رسمی و در گستره عام اجتماعی از طریق حساس کردن وجدان و به صورت غیر رسمی اعمال می گردد. فعالیت هماهنگ هر دو بخش رسمی و غیر رسمی و استعمال تنبیه نسبت به افراد خاطی و نیز اعطای پاداشهای لازم به افراد مطیع، به عنوان آخرین حلقه تکمیلی در اثر بخشی و کارآیی فرایند جامعه پذیری می تواند همگان را به رعایت این تکلیف الهی و حیات بخش بیش از پیش ارتقا بخشد و جامعه را از آثار نیکوی مترتب بر آن بهره مند و در مقابل از آثار و تبعات سوه ناشی از بی توجهی با تمرد از آن در امان دارد.

ص:154

فصل دوازدهم: چشم چرانی وپیامد ها آن

اشاره

یکی از ساده ترین راههای ارتباط با دیگران نگاه کردن است؛ زیرا حواس دیگر انسان، هر کدام در جای خود ساکنند و تا چیزی به آنها نرسد در طلب آن بر نمی آیند و گرفتار آن نمی شوند، ولی چشم از دور و نزدیک همه چیز را صید می کند و شعاعش همه اطراف را، تا آنجا

که مجال دید است در بر می گیرد. بزرگان دین گفته اند که ساده ترین راه نفوذ شیطان در وجود انسان و تسخیر قلب او نگاه کردن است.

بر اساس تحقیقات انجام شده درباره انحراف جنسی جوانان، یکی از مهمترین و قوی ترین محرکهای غریزه جنسی، نگاههای شهوت انگیز است که در این میان نقش اصلی را ایفا می کند.

مناظر شهوت انگیز مصادیق متعدد و فراوانی دارند و دیدن بدن نامحرم، دیدن انواع عکسهاء فیلمهای ویدیویی، سینمایی سی دی های ماهواره و اینترنت و غیره را در بر می گیرد. بطور کلی چشم، دروازه ورود تصورات و اندیشه ها به وجود انسان است، در اکثر موارد ما ابتدا چیزی را می بینیم و سپس درباره آن می اندیشیم و در ذهن آن را پردازش می کنیم؛ لذا نگاه، مواد اولیه و مصالح لازم

تصورات و تخیلات را فراهم می کند. از این رو اگر نگاه، شهوانی و نامشروع باشد، زمینه ساز افکار خطرناک و دردهای روحی و روانی خواهد بود. بر اساس تحقیقات، بیشتر موارد خود ارضایی و روابط نامشروع از نگاه های حرام آغاز شده است، افرادی که چشم های هرزه دارند، همیشه دستخوش رنج های روحی و دردهای درونی بی شماری می شوند که جملگی محصول نگاههای نامشروع و نظر بازیهای آنهاست. (1)

چشم چرانی که خود در واقع نوعی از انحرافهای اخلاقی و جنسی است، به تعبیر روایات اسلامی یک نوع زنا محسوب می شود. (2) چشم چرانی افزون بر تأثیرات روحی و روانی فراوان که مهمترین آنها به تعبیر روایات حسرت، اندوه و گرفتاری در دام فساد و فحشا است دارای عوارض مادی و منشا بیماری های جسمی زیادی نیز می باشد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از: دشواری تنفس، درد اطراف قلب، ضعف و خستگی عمومی و دائمی بدن، تپش قلب و...(3)

در متون دین اسلام نیز به طور گسترده به زبانهای چشم چرانی و همچنین اهمیت و پاداش کنترل چشم از نگاه های حرام پرداخته شده است که ما در این مجال کوتاه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1- دنیای جوان: ص 212، با اندکی تصرف.
2- وسائل الشیعه ج 14، ص138
3- اولین دانشگاه، آخرین پیامبر: ج 19، ص 46

زیانهای چشم چرانی

حسرت و اندوه طولانی

امام صادق ع می فرمایند: «نگاه اشهوت آلود، تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است و چه بسا نگاه شهوت آلودی که حسرتی طولانی بر جای می گذارد». (1)

امیر مؤمنان نیز در این باره می فرمایند: هر فردی که چشم خود را آزاد بگذارد و به هر چیزی نگاه کند، حزن و اندوهش زیاد می شود. (2) و نیز می فرمایند: «بسا نهال هوسی که از نیم نگاهی کاشته می شود. (3)

کلام زیبای این دو معصوم را از دو بعد می توان مورد بررسی قرار داد، اول اینکه چه بسا افراد چشم چران با دیدن زنان و دختران زیبا همیشه در حسرت و آرزوی کامجویی از آنان باشند و هیچگاه این امر بر آنان میسر و مقدور نگردد و لذا حسرت و اندوه همیشگی برای آنها به وجود آید.

دوم: اینکه ممکن است آدمهای چشم چران در مقام مقایسه زنان خود با زنان و دختران کوچه و بازار برآیند و همیشه در این قباس همسران خود را ناقص و زشت ببینند و از انتخاب همسر خود برای زندگی پشیمان و محزون گردند غافل از اینکه اگر با آنها هم ازدواج کند باز هم زنانی زیباتر از آنان یافت خواهد شد.

ص:159

1- فروع کافی ج 5، ص 559
2- تحف العقول ص 97
3- غرر الحکم: 5314

داستان: مرد در بستر مرگ افتاده بود و ثانیه های آخر عمر را می گذراند. به سختی نفس میکشید، دست و پایش از ترس و وحشت می لرزید، رنگش زود گشته بود، مثل اینکه خون در رگهایش منجمد شده بود دوستانش که این حال رقت بار را از او دیدند و دریافتند که مرگش حتمی است، شهادتین را به او تلقین می کردند و میگفتند: بگو اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله ؛ ولی اور با صدایی آرام و شکسته می گفت: کجاست آن زن زیبایی که سراغ حمام را می گرفت! دوباره شانه هایش را تکان می دادند که شاید متوجه شود و شهادتین را بر زبان جاری کند ولی مثل اینکه در عالم حسرت و اندوه غوطه ور بود و مرتب می گفت: کجاست آن زن زیبایی که سراغ حمام را می گرفت! اصلا نمی توانست شهادتین را بگوید و با همان حال اسفناک در اوج حسرت و اندوه از دنیا رفت. بعد از مرگش این سوال برایم باقی ماند که: این چه جملاتی بود که به جای شهادتین می گفت، تا اینکه روزی این مسأله را از یکی از دوستان صمیمی اش پرسیدم، گفت: راستش را بخواهی وقتی اکبر آقا جوان بود و سرشار از شور جوانی به چشم چرانی و نظربازی عادت کرده بود. از قضا روزی که بر سر کوچه ایستاده بود و مردم کوچه و بازار را دید می زد زن زیبا و عفیفی که به دنبال حمام می گشت و راه را گم کرده بود به طرف او می رود و از او می پرسد: ببخشید آقا! می شود راه حمام زنانه را به من نشان دهید.

اکبر آقا نگاهی به زن جوان می کند و دلش به شدت می لرزد و با تمام وجود شیفته او می شود؛ چرا که آن زن، زیباترین زنی بود که

تابحال دیده بود.

اکبر آقا هم فوراً در نیمه باز خانه خودش را به عنوان حمام به آن زن نشان می دهد، زن در کمال سادگی، داخل خانه می شود، اکبر آقا هم بلافاصله وارد خانه می شود و در را می بندد. زن بیچاره که دیگر هیچ راه فراری برای خود نمی بیند و خودش را در چنگال اکبر اسیر می بیند، می گوید: حقیقت این است که منم بدم نمی آید ساعتی را با شما باشم ولی من هم کثیفم و هم گرسنه، بهتر است شما مقداری غذا تهیه کنید و من هم به حمام بروم و خودم را برای شما مهیا کنم، أکبر آقا که تمایل و اشتیاق زن را می بیند اجازه می دهد زن به حمام برود. اما دیگر هرچه انتظار می کشد. زن بر نمی گردد. بعدها اکبر آقا میگفت: سالیان درازی است که بر سر کوچه می نشینم و انتظار آن زن زیبا را میکشم و از اعماق دل، حسرت و افسوس می خورم که چرا او را از دست دادم.

آری! همین افسوس و اندوه طولانی بود که موقع مرگ، گریبان او را گرفته بود و نمی گذاشت شهادتین را بگوید.(1)

انحراف و هلاکت

خداوند متعال در حدیث قدسی درباره چشم چرانی می فرمایند: «نگاه اول (تصادفی) مال توست ولی نگاه دوم به ضرر و زیان توست و نگاه سوم باعث انحراف و هلاکت توست». (2)

1- منازل الأخیره، ص 36، با اندکی تصرف
2- من لا یحضره الفقیه: ج 3، ص 474

غرق شدن در فتنه

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «نگاه بعد از نگاه، شهوت و میل جنسی را در دل می رویاند و همین برای غرق شدن صاحبش در فتنه کافی است. (1) .

در این روایت امام، فساد جنسی را معلول نگاه های مکرر همراه با شهرت و چشم چرانی معرفی می فرمایند. در این باره امیر مؤمنان علیه السلام نیز می فرمایند: «نگاه حرام راهنمای فتنه هاست».(2)

داستان: تابستان سال گذشته بود که به شمال رفته بودیم و من مثل هزاران دختر دیگر بی خیال و چموش به دنبال چشمانی می گشتم که با محبت و عاشقانه نگاهم کند، به هر پسر جوانی چشم می دوختم و به دقت براندازش می کردم.

سرانجام در یک مهمانی بر سر سفره، جوانی به نام سامان نظرم را جلب کرد، من دائما به او نگاه می کردم و او هم مات و مبهوت به من خیره شده بود، با یک لبخند رضایت بخش از طرف، من آشنایی ما شروع شد. چند روزی بیشتر از آشنایی و دوستی ما نگذشته بود که سامان به گونه ای باور نکردنی با چرب زبانی های زیرکانه اعتماد و اطمینان مرا جلب کرد، و من در کنار او احساس آرامش و خوشبختی می کردم وقتی با هم بودیم از همه چیز و همه کس صحبت می کردیم و من بی خبر از همه جا، دور نمای یک زندگی زیبا را در کنار او، در ذهنم مجسّم می کردم.

1- وسائل الکبه: ج 14، ص 139.
2- غرر الحکم:ج 1، ص 262.

مدتی بود که در اثر خیال بافی های دخترانه کم خواب شده بودم و شبها تا دیر وقت با رؤیای یک زندگی شیرین در کنار سامان نمی خوابیدم. بعد از ظهر یک روز گرم که با سامان قدم می زدیم، از بی خوابیها و رویا بافی هایم با او حرف زدم، او هم با مهربانی و دقت گوش می کرد. وقتی حرفم تمام شد، چند عدد قرص از جیبش بیرون آورد و گفت: من هم گاهی دچار بی خوابی می شوم، اما این قرصها نجاتم می دهد! و چند عدد قرص به من داد و از هم خداحافظی کردیم. شب که شد دوباره بی خوابی به سراغم آمد و من یکی از قرصها را خوردم که این آغاز اعتیاد من بود.

بعد از آنکه به تهران برگشتیم، دوستی من و سامان ادامه یافت، دیگر به قرصهایی که از او می گرفتم عادت کرده بودم و بدون آنها، همه وجودم درد می گرفت. یک شب که در خیابان قدم می زدیم من از او چند عدد قرص خواستم او مرا به خانه خودشان دعوت کرد تا در آنجا قرصها را به من بدهد. من هم بی خبر از همه جا به خانه آنها رفتم و آن شب با نیرنگهای سامان و اعتماد و نفهمی من، دامنم نیز آلوده شد. بعد از آن من یک معتاد شده بودم. کم کم با راهنمایی های سامان به هروئین روی آوردم دیگر تمام فکر و ذهنم تهیه مواد شده بود و هیچ چیز جز هروئین برایم مهم نبود و به تدریج برای تهیه مواد به خود فروشی و هرزگی روی آوردم.

حالا دیگر یک هروئینی کثیف و آلوده دامن هستم که نه در خانه جا دارم و نه در اجتماع، به خدا از خودم و زندگی نکبت بارم خسته شدهام، وقتی کتاب سوخته زندگیم را ورق می زنم، می بینم خودم

ص:163

مقصر بودم؛ چرا که اگر جلوی چشمانم را می گرفتم، هیچ وقت اسیر گرگ انسان نمایی چون سامان و چنگالهای خانمان سوز اعتیاد

نمی شد هی (1)

فساد جنسی

امام رضا می فرماید: «نگاه کردن به موهای زنان شوهردار و غیر آنها (از دختران و زنان بدون شوهر) حرام شده است و به دلیل این که این گونه نگاه ها، باعث تحریک جنسی مردان می گردد، و تهییج و تحریک، باعث فساد جنسی و انجام کارهای حرام و ناشایست می شود. (2)

رویش فسق و دوری از مسیر هدایت

تقل شده است که حضرت عیسی به حواریین فرمودند: «از نگاه کردن به دختران اجتناب کنید، زیرا این نگاه، بذر شهوت و تمایلات جنسی است و باعث رویش فسق (در وجود انسان) می شود.(3)

در لسان العرب، افسوه به گناه و ترک دستورات خدا و انحراف از مسیر حق معنا گردیده است. چه بسا انسان با چشم چرانی و نگاه به زنان و دختران آنچنان اسیر و پایبند شهوت شود که از دین خدا و مسیر هدایت خارج گردد و تمام فکر و ذکرش ارضای غریزه جنسی شود.

1- زنگ خطر: ص 48، با اندکی تصرف.
2- وسائل الشیعه ج 20 ص 192
3- مستدرک الوسائل: ج 14 ص 270.

داستان: حدود سی سال بود که بالای مناره مسجد محله می رفت و اذان می گفت، همه اهالی به صدای او عادت کرده بودند و با بانگ الله اکبر او، سحرها از خواب بیدار می شدند، و به نماز می ایستادند.

او که جوانی خود را در خادمی مسجد سپری کرده بود تبدیل به انسانی محترم و آبرومند شده بود. مردم نیز با کمکهایشان زندگی یک نفره او را تأمین می کردند. او هم مردی قانع و خویشتن دار بود و همه کارهای مسجد را انجام می داد.

دو سه روزی بود که خیلی با کسی صحبت نمی کرد و دائما در فکر فرو رفته بود، اذان را به موقع نمی گفت، مثل اینکه مسأله مهمی ذهنش را مشغول می کرد. من که با او رابطه خوبی داشتم یک روز بعد از نماز ظهر و عصر کنارش نشستم و گفتم: حاجی ! چیزی شده، خیلی تو فکری، می توانم کاری برایت انجام دهم؟

گفت: چه بگویم راستش را بخواهی چند روزی است که اسیر دل شده ام و می خواهم ازدواج کنم.

من که تا حالا از این حرفها از او نشنیده بودم بلافاصله گفتم: این که خیلی خوب است. دیگر از تنهایی هم در می آیی و به زندگی ات سر .و سامانی میدهی.

آهی کشید و گفت: آخر میدانی داستان من چیست؟ در این چهل سال عمر عاشق و دلباخته نشدم و اصلا به فکر ازدواج نبودم اما حالا که عاشق شده ام، فریفته یک دختر مجوسی گشته ام !!

گفتم: حاجی ! دست بردار چیزی که زیاد است دختر نجیب و

ص:165

مسلمان، حالا چرا عاشتی دختر مجوسی شدی؟!

گفت: خدا را گواه می گیرم که سی سال اذان گفتم ولی از بالای مناره مسجد خانه های اطراف را نگاه نکردم ولی چند روز پیش که برای گفتن اذان ظهر به بالای مناره مسجد رفته بودم با خودم گفتم برای یک بار هم که شده به خانه های اطراف مسجد نگاهی بکنم.

ناگهان داخل حیاط یکی از خانه ها، چشمم به دختری زیبا افتاد که مشغول استحمام بود، دیدن آن زن مهمان و عاشق شدن من همان، از آن روز به بعد نمی دانم چگونه نماز می خوانم همیشه و همه جا تصویر زیبای آن دختر در مقابل چشمانم بود، تا اینکه به فکر افتادم بروم و از او خواستگاری کنم، همه مصیبتها وقتی شروع شد که پدر آن دختر گفت: ما مجوسی هستیم و اگر بخواهی دخترمان را به تو بدهیم باید تو هم مجوسی بشوی!

همین که این مطلب را شنیدم گفتم: حاجی تو می خواهی چه کار کنی؟!
گفت: هر چقدر با خودم فکر کردم و خواستم فکر آن دختر را از دلم بیرون کنم نتوانستم، دوباره به در خانه آنها رفتم هر چقدر التماس کردم که شرط مجوسی شدن من را بردارند و از آن صرفنظر کنند، قبول نکردند که نکردند.

حال، به این نتیجه رسیده ام که به ظاهر از دین اسلام دست . بردارم و به آداب آنها، دختر را به عقد خودم در آورم، آنگاه دوباره مسلمان بشوم و از این کار توبه کنم. گفتم: دست بردار! اینها نقشه های شیطان است مبادا دین و ایمانت را به خاطر آن دختر از دست بدهی...

ص:166

یک هفته ای بود که من مسافرت بودم وقتی برگشتم به صحنه عجیبی برخوردم دیدم اعلامیه مجلس ترحیم مؤذن به دیوار مسجد است، دیگر توان حرکت نداشتم از کاسب محله که دکانش مقابل مسجد بود پرسیدم: چی شده؟! مؤذن چطور مرد؟

گفت: مگر خبر نداری؟!. گفتم: نه! من یک هفته نبودم و از همه جا بی خبرم؟

گفت: حدود شش روز پیش مؤذن با یک دختر مجوسی ازدواج کرد و در شب عروسی که می خواست به وصال دختر برسد سکته کرد و مرد و الان هم چند روز است که از تدفین او می گذرد!!

آهی کشیدم و با خودم گفتم: خدایا به تو پناه می برم که چگونه انسان با یک نگاه همه دینش را از دست می دهد؟! (1)

پاداش حفظ چشم

شایسته است در پایان این قسمت اندکی از پاداش و آثار حفظ چشم بر اساس روایات اسلامی سخن بگوییم تا دریابیم با حفظ چشم نه تنها از خطرهای بزرگی در امان می مانیم بلکه فضیلستاهای با ارزشی را کسب خواهیم نمود

رسول گرامی صلی علیه وآله اسلام که فرمودند: «هیچ مرد مسلمانی نیست که نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را پایین اندازد، مگر این که خداوند

1- داستان گناهکاران ص 55، با اندکی تصرف.

متعال به او توفیق عبادتی را می دهد که شیرینی آن را در دل خویش

بیابد.(1)

و نیز در روایت دیگری، آن حضرت حفظ چشم را از نگاه به نامحرم، سبب درک حلاوت ایمان بیان نموده اند.(2).

امیر مومنان علیه السلام فرمودند: «کسی که چشم خود را پایین اندازده دلش را آسوده گرداند». (3)

و نیز می فرمایند: «هر که نگاه هایش پاک باشد، اوصافش نیکو شود(4).

از امیرمؤمنان علا سؤال شد: برای حفظ چشم از گناهان از چه وسیله ای می توان کمک گرفت؟ امام فرمود: و با در نظر گرفتن قدرت خداوندی که بر نهانی های تو آگاه است». (5)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر کس نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را به طرف آسمان کند یا آن را بر هم نهد، هنوز چشم برهم نزده است که خداوند از حورالعین به ازدواج او در می آورد».(6)

ص:168

1- کنز العمال ج 5، ص 327،ح 13059
2- میزان الحکمه: ج 10، ص 4342
3- غرر الحکم: ح 9122
4- همان.
5- شمعانی و میزان الحکمه: ج 10، ص 4338
6- وسائل الشیه:ج20،ص193.

پوشش زن

1- بر زنان واجب است تمام بدن خود را به استثنای وجه وکفین صورت و دو دست از سرانگشتان تا مچ) از نامحرم بپوشانند. وجه و کفین را به دو شرط می توانند نپوشانند:

الف) وجه و کفین زینت نداشته باشند. ب) کسی به قصد لذت و ریبه (خوف در فساد افتادن) به وجه و کفین آنها نگاه نکند(1).

2- نمایان بودن زیر چانه، گردن، گوش، سینه و دستها بازو و ساعد) برای زنها جایز نیست و باید این مواضع را از نامحرم بپوشانند.

3- جورابهای نازک که از زیر آن بدن نمایان باشد حکم پوشش را ندارد و خانمها باید از پوشیدن اینگونه جورابها در مقابل نامحرم اجتناب کنند.

1- دلازم به ذکر است که نظر فقهای بزرگوار در این باره مختلف می باشد، برخی پوشاندن صورت و دستاها تامچ را در صورتی که بدون زینت هم باشد واجبه می دانند. البته پوشاندن صورت و دستاها تا مچ در صورتی که زینت داشته باشد به اتفاق همه فقها واجب است. رجوع کنید به عروه الوثقی: ج 2، ص317

4-پوشیدن لباس در رنگهای زننده و جلب توجه کننده در محیطهایی که نامحرم هست مانند دانشگاه و بازار و ... به فرض مهیج بودن حرام است.

زینت

۱- مراد از زینت هر چیزی است که عرفا زینت محسوب شود و مردم به آن زینت بگویند.

2- خانمها می توانند همان قسمتی از صورت یا دست را که زینت کرده اند بپوشانند و پوشیدن بقیه صورت واجب نیست.

۳- بنابر احتیاط واجب خانمها باید موهای مصنوعی که به موی خود وصل کرده باشند یا کلاه گیس به سر گذاشته باشند را بپوشانند اگرچه موی وصل شده موی مرد یا زن باشد.

لباس مهیج

1- پوشیدن لباسی که عرفا مهیج است و جلب توجه نامحرم می کند حرام است، چه برای زن و چه برای مرد.

2- مهیج بودن لباس ممکن است به خاطر رنگ آن باشد یا مدل آن با جنس لباس و یا هر چیز دیگر؛ لذا گاهی روسری، مانتو، کفش و..... ممکن است به گونه ای باشد که جلب توجه نامحرم کند و مهیج باشد در این صورت پوشیدن آن جایز نیست.

ص:172

لباس مختص

ا-پوشیدن لباس مختص به مردان برای زنان و پوشیدن لباس مختص به زنان برای مردان بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

2- مراد از لباس مختص هر چیزی است که بدان لباس صدق کند چه بعد از پوشیدن دیده شود مانند چادر، دامن، مقنعه و یا جوراب ساقه بلند برای مردان و یا کت و شلوار، کفش مردانه و... برای خانمها، و خواه بعد از پوشیدن دیده نشود مانند لباس زیر مردانه برای خانمها و یا لباس زیر زنانه برای مردان.

۳- پوشیدن لباس مختص حرام است چه در خلوت باشد و کسی انسان را نبیند و چه در اجتماع باشد و در این صورت مرد باشد یا زنه محرم باشد یا نامحرم فرقی در حرمت ندارد.

4-نام زنانه یا مردانه بودن لباس آن را لباس مختص نمی کند بلکه استعمال آن فقط توسط مردان یا فقط توسط زنان آن را لباس مختص میکند.

نگاه

۱- نگاه کردن زنها به بدن مرد نامحرم (به استثناء وجه و کفین و مقداری که به طور عادت توسط مردان پوشیده نمی شود) حرام است.

2- نگاه کردن به بازو یا سینه یا جاهای دیگر از بدن مرد نامحرمی که لباس نامناسب پوشیده مانند آنکه لباس آستین کوتاه پوشیده باشد و با یقه خود را باز گذاشته یا لباس نازک و بدن نما پوشیده و... حتی اگر بدون قصد لذت و ریبه باشد، حرام است.

۳- اگر خانمی بداند نامحرمی با قصد لذت و ریبه به دست و صورت او نگاه می کند اگر چه صورت و دستهای او زینتی نداشته باشد، باید این دو موضع را از نامحرم بپوشاند.

نگاه به تصویر

1- اگر نامحرم در عکس، حجاب کامل را رعایت نکرده است در این صورت اگر مرد آن زن را می شناسد نمی تواند به عکس او نگاه : کند و اگر او را نمی شناسد می تواند به عکس نامحرم نگاه کند مشروط به آنکه به قصد لذت و ریبه نباشد.

2- نگاه کردن به هر عکسی به قصد لذت حرام است به استثنای عکس همسر.

۳- فیلمی که به طور مستقیم پخش می شود حکم زنده را دارد و اگر به طور غیر مستقیم پخش می شود حکم عکس را دارد.

توضیح: اگر فیلمی به طور مستقیم پخش شود احکام نگاه به آن فیلم همان احکام نگاه به انسان زنده را دارد لذا مردانه نمی توانند به

غیر از وجه و کفین زنان نامحرم (آن هم بدون قصد لذت و ریبه) نگاه کنند و همچنین خانمها نمی توانند به بدن مردان که در فیلمهای ورزشی یا غیر آن به طور مستقیم پخش می شود نگاه کنند. همچنین اگر فیلم به صورت غیر مستقیم پخش می شود، نگاه کردن به زنان و مردان آن فیلم حکم نگاه کردن به عکس را دارد.(1)

صحبت کردن

1-مردها می توانند با زن نامحرم صحبت کنند به شرط آنکه: - به قصد لذت و ریبه نباشد. . با این صحبت کردن به گناه گرفتار نشوند. 2- خانم ها می توانند با مرد نامحرم صحبت کنند به شرط آنکه - به قصد لذت و ریبه نباشد.. . صدای خود را نرم و لطیف نکنند. - خوف افتادن در فتنه و مفسده نباشد.

اختلاط

اختلاط زن و مرد نامحرم مکروه است مگر آن که پیر مرد با پیرزن باشند..

1- ر. ک. احکام روابط زن و مرد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ص 53.

توضیح: این کراهت در صورتی است که در مجلس هیچ وجه حرامی نباشد و الا اختلاط حرام است. مثلا اگر در مجلسی زنان حجاب کامل نداشته باشند و یا زینت کرده باشند و یا تماسهای بین زن و مرد به صورت حرام واقع شود، اختلاط حرام خواهد بود.

خودنمایی

خودنمایی کردن به منظور به گناه انداختن دیگری حرام است. به طور مثال: اگر خانمی به گونه ای خودنمایی کند که نگاه مرد نامحرم به او جلب شود و مورد توجه او قرار گیرد، حرام است. مثلا، لبخند زدن و خندیدن های بلند، شوخی کردن های بی مورد، راه رفتن های خاص.

فصل چهاردهم: پندهایی به جوانان

احفظ چشم

از خطرناک ترین آفت هایی که جوانان را تهدید می کند و هر لحظه ممکن است دختر یا پسر جوان را به هلاکت و نابودی بیندازد، چشم چرانی و تماشای مناظر شهوت انگیز و یا نگاه کردن به نامحرم با قصد لذت است.

چشم چرانی به اندازه ای خطرناک است که در روایات اسلامی منشأ بسیاری از گناهان و فسادهای جنسی معرفی شده و حتی با ایمان ترین افراد نیز برای حفظ ایمان خود باید از چشم چرانی پرهیز کنند،

امام صادق علیه السلام می فرمایند: چشم چرانی شهوت را در دل می رویاند و همین برای غرق شدن صاحبش در فتنه کافی است»(1)

امیرمؤمنان علی علیه السلام ما نیز می فرمایند: «چشم ها دام های شیطانند. (2)

1- وسائل الشیعه ج 11، ص 138
2- میزان الحکمه: ج 10، ص 70

دام شیطان و اسارت در بند شهوت چیزی نیست که جوان بتواند به راحتی از آن رهایی یابد، پس قبل از آنکه انسان به اسارت شهوت درآید باید به فکر چاره ای باشد و راه غلبه و نفوذ شیطان را که همان نگاه های آلوده و شهوت انگیز است بر خویشتن ببندد؛ چرا که انسان اسیر دل است و دل در گرو دیده، و چه زیبا سروده بابا طاهر که: ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد بسازم خنجری نیشش ز فولاد زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

بنابراین به دختران و پسران جوان توصیه می کنیم که اگر می خواهند آرامش روحی داشته باشند و اسیر افکار و اعمال شیطانی نگردند در حفظ چشم بسیار بکوشند و مواظب باشند که به نامحرم و صحنه های تحریک آمیز نظر نکنند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس نگاه حرام را برای رضای) خدا ترک کند، خداوند به او ایمانی می دهد که طعم آن را

می چشده. (1)

رعایت حجاب اسلامی

خواهر مسلمانم ! ارزش و بهای تو بسیار بالاتر از آن است که با بد حجابی وجود خود را مرکز چشم های بیمار قرار دهی و محبت خداوند را فدای محبت دروغین و فسادانگیز نامحرمان کنی و

1- میزان الحکمه: ج 10، ص 70.

سعادت آخرت را به پای هوس های زودگذر و موقت دنیا بریزی.

خواهرم ارزش و قیمت گوهر وجودی تو بسیار بیشتر از آن است که خود را همچون کالایی در جامعه عرضه کنی و با بی حجابی یا بدحجابی بدن خود را برای همگان به نمایش بگذاری. آیا می دانی همه جمال و زیبایی تو موقته و زودگذر است، و با فصل پیری طراوت جوانی با وجودته وداع می کند و کبوتر زیبایی از آشیانه ات پر می کشد و چروکها و سستیهای قوای جسمانی همچون مهمانی ناخوانده بر جان و جسمت هجوم می آورند.

خواهرم تو چگونه می توانی در آن روزگار جمال و طراوتت را حفظ کنی. پس بکوش در جوانی با حفظ حجاب اسلامی طراوت روح و شادابی جان را فراهم نمایی و خود را از تندباد هوا و هوس نجات دهی و هیچ گاه اسیر حیوان صفتان جامعه نگردی.

خواهرم! بدان که بسیاری از قتلها، تجاوزها، بی حرمتیها و طلاقها به علت بی توجهی به حجاب صورت می گیرد و این حجاب است که به زن شخصیت و امنیت می بخشد، پس در حفظ آن بکوش و مروارید وجودت را در صدف حجاب حفظ نما، و بدان که قیمت و بهای لعل به خاطر آن است که در دل صدف نهفته، و به راحتی قابل دستیابی نمی باشد.

مواظبت از دوستیها و معاشرتها

خواهر و برادر جوان! درست است که نیاز به دوست، یکی از

نیازهایی است که در تمام مراحل زندگی انسان مطرح است، اما باید در انتخاب دوست توجه کرد که مبادا فردی فاسد و آلوده باشد.

در این باره پیامبر اکرمصبی علیه وآله که می فرماید: «از هم نشینی با افراد بد بپرهیز؛ زیرا تو به وسیله آنها شناخته می شوی.(1)

امام صادق طلا نیز در این باره می فرمایند: «با تبهکاران فاسد دوستی نکن؛ زیرا گناهان و معاصی را به تو یاد می دهند (2)

از امیرمؤمنان علی لا پرسیدند: بدترین دوست چه کسی است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «کسی که معصیت و گناه را در نظر انسان زیبا جلوه دهد. (3)

چه بسا جوانان پاکدل و با فضیلت که به علت معاشرت و رفت و آمد با افراد فاسد و فاجر ارزشهای اخلاقی خود را از دست می دهند و به سقوط و انحطاط کشیده می شوند. به تجربه ثابت شده، کسانی که با دوستان بد همنشین شده اند به گناهان و معاصی آلوده گشته اند؛ زیرا گنه کاران برای اینکه کمتر احساس گناه کنند، دیگران را نیز به سرنوشت غم انگیز خود دچار می کنند. بسیاری از دختران و پسران که در وادی فساد گرفتار شده اند، عامل اصلی آلودگی و بیچارگی خود را همنشینی با دوستان ناباب ذکر می کنند و از دست دوست بد ناله و فغان دارند.

1- نهج الفصاحه حدیث: 1012.
2- میزان الحکمه: ج 5، ص 2100
3- میزان الحکیه ج5، ص2099

با بدان کم نشین که صحبت بد گرچه خوبی، تو را پلید کند

بنابراین دختران و پسران جوان، باید در انتخاب دوست بسیار دقت کنند و هر کسی را بدون اطلاع و آگاهی به عنوان دوست و رفیق خود بر نگزینند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: «فاسد شدن اخلاق انسان به خاطر معاشرت و همنشینی با نادانان و سفیهان است و نیکو شدن و رشد اخلاقی نیز با مجالست و همنشینی عقلا حاصل می گردد».(1)

بنابراین خواهر و برادر جوانم، کسی که شما را به مجلس حرام و معصیت دعوت می کند، کسی که روابط نامشروع و افعال حرام را به شما پیشنهاد می نماید و کسی که به شما سیگار و مواد مخدر تعارف می کند، این ها هیچکدام درست نیستند، بلکه دشمنانی هستند که خود را به شما در قالب دوست می نمایانند و شما را به مرداب هلاکت و گمراهی می کشانند. تاتوانی می گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد مار بد تنها تو را بر جان زند یار بد بر جان و بر ایمان زئد

-4

دوری از اختلاط

یکی از مهم ترین زمینه های فساد و آلودگی های اخلاقی در جوانان مسأله اختلاط دختران و پسران در جامعه، محل کار و تحصیل

1- غرر الحکم :ح 1179.

می باشد.

امروزه بسیاری از محققان در کشورهای غربی به این نتیجه رسیده اند که اختلاط دختران و پسران در جامعه و محل کار و تحصیل یکی از علل اصلی پایین آمدن رشد تحصیلی و کاهش راندمان کار می باشد.

بنابراین خواهر و برادر جوان؛ باید حتی المقدور از اجتماعات مختلط دختران و پسران پرهیز کنند؛ چرا که این اختلاطها علاوه بر افت تحصیلی و کاری، باعث شیوع فساد و فحشا، مزاحمت ها و ناامنی ها برای زنان و دختران و بالا رفتن آمار طلاق و متلاشی شدن نظام خانواده می شود.

چه زیبا فرمود پیامبر گرامی اسلام : «زنان و مردان نامحرم را از یکدیگر جدا کنید؛ زیرا اگر بین آنها اختلاط و آمیختگی باشد، درد بی درمان، جامعه شما را فرا می گیرد».(1)

تسریع در ازدواج

یکی از زیباترین کانونهایی که به حفظ نفس و مصونیت انسان در مقابل مفاسد و منکرات جنسی کمک می کند، ازدواج است.

امام رضا درباره ضرورت و تسریع در ازدواج دختران می فرماید: «روزی جبرئیل بر پیامبر اسلام صلی علیه وآله نازل شد و گفت:

1- مرآه النساء: ص 140

پروردگار به تو سلام می رساند و می فرماید: دختران به منزله میوه درخت هستند، میوه هنگامی که رسید چاره ای جز چیدن ندارد وگرنه آفتاب آن را فاسد، و یا دگرگون می کند. دختران نیز هنگامی که به بلوغ رسیدند، چاره ای جز ازدواج ندارند وگرنه از فساد ایمن نیستند. (1)به همین جهت پیامبر اسلام می فرمایند: «کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است . (2)

همچنین پیامبر خدا درباره اهمیت و محبوبیت ازدواج در نزد خداوند می فرمایند: «هیچ بنایی در اسلام از ازدواج در نزد خدا محبوب تر نیست.(3)

البته در سالهای اخیر موانع زیادی بر سر راه ازدواج جوانان قرار گرفته که فهرست وار می توان به موارد زیر اشاره کرد.

- توقعات بالای خانواده ها، با دختر و پسر در ازدواج 2- تشریفات، تجملات، خرجهای زاید و چشم و هم چشمیها. ۳- تحصیلات بی هدف و ناکارآمد و طولانی. 4- بیکاری و فقر مالی در بین جوانان. .. - گرانی و هزینه های سنگین ازدواج و تهیه مسکن - رواج بد حجابی و بی بند و باری و ابتذال در جامعه. ولی اگر کسی تصمیم بر ازدواج داشته باشد، و بخواهد خود را از

1- بحار الأنوار: ج 11، ص 223.
2- وسائل الشیعه، ج 14، ص 3
3- وسائل الشیعه ج 14، ص 3

آلودگیها حفظ نماید، می تواند با وجود تمام این مشکلات، باز هم ازدواج کند، به شرط آنکه مقداری از توقع های خود بکاهد و به خدا توکل داشته باشد. خداوند در قرآن کریم سوره نور وعده داده که از فضل و کرمش به چنین افرادی روزی دهد و آنها که زیر بار ازدواج نمی روند، در حقیقت به رزاقیت خداوند بی عقیده اند(1)

پرهیز از رفتارهای ناشایست در جامعه

یکی از مسائلی که زمینه انحراف و سقوط دختران را فراهم می کند رفتارهای جلف و سبک گری است. که به صورتهای مختلفی نمود پیدا می کند؛ گاه با عشوه و ناز، راه رفتن در کوچه و بازار؛ پرسه زدن با آرایش و بدحجابی در ساعات خلوت روز خندیدن های بی مورد با صدای بلند؛ صحبت کردن بی علت و بیهوده با نامحرمان، ظاهر شدن در جامعه با لباسهای جذاب و آرایش های تند و...

در تحقیقات میدانی به عمل آمده معلوم شد؛ درصد دختران سبک و جلف به مراتب بیشتر از پسران آلوده و فاسد است و اصولا یکی از زمینه های گسترش فساد جوانان همین بی بند و باری دختران است. دخترانی که در کوچه و بازار با لباسهای تنگ، و آرایشهای تند به خنده و شوخی می پردازند؛ آیا دختران سالم و شایسته ای هستند؟ و آیا چنین حرکاتی افراد هرزه و آلوده را به دنبال خود نمیکشد؟! چنین

1- سوره نور آیه 32

پندهایی به جوانان دخترانی باید بدانند؛ گرچه ممکن است در ظاهر مورد توجه جوانهای آلوده قرار بگیرد، اما در واقع هیچ قیمت و ارزشی ندارند. چرا که جوانان فاسد هم، آنان را برای ازدواج و همسری انتخاب نمی کنند. بنابراین آنان با حرکات جلف و سبک، در حقیقت زمینه انحراف و نابودی شخصیت خود را فراهم می کنند. و هیچ گاه لیاقت مادر بودن و تشکیل خانواده را پیدا نمی نمایند.(1)

پرهیز از مد و مدگرایی

ترویج مد و مدگرایی از جمله نمونه های بارز تهاجم فرهنگی در بین جوانان است. گرچه طبع انسان، تنوع طلب و نوگراست. اما حالت تنوع طلبی و نوگرایی در حد معقول، فطری و طبیعی است و به خوبی روشن است بین توجه به زیبایی و تنوع در حد معقول آن با غرق شدن در مدگرایی و هر روز به نوعی لباس پوشیدن و به گونه ای خاص سخن گفتن، بسیار تفاوت است؛ زیرا مشوقان مدگرایی ، نه تنها با لباس بلکه با نحوه سخن گفتن، به کار بردن اصطلاحات، چگونه برخورد نمودن، کیفیت غذا خوردن، چگونگی برگزاری مراسم ها و... سعی میکنند مدهای غربی را در میان جوانان ما ترویج دهند، گرچه آراستن ظاهر و لباس پوشیدن در این میان نقش بسزایی دارد.

بدون شک کسانی که با سوء استفاده از اصل تنوع طلبی، ترویج

1- برای ریحانه: ص 50 - 49، با اندک تعرف.

مد می نمایند، در فکر رایج کردن فرهنگ غرب و سودجوییهای خودشان هستند. سرمایه داران بزرگ برای این که چرخ کارخانه هایشان از حرکت باز نایستد و ثروت های کلانی بدست آورند در اشاعه مدهای جدید می کوشند و گاه این تبلیغ حتی طبقه متوسط یا ضعیف جامعه را چنان تحت تأثیر قرار می دهد که سعی می کنند، با قرض هم که شده، خود را از قافله مدگرایانه عقب نیندازند.

مهاجمان فرهنگی و سودجویان، سعی دارند به هر صورت که امکان دارد کالاهای خود را به فروش رسانند، مخصوصا برای رسیدن به این هدف، از زنان سوء استفاده می کنند؛ آنان با تولید انواع لوازم آرایش، سعی می کنند زنان ما را در مسیر دنیای غرب قرار دهند و در این میان با استفاده از اهرم هایی مانند آزادی زن، زیبایی زن، حقوق زن و... کار خود را مشروع جلوه می دهند.

بدون شک، کسانی تابع مد و مدگرایی می شوند که به عقده حقارته دچار شده باشند و از درون، پوچ و فاقد شخصیت علمی معنوی و اجتماعی باشند و با مدگرایی بخواهند برای خود شخصیتی کسب کنند و توجه دیگران را به خود جلب نمایند و خود را به نحوی نشان دهند؛ پس توجه به مدگرایی و افراط در تنوع، ریشه در فطرت آدمی ندارد، بلکه ناشی از عقده حقارت و نداشتن شخصیت انسانی است. از این رو به جوانان توصیه میکنیم ضمن استفاده معقول از زیبایی ها و تنوع ها در این راه، مسیر افراط و زیاده روی را طی نکرده و به فرهنگ غرب بی توجه باشند؛ زیرا در غیر این صورت به یک آدم

ص:188

غرب زده تبدیل خواهند شد که به قول جلال آل احمد: «آدم غرب زده پا در هواسته، ذره گردی است معلق در فضا، که با عمق اجتماع، فرهنگ و سنتها، رابطه ها را بریده است. آدم غرب زده به هیچ چیز اعتقاد ندارد، نان به نرخ روز خور است، همه چیز برایش علی السویه است نه ایمانی دارد نه مسلکی و نه مرامی، نه اعتقادی به خدا یا به بشریت. آدم غرب زده شخصیت ندارد، چیزی است بی اصالت. آدم غرب زده قرتی است، زن صفت به خودش خیلی می رسد و با سر و پزش خیلی ور می رود، به کفش و لباس و خانه اش خیلی اهمیت می دهد، همیشه انگار از لای زرورق باز شده. بدین طریق آدم غرب زده وفادارترین مصرف کننده مصنوعات غربی است، وجود این همه مشاغل و آن همه مصنوعات فرنگی برای او از وجود هر مسجد و بیمارستان و کارخانه ضروری تر است (1)

راهکارهای پیشنهادی

اشاره

مسلم است که تهاجم فرهنگی دشمن، همواره در حال گسترش است. اگر اقدام شایسته ای صورت نگیرد، قطعا این غده سرطانی به تمام پیکره ایران اسلامی سرایت می کند و این دود سیاه که از شعله های آتش خانمان سوز فرهنگ غرب برخاسته به همه جا گسترش می یابد و با سایه شوم خود، مانع از تجلی فرهنگ اسلامی

1- غربزدگی: ص 141.

خواهد شد؛ لذا همان گونه که هنگام تهاجم نظامی، خود را آماده دفاع و فداکاری می کنیم، در جبهه فرهنگی هم باید با تمام امکانات به دفاع از فرهنگ اسلامی و دفع فرهنگ دشمن بپردازیم، وگرنه سنگرها را یکی بعد از دیگری از دسته خواهیم داد و زمانی به خود می آییم که کار از کار گذشته است. از این رو در این قسمت به بعضی از راهکارهای مفید برای بهبود وضعیت فرهنگی جوانان اشاره می کنیم:

تألیف کتاب های مفید

تألیف کتاب های مفید و مورد احتیاج جوانان با نظر به مسائل روز و سبک نوین، می تواند کارآمد و سازنده باشد، همان گونه که مرحوم شهید مطهری رحمهالله در جبهه فرهنگی برای دفاع از فرهنگ اصیل اسلامی به چنین کاری دست زدند. زمانی که اسلام را مخالف حقوق زن می دانستند و بر مسائلی مانند مهره ازدواج موقت، حق طلاق، تعدد زوجات و... اشکال می کردند و آن را هماهنگ با متقضیات زمان نمی دانستند؛ ایشان کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» را نوشتند. آن گاه که عده ای برای رسیدن به اهداف حیوانی خویش، حجاب را مانع آزادی و فعالیت زن می دانستند و جاهلان، منکر ضرورت حجاب از نظر قرآن می شدند، ایشان کتاب مسأله حجاب» را تألیف کردند. زمانی که عده ای از روشنفکران مسلمان، در تبیین جهان بینی اسلامی، تحت تأثیر بعضی مکاتب، راه افراط پیمودند، ایشان کتاب مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی را به رشته تحریر درآوردند. همچنین کتابهای «عدل الهی»، «اصول فلسفه و روش رئالیسم» و ... را

ایشان در دفاع از فرهنگ اسلامی در مقابل تهاجم های فرهنگی به نگارش در آوردند. پس یکی از راه های ارشاد و راهنمایی قشر جوان تألیف کتاب ها و مقالات سازنده و مفید است.

نظارت عمومی

دومین راه برای هدایت و ارشاد جوانان، نظارت عمومی است که دین آن را «امر به معروف و نهی از منکر» نامیده است. قطعا اگر

جامعه ای در برابر منکرها و ترویج فرهنگ بیگانه حساس باشد و با مشاهده نابسامانی ها تذکرهای لازم را به افراد ناآگاه بدهد می تواند نقش بسیار مهمی در دفع تهاجم های فرهنگی داشته باشد. البته این کار، چون که از اهمیت بسزایی برخوردار است، کسانی که امر به معروف یا نهی از منکر می کنند، باید صد در صد با سعه صدر و خوش اخلاقی به چنین کاری بپردازند. قرآن کریم عزت و شرافت مسلمانان را در گرو سه اصلی می داند و می فرماید: «کنتم خیر أمته أخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنکر و تومنون بالله، شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اید؛ زیرا امر به معروف و نهی از زشتی ها می کنید و ایمان به خدا دارد».(1)

امر به نیکی ها و نهی از زشتی ها به اندازه ای مهم و اساسی است که می توان گفت: تمام انبیای الهی برای اجرای این دو اصل مبعوث شده اند، زیرا همه پیامبران مردم را به توحید، خداپرستی، تقواء

1- سوره آل عمران، آیه 110

عدالت و احسان دعوت می کردند امر به معروف و مردم را از شرک، بت پرستی، خود پرستی، فساد، ظلم بر حذر می داشتند (نهی از منکر). لذا اگر جامعه ای از این دو اصل سرنوشت ساز دست کشید، موج فساد، جامعه آنها را در بر می گیرد و در لجنزار بدبختی فرو می برد.

تشکیل جلسات مذهبی

تشکیل جلسات مذهبی در مساجد و تکایا و آشنا کردن جوانان با قرآن، معارف اسلامی، تاریخ انبیا و امامان و نیز برگزاری مجالس سوگواری و میلاد، سخنرانی و خطابه های مذهبی، بیان تفسیر و معانی قرآن، اعتقادها و جهان بینی ها، می تواند عامل مهمی در رشد فرهنگی جوانان به حساب آید؛ زیرا عامل گرایش بسیاری از جوانان به آداب و فرهنگ غربی و بیگانه، نداشتن آشنایی با تعلیمات مذهبی و فرهنگ اصیل اسلامی است. اگر تعلیمات و معارف اسلامی با نظر به نیازمندی های زمان و مسائل مورد نیاز جوانان با سبک زیبا و دلپذیر و استدلالی تدریس شود و گاهی به صورت سؤالها و مسابقه های فرهنگی - مذهبی طرح و بیان شود، قطعا نقش مهمی در گرایش جوانان به ارزش های اسلامی و فاصله گرفتن آنان از ارزش های غربی دارد.

استفاده از فیلم و تئاتر

از دیگر راه های رشد و تعالی فرهنگی قشر جوان، استفاده از هنر مخصوصا فیلم و تئاتر است. هنر همان گونه که می تواند در خدمت

فرهنگ بیگانه و عامل انحطاط جوانان باشد، می تواند در مسیر الهی و در خدمت نسل جوان قرار گیرد. از این رو ما از هنرمندان عزیز می خواهیم سعی کنند فیلم هایی بسازند که جنبه مذهبی، اخلاقی، ارزشی و فرهنگی داشته باشد و روح تعهد در انسان ها به چشم بخورد؛ زیرا بسیاری از جریان هایی که در کتاب هاست اگر جنبه تصویری و تجسمی به خود گیرد، قطعاً تأثیر آن در نسل جوان بیشتر و عمیق تر خواهد بود و هرگز از صفحه ذهنشان پاک نخواهد شد و تجربه، این واقعیت را ثابت کرده است؛ بنابراین بر هنرمندان متعهد کشورمان فرض است که در این موقعیت حساس از هنر خویش استفاده نمایند و آن را در خدمت ارزش ها و مبارزه با تهاجم فرهنگی به کار گیرند. با فیلم و تئاتر می توان تاریخ اسلام و زندگانی پیشوایان مذهبی و الگوهای برجسته دینی را به نمایش درآورد و نسل جوان را با فرهنگ خودی آشنا ساخت.

توجه بیشتر به مسجد و نماز

از آن جا که نماز نقش بسیار مهمی در دوری انسان از فساد و تباهی دارد، می تواند یکی از راههای کارآمد برای جلوگیری از انحراف نسل جوان به حساب آید. قطعا اگر جوانان ما با مسجد و نماز انس بگیرند و لذت ارتباط با خدا را درک کنند، هیچگاه حاضر نمی شوند خود را به لذت های حرام آلوده نمایند. نماز انسان را می سازد، روح را تزکیه می کند، زشتی منکرها را آن گونه که هست به آدمی نشان می دهد، موجب ریزش باران رحمت و هدایت بر

سرزمین روح می گردد، آدمی را از فساد و زشتی ها باز می دارد، نقشه های شیطان را نقش برآب می کند و انسان را بر هواهای نفسانی مسلط می نماید: «ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر؛ همانا نماز انسان را از فحشا و زشتی ها باز می دارد».(1)

از این رو جوانان عزیز باید سعی کنند ارتباط خود را با مسجد و نماز قطع نکنند و تلاش نمایند نماز را به موقع بخوانند تا لذت ذکر الهی و ارتباط با مبدأ هستی را که قابل مقایسه با هیچ لذتی نیست، درک کنند و دست اندرکاران امور فرهنگی کشور باید زمینه ارتباط جوانان را با مسجد و نماز فراهم کنند تا از آسیبا تهاجم فرهنگی در امان بمانند؛ زیرا دشمنان، هنگامی به تهاجم فرهنگی خود امیدوار هستند که بدانند جوانان یک کشور از مسجد، نماز و معنویت فاصله گرفته اند.

1- سوره عنکبوت: آیه 45

ص: 199

1. فقه الإمام جعفر الصادق علیه السلام : تألیف علامه محمد جواد مغنیه علیه السلام ، تحقیق مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام، چاپ سوم، (6 جلدی) 2 - قصص القرآن الکریم دلالیاً وجمالیه، تألیف دکتر محمود البستانی چاپ دوم (2 جلدی). ٣- محاضرات أمام الخوئی قدس سره فی المواریث: به قلم سید محمد علی ترسان. 4- أدب الشریعه الاسلامیه : تألیف دکتر محمود البستانی5- بضعه المصطفی صلی علیه وآله : تألیف سید مرتضی الرضوی، تحقیق ویرایش مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام. 6 - الحتمیات من علائم الظهور: تألیف سید فاروق بیاتی موسوی، چاپ سوم تحقیق وویرایش مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 7-المولی فی الغدیر: تألیف گروه پژوهش ها و مطالعات مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام8- عقیله قریش آمنه بنت الحسین: تألیف سید محمد علی الحلو، چاپ دوم تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 9- انصار الحسین الثوره والثوار: تألیف سید محمد علی الحلو، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام10- هویه التشیع : دکتر شیخ أحمد الوالی رحمهالله . چاپ سوم تحقیق مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 11- معالم العقیده الاسلامیه: گروه پژوهش ها و مطالعات مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 12 - التحریف والمحزنون، تألیف سید محمد علی الحلو، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام

ص: 202

13 - الحسن بن على علیه السلام : تألیف سید محمد علی الحلو، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام

14 - الشیعه وفنون الإسلام: تألیف مرجع بزرگ شیعه سید حسن صدر قدس سره، تصحیح

مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 15 - تحن الشیعه الإمامیه وهذه حقائدناء تألیف سید محمد الرشی الرضوی، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 16 - لماذا اخترنا مذهب الشیعه الأمامیه: تألیف سید محمد الرضی الرضوی، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام17 - المثل الأعلی: تألیف سید محمد الرضی الرضوی، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 18 - عصر الغیبه الوظائف والواجبات: تألیف شیخ علی شطری، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین

19- بحوث عقائدیه: کریدهای از مباحث کلامی آیت الله العظمی خوئی قدس سرو 20 - العروه الوثقی والتعلیقات علیها: (گردآوری و تدوین 41 تعلیقه بر کتاب العروهالوتتی) تألیف آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی ته توسط مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 21- تفسیر القرآن الکریم (جلد اول): تألیف سید المرتضی علم الهدی، تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 22 - هدیه الزائرین وبهجه الناظرین (فارسی): تألیف مرحوم شیخ عباس قمی رحمهالله تحقیق وتصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 23 - اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد اول (فارسی): تألیف آیت الله سید عبدالحسین طیب، تحقیق و تصحیح مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 24 - اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد دوم (فارسی): تألیف آیت الله سید عبدالحسین طیب، تحقیق و تصحیع مؤسسه جهانی سبطین علیع السلام 25 - مهربانترین نامه (شرح خطبه 31 نهج البلاغه): تألیف سید علاء الدین موسوی اصفهانی 26 - قطره ای از دریای غدیر: گروه پژوهشها و مطالعات - بخش فارسی، مؤسسه جهانی علیه السلام.

ص:203

27 - پرسش ها و پاسخ های اعتقادی: گروه پژوهش ها و مطالعات - بخش فارسی،

مؤسسه جهانی سبطین عله السلام . 28 - غربت باس: گروه پژوهش ها و مطالعات - بخش فارسی، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 29 - روز شمار تاریخ اسلام: گروه پژوهش ها و مطالعات - بخش فارسی، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام30-باب، حریم پاکی ها: گروه پژوهش ها و مطالعات - بخش فارسی، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 31-سکینه (س)، پرده نشین قریش: تألیف سید محمد علی الحلو، بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 32 - شهادت حضرت فاطمه (اردو): پخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام . 33 - قطره ای از دریای غدیر (اردر): بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام . 34 - مهربانترین نامه (مشفقانه وصیت نامه) (آردی): بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 35 - سکینه (س)، پرده نشین قریش (انگلیسی): بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 36 - شهادت حضرت فاطمه ا (انگلیسی): بخش ترجمه، مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام37 - سپاهنی پیرامون امامت (انگلیسی): گروه پژوهش ها و مطالعات و ترجمه - بخش انگلیسی مؤسسه جهانی بسیطین علیه السلام 38 - مفاهیم قرآنی (انگلیسی): گروه پژوهش ها و مطالعات و ترجمه بخش انگلیسی مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام 30 - علوم قرآنی (انگلیسی): گروه پژوهش ها و مطالعات و ترجمه - بخش انگلیسی مؤسسه جهانی سبطین . 40- مباحثی پیرامون نبوت (انگلیسی): گروه پژوهش ها و مطالعات و ترجمه - بخش انگلیسی مؤسسه جهانی سبطین علیه السلام

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آيا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند يکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109